

راستی در ایران چه رخداد؟

What Really Happened In Iran

اثر: دکتر جان کُلمن

John Coleman

راستی در ایران چه رخداد؟

What Really Happened In Iran

اثر: دکتر جان کلمن

John Coleman

برگردان:

پارسوا – هکمتانه

آرایش برگ ها، ویرایش:

ح-ک

مارچ ۲۰۱۸

آنچه در این کتاب میخوانیم

۴	در باره نویسنده
۷	یادداشت ویراستار
۱۰	میراث شوم
۱۷	آیت الله خمینی کی بود
۲۴	بی بی سی دشمن شماره یک ملت ایران
۲۷	آمریکا نمیتواند در امور حاکمیت ملی کشور ها دخالت کند
۳۴	اینان خائن به ایران هستند
۴۴	ایران در سال ۲۰۰۵
۴۴	ایران دشمن تازه
۴۹	موضوع تندروها
۵۲	پاسخ ایران به سخنان جنگ طلبانه سیاستمداران آمریکائی
۵۳	فروش موشک اسکندر به ایران و سوریه
۵۷	ایران در سال ۲۰۱۱
۶۶	توضیح های نویسنده – برگردان

در باره نویسنده

جان کلن **John Coleman** در سال ۱۹۳۵ میلادی بدنیا آمده است. او امروز ۸۳ سال دارد. جان کلن یک نویسنده، تحلیل گر سیاسی و مسایل بین المللی است. او در شرح زندگانی خود میگوید افسر اداره اطلاعاتی انگلستان (ام آی شش MI6) بوده است.

آقای کلن کتاب ها و نوشته های زیادی نوشته است. تحلیل های سیاسی او جنبه ساختار جهانی دارد. آقای کلن معتقد است گروه کوچکی هستند که خود را کمیته ۳۰۰ میخوانند و دنیا را اداره میکنند. در میان این گروه کسانی که سرکرده های کشور های مهم جهان هستند حضور دارند که یک هدف کلی را دنبال میکنند و آن هدف اداره جهان بصورت یک دولت است.

کتاب هایی که آقای کلن نوشته است بسیار خواننده داشته ولی برخی که ظاهرا از عوامل همان کمیته ۳۰۰ بوده باشند نوشته های آقای کلن را در قالب «تنوری های توطئه» میدانند. کسانی مانند دوید ایک و جیم مارس **David Icke and Jim Marrs** در کتاب های خود از آقای جان کلن یاد میکنند.

آقای کلن بر این باور است که اخوان المسلمین یک شاخه سری و مخوف از فراماسون ها هستند که از سوی کسانی مانند تی ای لاورنس، سنت جان فیلیپی و برتراند راسل پشتیبانی شده است. این شبکه فراماسونی در قالب اسلام برای کنترل خاورمیانه و پسروی خاورمیانه به دوران توحش و دوران قرن ششم تا دهم کار میکند.

آقای کلن بر این باور است که منابع طبیعی جهان از جمله نفت، الماس، اورانیوم ویا دیگر منابع طبیعی نمیتوانند از سوی آریستوکرات ها و ایلومیناتی ها غارت بشوند مگر بشر بصورت عقب افتاده نگاه داشته شود. دلیل اینکه بسیاری از کشور های آفریقایی و خاورمیانه همواره عقب داشته شده اند همین مسئله است.

آقای کلن کلاب رم، بنیاد جیورجیو چینی **Giorgio Cini Foundation**، و گلوبال ۲۰۰۰، انیستیتو تاویستوک را سازمان های مخوف کنترل کننده جهان به حساب می آورد.

آقای کلن ۱۲ کتاب بسیار خواندنی و مشهور دارد و سد ها یادداشت بسیار مهم در رسانه های همگانی به چاپ رسانده است. از جمله کتاب های او:

- *The Rothschild Dynasty* - A book documenting the extensive and secretive influence of the Rothschild extended-family of bankers.
- *خاندان روتچیلد* - کتابی است که با ارائه اسناد زیادی نفوذ سری روتچیلد ها و فامیل بانکداری آن خاندان را شرح میدهد.

- *The Tavistock Institute Of Human Relations: Shaping the Moral, Spiritual, Cultural, Political and Economic Decline of the United States of America*
- موسسه تاولستوک و روابط بشری که در رابطه با شکل گیری روحی و روانی و فرهنگی سیاسی اقتصادی و سقوط جامعه آمریکا سخن میگوید
- *Conspirators Hierarchy: The Story of the Committee of 300*
- تنوری گران موروثی، داستان کمیته ۳۰۰ است
- *One World Order: Socialist Dictatorship (formerly titled Socialism: The Road To Slavery)*
- *نظم جهان یکتا- دیکتاتوری سوسیالیستی است که پیشتر زیر نام سوسیالیسم و راه به سوی برادگی منتشر شده است*
- *Diplomacy by Deception: An Account of the Treasonous Conduct by the Governments of Britain and the United States*
- دیپلماسی با تزویر- داستان خیانت پیشگی دولت های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا است
- *Beyond The Conspiracy: Unmasking The Invisible World Government, The Committee Of 300*
- در ماورای توطئه ها- برداشتن نقاب از چهر دولت های پنهانی و کمیته ۳۰۰
- *What You Should Know About The United States Constitution And The Bill Of Right*
- آنچه شما بایستی در باره قانون اساسی آمریکا و منشور حقوق بشر بدانید.

آقای جان کلمن بر این باور است که کشته شدن جان اف کندی یک عملیات سری ام آی شش انگلستان با همکاری سیا و اف بی آی بود که همزمان بازی شده است. چیزی که بایستی به درستی روشن بشود این است که مردم آمریکا بدانند رییس جمهور آنان در هنگام کشته شدن مامور حفاظتی نداشت و بلکه همانند کسی که لخت شده باشد در تیررس قرار داشت و ابزار دفاعی از خود نداشت. پلیس دالاس حفاظت خود را و خدمات امنیتی را در هنگام دیدار جان اف کندی از کنار مسیر کندی برداشته بود. نیروهای نظامی ارتش آموزش دیده بودند تا از رییس جمهور حفاظت کنند ولی در ۲۲ نوامبر پلیس امنیتی ارتش هم از حفاظت رییس جمهوری خودداری میکند.

آقای کلمن در کتاب کمیته ۳۰۰ خود مینویسد: همه سه شبکه تلویزیونی آمریکا از کمر آر سی ا RCA بیرون آمده و به ویژه **National Broadcasting Company (NBC)**، که دنباله آن در سال ۱۹۵۱ بوجود آورنده **American Broadcasting Company (ABC)** بوده است شبکه سومی بنام **Columbia Broadcasting System (CBS)** را ساخته است که هر سه خواهران همدیگر بوده و از سوی اداره امنیت انگلیس زیر نفوذ میباشند و ویلیام پیللی در موسسه تاولستوک آموزش دیده بود تا از تکنیک مغز شویی برای راهبرد سیاسی در کانال سی بی اس استفاده کند.

ملک فیصل عربستان سعودی اگر به کار انگلستان می آید به این دلیل است که تی ای لاورنس (لورنس عربستان) دمشق را به نفع عرب ها از چنگ دولت عثمانی در می آورد، این در حالی است که در سال ۱۹۲۰ دولت فرانسه قول داده بود سوریه را اداره کند ولی ناگهان به وعده داده شده پایان میدهد. فیصل یکسال پس از آن سرزمین را به انگلیسی ها میسپارد زیرا اداره کشور عراق شیعه به ملک فیصل سنی سپرده میشود. فیصل اول تا سال ۱۹۳۳ که مرگش فرامیرسد در عراق حکومت پادشاهی میکند و سپس پسرش قاضی عراق را تا سال ۱۹۳۹ اداره میکند و بدنبال او فیصل دوم پادشاه کشور عراق میشود که در کودتای نظامی سال ۱۹۵۸ کشته میشود. همه با نظارت و کنترل انگلیسی ها انجام میشود.

خاندان هاشمی تا به امروز اداره کشور اردن را با نسل سوم اداره میکند. سرزمین اردن به پرنس عبدالله سپرده میشود و او تا سال ۱۹۲۱ درحالیکه طرفداران شدیدی از سوی انگلستان او را یاری میکرد اداره میکند. عبدالله دریافته بود که آینده ای نخواهد داشت اگر با اربابان خود بدرفتاری بکند؛ به همین دلیل بریتانیایی ها از او برضد مردمش استفاده میکنند و زمینه را برای تشکیل دولت اسراییل آماده میسازند. عبدالله در مقام پادشاه در سال ۱۹۵۱ در مسجد الاقصی کشته میشود و نوه ۱۶ ساله او حسین تاج پادشاهی را بدست میآورد. «ملک حسین» تا سال ۱۹۹۹ که مرگ به سراغش میآید به انگلستان وفادار میماند و حتا در دوران گرفتاری کسی که او را برادر میخواند (شاهنشاه) به شاه ایران کمکی نمیکند. پسر او عبدالله دوم سرزمین پادشاهی اردن را زیر نظر انگلستان اداره میکند.

ولی انگلستان پادشاه ایران را که به کاخ باکینگهام گوش نمیکرد را توسط خمینی از میان برمیدارد.

یادداشت ویراستار

کتاب پیش رو که از سوی آقای پارسوا- هکمتانه برگردان شده است بصورت فایلی اینترنتی از سوی دوستی به من رسید. در تماسی که داشت گفت از برگردان کننده پروانه دارد تا به هر ترتیب که ممکن است ویراستاری شده و بصورت کتابی قابل مصرف برای ایرانیان در آید.

پس از نگاهی به متن، آنرا مفید به دانش ایرانیان دیدم، و داوطلبانه به ویراستاری و آرایش برگ ها پرداختم. برخی زیر نویس ها، نگاره ها و این یادداشت را به آن افزودم تا کتاب کامل و معنی دار بشود.

متن برگردان شده ایراد هایی داشت؛ تا آنجا که چشم اجازه میداد ویراستاری شده است. متن انگلیسی را ندیده ام تا درستی برگردان با متن اصلی برابری داده شود. بنظر میرسد نویسنده آقای جان کلمن، با اشتیاق ویژه ای این کتاب را نوشته است. بنظر میرسد نگران کشورش بوده و زمانی که کتاب را نوشته آگاه نبوده است که آقای دانالد ترامپ با شعار «آمریکای فوق العاده» به منظور ضربه زدن به اقتصاد جهانی و از جمله آمریکا بروز خواهد کرد. ممکن است بسیاری آقای کلمن را از جمله تنوری سازان توطئه لقب بدهند ولی همه مطالبی که نوشته است کم و بیش در گذشته در همه جا خوانده شده و یا در باره آن گفتگو شده است و به همان ترتیب روی داده است.

نویسنده به گروه های ایلومیناتی، بیلدبرگ، فراماسون، بلاک نوبلیتی، آریستوکرات های سلطنتی انگلستان، اشاره میکند ولی در این متن اشاره ای به سازمان هایی مانند «استخوان و جمجمه» یا **Munich Frauenkirche** و **Fraternal organisations** که مدعی است از ایلومیناتی های اصیل باواریا میباشد یا **Ordo Templi Orientis** که خود را ارثیه ایلومیناتی های قرون گذشته میداند اشاره نشده است. امروز نشانه هایی در دست است که این سامانه های پنهانی مخوف که دست هایشان به خون های بسیاری آلوده است و در ناپدید شدن هواپیما ها، غرق شدن کشتی ها، و ناپدید یا کشته شدن شخصیت ها یا سرنگونی سران کشور های گوناگون آلوده است دارای نیت های اقتصادی و سیاسی هستند و بیشترشان بجای اینکه در همان وضع سری و پنهان بمانند حضور خودشان را به رخ میکشند و ارتباط های خودشان را به وسیله ایادی خودشان منتشر میکنند. حتا برخی دنبال آن هستند تا عضو هایی را جذب کنند.

خود این سامانه ها مطالبی را در قالب «تنوری های توطئه» بصورت پروپاگاندا منتشر میکنند و هرکس به آن موارد اشاره کند او را با وصله «دایی جان ناپولنونی» تخطئه کرده و به تمسخر میکشند ولی نظرشان اجرای همان پروژه است.

بسیاری از پروژه های کنترل شده در دنیا توسط همین سازمان های مخوف و پنهان اداره میشوند. در میان این پروژه ها کسانی مانند رییس جمهوری های آمریکا عضویت دارند و هدف نهایی این سازمان های مخوف و پنهان توسط دست هایی مانند نخست وزیران و ریاست جمهوری ها اجرا میشوند.

از تنوری هایی که به ریشه های تاریخی بشر مربوط میشود و از سوی همین سامانه های سری اداره و مدیریت شده است میتوان به «انقلاب فرانسه»، «جنگ واترلو»، «کشته شدن جان اف. کندی»، «نظم نوین جهانی» که به منظور کوبیدن و از هم پاشیدن کومونیسم طراحی شده بود، به «جنگ ویت نام»،

«ازهم پاشیدن کشورهای پشت دیوار آهنین (یوگسلاوی)»، «شورش آیت الله ها و بروز اسلام تروریستی»، «جنگ در عراق»، حمله به برج های دوقلو نیویورک و حمله به افغانستان را میتوان نام برد.

در کوتاه سخن میتوان گفت، ایلومیناتی ها با نوشتن رمان ها یا سناریو هایی مانند «فرشتگان و شیاطین» که از روی کتابی به همین نام نوشته دان براون آمریکایی به فیلم سینمایی تبدیل شد، یا رمانی بنام *Pendolo di Foucault* (اونگ فوکو) نوشته Umberto Eco ذهن جامعه انسانی را آماده کرده و به نقشه های خود میرسند.

در رابطه با شورش ۱۹۷۹ آیت الله ها در ایران، میتوان به نوشته های روزنامه های انگلیسی و فرانسوی و دیگر کشورها بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ نگاه کرد و جای پای کسانی مانند مظفر فیروز، اریک رولو، روزنامه لوموند، مجله فکاهی اردک زنجیر گسیخته *Le Canard Enchainet* یا حتا روزنامه ها و مجله هایی که در ایران منتشر میشد مانند، خواندنی ها، تهران مصور، فکاهی نامه های دیگر نگاه کرد و دریافت چگونه در گذر زمان زمینه سازی های لازم برای شستشوی مغزی جوانان و جامعه ایران را فراهم کردند.

طرح کلاب رم و موسسه اسپن که در گوادلوپ به تایید کشور های خریدار نفت رسیده بود به راهی رفت که آنرا ازپیش در راستای مبارزه با طرح صنعتی کردن کشور توسط شاهنشاه و به عقب راندن کشور تا مرز تباهی رسته بودند؛ آنرا بقدری ماهرانه انجام دادند که حتی پول های لازم را از خود شاه و فرح گرفتند. نفود آنان بقدری پیشرفته بود که حتا اطرافیانی مانند فلسفه دان درباری و دوست نزدیک شاه یعنی سید حسین نصر و هوشنگ نهاوندی که بعد ها رئیس دفتر شهبانو فرح پهلوی نیز شد را گول زدند تا واسطه دوشیدن شاه و ایران شوند. البته دیرتر دریافتیم حسین نصر و هوشنگ نهاوندی هم از مهره های اسپن و کلاب رم بوده اند.

بعد ها وقتی نقشه اسپن گرفت و از طریق دکتر شریعتی و ایادی دیگری همانند منوچهر گنجی، که با عباس میلانی عضو حزب توده و چریک بعدی در ارتباط بود لرزه به ستون سلطنت افتاد، در اوایل سال ۱۹۷۷ کلاب رم به کمک اسپن و ایادی مانند *Peccei* و *Jaques Freymond* را که در اروپا روی پروژه «برادری مسلمین اروپا» (*Europe Muslim Brotherhood*) کار میکردند را بر آن داشتند تا افکار «اسلام و غرب» را شیوع بدهند. این نیرنگ به تحریک انگلیسی ها در دانشگاه کمبریج انگلیس زیر نظر لرد کاردن و رهبر اخوان المسلمین اروپا شخصی بنام "معروف الدوالبی" دوره ای براه انداختند که ظاهرا علم و تکنولوژی در اسلام را مورد بررسی و مطالعه قرار میدادند. در زیر این ظاهر سازی ها به گسترش علم و تکنولوژی در غرب و آمریکا حمله میشد. پس از فراهم شدن این زمینه دیگر انگلستان به علی شریعتی نیازی نداشت. او مهره سوخته ای شده بود.

سایرس ونس و *Peccei* با چند تن از افراد جنبش برادری مسلمانان از در دوستی بر آمدند تا نزدیکی آنان با سید حسین فراهم شود. گارودی (*Garaudy*) که بنی صدر زیاد از او نام میبرد به همراه موریس گورنیه از جمله مشاوران اقتصادی این نیرنگبازان بودند که خود را آنقدر به دربار نزدیک کرده بودند که بخود اجازه میدادند استراتژی اقتصادی ایران را با شاه مورد بررسی قرار دهند. در واقع اینان با موسسه تحقیقاتی مدیترانه که در سال ۱۹۷۷ توسط پال ویی "*Paul Veille*" جامعه شناسی رادیکال افتتاح شده بود و ابوالحسن بنی صدر یکی از همکاران نزدیک او بود در ارتباط بودند. میدانیم که گارودی یکی از کهنه کار ترین افراد سازمان اطلاعاتی انگلیس میباشد؛ وی در این خیمه شب بازی

ظاهراً قبلاً تئوریسین حزب کمونیست معرفی شده بود و از آنان سوا شده و به یک رومن کاتولیک دو آتشه تبدیل شده بود. چه فنومنی !! گرگ در لباس میش!!

با همین گرگ های در کمین ستون خیمه ایران را از درون برداشتند و خیمه ای که میرفت به تمدنی بزرگ مبدل و الماس خاورمیانه بشود را همانند شیشه ای بشکستند.

این نوشته نگاره یا زیرنویس نداشت؛ تنظیم برگ ها و ویرایش متن انجام شد و نگاره هایی به آن اضافه شد.

خواندن این کتاب را به همه نسل های جوان ایران که آینده سازان ایران هستند سفارش میکنم.

ح-ک

میراث شوم

ایرانی که امروز ناظران هستیم مرده ریگی است از توطئه ایلومیناتی ها که با ارضای خاطر آنها یک پیروزی بزرگ در قرن بیستم برای خود میدانند.

طرح توطئه آمیز آنها که با دقت تمام برنامه ریزی شده بود دیهیم پیروزی و موفقیتی بر تارک آنها در جهت بقدرت رساندن آیت الله خمینی و مدلسازی این حرکت بمنظور حمله به ملل دیگر در زمانهای آتی است.

این توطئه گران کیستند؟ انگیزه آنان چه بود؟ چه سودی از انهدام سلطنت شاه با روی کار آوردن تندروهای سنتی مذهبی داشتند؟ در اثنای این نوشته با آن آشنا خواهیم شد. کوشش میکنم نگاهی اجمالی به رازی که ایران را بدوره قرون وسطا باز میگرداند بیانداریم کشوری که در زمان رهبری شاه تمامی مساعی خود را بکار گرفته بود.

توطئه گران سال هزار و نهصد و هشتاد و سه (۱۹۸۳) میراث داران طرح مخفی قرن هجدهم اند که توسط «آدم وایزهاپ»^۱ طراحی و در نظام نامه «ایلومیناتی»^۲ مندرج گردیده. کتب زیادی در مورد «ایلومیناتی» نوشته شده که اگر زمان و فرصت کافی هم بدست آید در این مورد چیزی نخواهم گفت ولی بهر صورت موضوع دیگری از آنها را در آینده فاش خواهم کرد.

هدف «ایلومیناتی»ها استقرار جهان «یک حکومتی» ضمن انهدام نظام کنونی و اضمحلال همه ادیان خصوصاً مسیحیت است. عنوان این هدف «نظم نوین جهانی»^۳ است که از ریشه یونانی آن اخذ شده. این شعار در پشت اسکناس یک دلاری آمریکا کاملاً مشهود است.

شعار مذکور انسانها را بسوی قرون وسطا دعوت میکند که تحت لوای سیستم فنودآلیته ملت هارا در تمامی جهان تحت کنترل و مراقبت قرار میدهد چنین سیستمی از قبل در اتحاد جماهیر شوروی توسط رهبران فنودال حزب کمونیست به اجرا درآمده بود. توطئه گران دارای اسامی گوناگونند:

«بلاک نوبلیتی»^۴ آریستوکراتها و خانواده سلطنتی،^۵ شورای روابط خارجی،^۶ فوندی^۷

و غیره..... در پنچ قرن گذشته کهنه فامیل ها «آلد فامیلیز»^۸ قدرت مطلقه بودند، چه در اروپا، مکزیک، انگلستان، آلمان، ویا آمریکا. در اتحاد جماهیر شوروی این فامیل رانده شدند و جانشین آن طبقه آریستوکراتهای بسیار شرور و سرکوبگر گردیدند.

1 - Adam Weishaupt (1748-1830)

2 - Illuminati

3 - New World Order

4 - Black nobility

5 - Aristocrats and Royal Family

6 - Council On Foreign Relations

7 - Fondy

8 - Old Family

همه ملل جهان زیرپوش مستقیم «کمیته سید»^۹ قرارمیگیرند بیشتر نجیب زادگان اروپا که معترف و معتقد به مسیحیت هستند درحقیقت نه به مسیحیت اعتقاد دارند و نه به اصول آن عمل میکنند، اما اکثریت این طبقه پرستندگان فرقه مذهبی هستند که بوجود خدا اعتقاد ندارند آنها معتقدند که مذهب عاملی برای استعمار انبوه مردم عامی است و ازاین طریق مردم را با چنگالهای آهنی در دستانشان حفظ میکنند. «کارل مارکس»^{۱۰} بیهوده گفته است: که دین افیون توده هاست. این دکترین قالب بندی شده از صدها سال قبل پیرو داشته و توسط «رویال فامیلیز» که بطور منظم در کلیساها حضور میافتند و مراسم مذهبی راباشکوه زیاده ازحد برگزار میکردند وجودداشت. باید توجه داشت که دور زمانی قبل از آنکه «کارل مارکس» از طرح «وایز هاپ» کپی برداری نماید ومدعی نگارش مانیفست خودباشد این دکترین وجود داشته است. از قبیله ترین فرقه هائیکه «بلاک نوبلیتی» پیرو آن بودند فرقه «دایاتوسوس»^{۱۱} است که یکی از تعلیمات آن چنین است:

«در روی زمین یک گروه از افراد بطور مطلق فرمانروای خاص هستند و تمامی منابع طبیعی آن متعلق به آنهاست»؛ ریشه این اعتقاد به چهار هزار سال قبل برمیگردد.

در شرایط فعلی این گروه خود را «آلمپین»^{۱۲} نامیده و وابسته به «کمیته ۳۰۰» میباشدند.

«آلمپین»ها خودگروهی وابسته به کمیته مذکور هستند که پایداری خانواده حفظ روش وقوانین آن اولین مبحث ایمان و اعتقاد آنهاست. «آلمپین»ها معتقدند که در منابع طبیعی عوامل کمیابی پیدا میشود که فقط در اختیار افراد منحصر به فردند، اینگونه منابع طبیعی خیلی زود مصرف شده وتحلیل میروند زیرا علت آن رشد سریع جمعیت مصرف کننده کم ارزش میباشد. «آلمپین»ها متفاوت از «وایزهاپ» هستند زیرا «وایزهاپ» متمایل به تشکل گروهی است مثل نظم نوین جهانی فرمی که بطور آشکار جهان خاکی را اداره کند درحالیکه «آلمپین»های امروزی هرچائی راکه وایزهاپ ترک میکند جایگزین آن میشوند وعناوین مختلفی نظیر: «کلوب رُم»^{۱۳}، کمونیست ها، صیهونیست ها،^{۱۴} شورای روابط خارجی، بنیادسلطنتی روابط بین المللی،^{۱۵} گروه میلنر،^{۱۶} اسه جانبه ها،^{۱۷} بیلدبرگ^{۱۸} وانجمن مونت پله رین^{۱۹} بکارشان ادامه میدهند اماخیلی از آنها مهم نیستند. تعداد زیادتری نیز هستند که از نظر تشکیلات توطئه گری، بسیار پیچیده ودرهم اند که مجالی برای بحث کردن آن دراین مقاله ندارم. رویهمرفته کلیه این اعضاء همراه با خانواده سلطنتی اروپا کمیته ۳۰۰ را تشکیل میدهند.

«کلوب رُم» تشکیلات عمده ایست که ناظربرگروه های توطئه گر درسراسر جهانند، هم پیوسته های آن «فراماسون»ها خصوصاً شعبه «آنین اسکاتلند»^{۲۰} و بخش «پی ۲»^{۲۱} ایتالیا میباشدند. یکی از مرموزترین

9 - Committee 300

10 - Karl Marx

11 - Dionysus

12 - Olympians

13 - Club Rome

14 - Zionists

15 - Royal Institute for International

16 - Milner Group

17 - The Trilaterals

18 - Bilderbergers

19 - Monte pelerin Society

20 - Scottish Rit

21 - Propagand p2

لژهای «فراماسون» بنام «کوآتور کروناتی»^{۲۲} است؛ لژی که اسم آنرا حتا بندرت خود اعضای «فراماسون» شنیده اند، لژ یاد شده بطور مستقیم بیشترکارهای بخش سیاسی را اداره میکند. گروهی بسیار قدرتمند و پیچیده از شرکت های بزرگند که بانکها پشت سر آنها بصورت یک قدرت خارق العاده ایستاده اند.

ملکه الیزابت پادشاه انگلستان رهبری کمیته ۳۰۰ را عهده دار است و پسرخاله اش «دوک دو کنت» رهبر «آنین اسکاتلند» که متعلق به «فراماسون» هاست میباشد بیشتر شرکت های لوازم خانگی فروشی در آمریکا متعلق به آنهاست و توسط ملکه الیزابت کنترل و اداره میشوند مخصوصاً گروهی تحت عنوان «ایگل استار».

دو شرکت بیمه بزرگ جهان که هر دو درایتالیا مستقر هستند متعلق به کمیته ۳۰۰ میباشند. «بلاک نوبلیتی» ها و سایر آریستوکراتهای آمریکائی حامیان بزرگ بخش عظیمی از موسسات تحقیقاتی و بنیادهائی هستند که آنها را تواماً «تینک تانکس»^{۲۳} مینامند.

این گروهها هستند که سیاستهای کلی را سمت و سو میدهند، دربین آنها مشهورترینشان «مرکز تحقیقاتی استفورد، راند کوپریشن، هریتیج فاندیشن، و آرتن اسکول اکونومیس، ام-آی-تی، موسسه ازلان»^{۲۴} میباشند.

دانشگاه جورج تان، موسسه سرمایه گزاری راکفلر، بنیاد فورد، شرکتهای همه پرسی نظیر «یانکدویچ، شرلی و وایت»^{۲۵} از همین طبقه هستند.

این ها مردم رامجبور میکنند تا باورشانشان شود آنچه آنها میگویند عقاید ملت است، دراین خصوص نیاز به تهیه لیست بلند بالائی است که متاسفانه زمان و مکان بمن (نویسنده) فقط اجازه اشاره مختصری را میدهد.

گروه زیر بانک های جهان راتحت کنترل دارند:

- ۱- بانک انگلستان، ۲- فدرال زرو بانک، ۳- بانک سرمایه گزاری بین المللی^{۲۶}

من (نویسنده) راز تمام سازمانهای تخصصی «موسسه تاویستاک»^{۲۷} لندن را با شاخه های «فراماسون» مثل «دانشگاه ساسکس» را درسال هزارونهدوشصت ونه (۱۹۶۹) برملا کردم، از طریق این موسسه انگلستان سیاست های داخلی و خارجی آمریکا را ازسال هزارونهد و چهارده (۱۹۱۴) تحت کنترل دارد و حتا متعاقب آن توافق بین «چرچیل» و «روزولت» که درسال هزارونهد سی و هشت (۱۹۳۸) بنیادش گذاشته شد تا بموجب آن انگستان «ا-اس-اس»^{۲۸} را با آموزش کامل بوجود آورد و همین تشکیلات متعاقباً طلیعه ساز بوجود آمدن «سی-ای-ای» گردید.

22 - Quator Coronati

23 - Think Tanks

24 - Rand corporation, Heritage Foundation, Arten School Economies, MIT, Esalen Institute

25 - Yankdovitch

26 - The Bank of England. The Federal Reserve Banks. The Bank of International

27 - Tavistock Institute

28 - O.S.S= C.I.A

شتشوی مغزی عموم ملت یکی از تحقیقات عمده «موسسه تاویستاک» است این خط فکری را ژنرال «جان رولینک ریس»^{۲۹} در سال هزارونهد و بیست و پنج (۱۹۲۵) تقویت کرد که تا امروز نیز ادامه دارد. یکی از دست آموزان «ریس» توانست به نحو موفقیت آمیزی مردم آمریکا را به این باور برساند و بر اثر آن در مدت زمان کمی یک سیاستمدار اهل (جورجیا) توانست رهبر پر توان یک ملت بزرگ جهان گردد و بالاخره این «آلمپین» ها هستند که همه چیز را در داخل و خارج از آمریکا کنترل میکنند.

در مورد سیاست خارجی آمریکا هیچ تصمیمی بدون تصویب دولت انگلیس اتخاذ نمیشود.

«آلمپین» های کمیته ۳۰۰ فراماسون ها را کنترل میکنند علاوه بر آن کنترل تجارت موادمخدر و همچنین موزیک «راک» که احساسات جوانان را تحریک کرده و به هیجان میآورد تا بدین وسیله آنان را بسوی مواد مخدر سوق دهد را نیز در دست دارند.

این برنامه ها که خیلی با دقت رهبری و تنظیم میشوند در اصل توسط «تاویستاک» رهبری میگردند.

بهمین دلیل است که بهترین خوانندگان جاز از انگلستان بر میخیزند. این «تاویستاک» بود که (اِل-اس-دی) معروف را در آمریکا توسعه و آنرا پروژه «ام-ک-اولترا»^{۳۰} نامید، این پروژه توسط دانشگاه استنفورد برای مدت بیست سال مدیریت شد. کسانی که در این پروژه جهنمی شرکت داشتند:

برتراند راسل، الدوس هاگزیلی^{۳۱} بودند، یکی از غامض ترین شرکت هایی که موسسه «تاویستاک» با آنها همکاری داشت شرکت دارونی «هاف من لاروش» است که کاشف مواد مخدر (اِل-اس-دی) است.

در گذر بیست سال گذشته «آلمپین» ها شاهد رشد سریع جمعیت در جهان شدند خصوصاً طول عمر زوجها که مدیون پیشرفت علوم بود، آنها استدلال میکنند که خیلی از این مردم مصرف کنندگان سریع منابع طبیعی هستند ممکن است این اندکی غلوآمیز باشد اما اگر گزارش سال دوهزار (۲۰۰۰)، جلد بیست و شش (۲۶) مربوط به «پروژه ۸۰» که «سی-اف-آر» شورای روابط خارجی آمریکا نوشته را خوانده باشید میبینید که تمام مباحث مذکور دارای یک مشکل اصلی هستند و این گزارش راه حلی را پیشنهاد میکند که «اورلیو پچی»^{۳۲} آنرا دشمن سیاره زمین مینامد شاید شما خواننده هرگز شانس خواندن این گزارشات را بدست نیاورید ولی من (نویسنده) مجبور به مطالعه آنها هستم بنابراین امیدوارم که مرا باور کنید. ادعای صحت این مراتب را نیز ارائه میدهم:

دوجنگ جهانی، جنگ کره و جنگ ویتنام آن نتیجه ای که منظور نظر «راسل» بود را در برنداشتند، برنده جهانی جایزه صلح (راسل) در اثرش میگوید:

«در مورد کاهش جمعیت باید روش و متدهای دیگری را پیدا کرد. (متدهای دیگر) آقای راسل در گزارش جهانی سال دوهزار (۲۰۰۰)، طرح نسل کشی «شورای روابط خارجی» آمریکا بنام حذف حدود چهارصد میلیون (۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰) جمعیت در همان سال مندرج است.»

²⁹ - J. R. Reese

³⁰ - Mk Ultra

³¹ - Aldous Huxley

³² - Pecci

تضعیف کردن اقتصاد آمریکا به آقای «سایروس وانس» واگذار گردید همچنین نیاز به تخریب پایگاههای صنعتی کشورهای پیشرفته و کشورهای جهان سوم که توانایی گسترش و استفاده از انرژی اتمی را نیز داشتند تا به نقطه (صفر) برسند، مغز متفکر و برتر این امر «کلوب رم» بود بهمین دلیل است که ناگهان پیشرفت در صنایع به بدی گرائید و اعلام شدکه صنایع باعث اضمحلال طبیعت اطراف ما شده است.^{۳۳}

(بازگشت به طبیعت) وزیست شناسی بصورت یک حرکت مثل قارچ های هرزه که بعداز بارندگی بهاره از زمین سرمیزند آغاز شد این حرکت وجنبش در همه جا بیدار شد مهمتر از آن ارتباط دادن همه چیز ها به یکدیگر است که «بنیاد جهانی زندگانی وحش و کلوب سیرا»^{۳۴} ضمن تاکید برآن، به آن نیز عمل کردند. هر دو گروه های زیستی خلق شده توسط «کلوب رم» هستند وحمايت مالی از آنها توسط کمپانیهای وابسته به «کمپته ۳۰۰» صورت میگیرد.

بعداز «بلاجیو» شاهد هجوم پیوسته کشیش های نطق سنت گرا به تلویزیون هستیم. اجازه دهید اول از کنفرانس «بلاجیو» شروع کنم. این کنفرانس توسط «کلوب رم» برپا شد و در نشست دیگری نظام سیاسی مورد بحث آن بدست «سایروس ونس» افتاد.

تصمیم بر سقوط شاه ایران توسط «جان -اف-کندی» و ژنرال «تیمور بختیار» اتخاذ گردید و روش تحلیلی آن بعهده «آی-آر-پی-سی»^{۳۵} گذاشته شدکه در محل «بلاجیو» منعقد گردید در این اجلاس روسای مذهبی نظیر «سل لینوویتس، فیلیپ کولوتس نیک، سایروس ونس، پروفیسور برنارد لونیس و ریچارد فالک»^{۳۶} شرکت جستند.

شاه تصمیم گرفت که کشورش را از تحت فشار دولت امپریالیست انگلستان وصیهونیست خارج کند چون این فشار ها باعث مشکلات زیادی برای ایران شده بود.

شاه بطور جداگانه با مدیر شرکت ایتالیایی «ئی-ان-آی» آقای «انریکوماتتی»^{۳۷} وارد معامله میشود، شاه این کار را بخاطر مقابله با انگلستان که میخواست شاه فقط با دو شرکت انگلیسی «فیل برو و بریتیش پترولیوم»^{۳۸} و شرکت هائیکه بعنوان هفت خواهران نفتی معروف بودند معامله نماید، همچنین شاه تصمیم گرفت تا از انجام ۹۰ بلیون دلار سرمایه گذاری روی برنامه انرژی اتمی که توسط انگلیسی ها صورت خواهد گرفت خودداری بعمل آورد.

۳۳ - احسان نراقی، هرگز حکمت، و برخی دیگر در ایران مامور اجرای این پروژه بودند. احسان نراقی در سمپوزیوم شیراز در سال ۱۹۷۵ در نطقی گفت: «دانشگاه ها و مراکز تحقیق در غرب که تمام مطالعات خود را بر اساس مشغله فکری علم انسان ها در جهت «غربگرانی» بنیاد نهاده اند وریشه آنها درعینی بودن عقل گرانی (خرد گرانی) کار گذاشته اند، امروز به بن بست رسیده و در صدد مبارزه با آن هستند. مهم این نیست که تجلیل از عقل گرانی به شادی انسان ها منجر خواهد شد، حال میبایست تا به آن حد تهییج شده باشیم که در صدد پیدا کردن دیسپلینی - روانی - تحلیلی بر آنیم که بتواند درمان بیماری فرا عقلی زندگی که با بی خردی همراه شده را فراهم نماید. چرا فرهنگی مثل فرهنگ ماکه در سرتاسر آن وجود انسان در جلوه گری است باید در پایان خطی که از ذات اصلی خویش محروم شده به بی عقلی برسد» ظاهرا تا اینجا گفتار وی از دل بر آمده و به دل مینشیند ولی وی اضافه کرد «هجوم ماشین به زندگی سنتی ممکن است زندگی و خلاقیت را با خطر مواجه کند» اینجا بود که غرب بیدار شد. احسان نراقی مرتب با دفتر شهبانو فرح ارتباط داشت. ح-ک

34 - World Wild Life Fund. Siera

35 - - Inter-Religious Peace Collguim

36 - Sol Linowitz. Philip Klutznick. Cyrus Vence. Bernard Lewis. Richard. Faulk

37 - Enrico Mattei

38 - British Petroleum. Philbro

جزئیات اینکه (چقدر خوب است که شاه سقوط کند) مثل جوجه ای درحال از تخم درآمدن بود که در گزارشات موسسه «تاویستاک» و «آی-آر-پی-سی» بطور روزانه مندرج گردیده بود و برای اجرا و تداوم آنرا به دو استاد دانشگاه (پرنستون) واگذار نمودند.

این دو استاد یکی «برنارد لونیس» و دیگری «ریچارد فالک» بودند همچنین «آر-دبلیو-اس-کوفین»^{۳۹} از طرف (آی-آر-پی-سی) در آن جلسات حضور بهم می‌رساندند.

«آی-آر-پی-سی» (گردهمائی مذاهب برای صلح) پیشنهاد داد که برای بی ثبات کردن ایران از (سنت گرایان) مذهبی استفاده شود، از آن گروه مسلمان سنت گرا که آنها را خوب شستشوی مغزی داده که باور کنند دین آنها توسط حکومت در خطر افتاده، بنابراین باید عکس العمل شدیدی در جهت دفاع از دین خودشان مقابل شاه نشان دهند دقیقاً همان روشی که در شستشوی مغزی مسیحیان سنت گرا جهت سقوط افراد غیر مذهبی در آمریکا بکار بسته بودند.

موسسه «آسپین» در کلرادوی آمریکا، منزل گاه کمیته ۳۰۰ حرف های زیادی برای گفتن داشت که ایده بسیار ساده بود، ارتباط دادن نقشه های مدرنیزه کردن ایران توسط شاه و منطبق دادن آن با ایده منحط غربی و سپس اعلام به ایرانیان که مدرن کردن ایران باعث انحطاط و سقوط اسلام خواهد شد.

آوای بلندی که باید بگوش همه مسلمین برسد:

تقلید از غرب را متوقف سازید، به سنت گرایی مذهبی خود روی آورید، در همان حال نیز فرهنگ غربی شاه را بصورت یک عمل شیطانی به او مربوط نموده و سرزنش کنیم که میخواهد فرهنگ منحط غربی را جایگزین اعتقادات اسلامی نماید.^{۴۰}

روستائی ساده دل اخبار واصله از طرف خمینی را باور میکند و دلش شعله ور میشود این شعله به جمعیت تهران سرایت میکند و آتش بپا میخیزد. نقشه های متجدد کردن ایران توسط شاه بعنوان عمل شیطانی غربی طبقه بندی میشود و بدین طریق نام شاه در سراسر ایران آلوده به اتهام میگردد. یک بار رئیس جمهور کارتر موافقت خود را با اولین شلیک و تهاجم علیه شاه را توسط «سازمان عفو بین المللی» به مرحله اجرا درآورد سازمان مذکور تحت رهبری بنیاد «برتران راسل» که تصور میشد مردی صلح دوست است درحالیکه با توسعه مواد مخدر در مقدار بسیار زیاد بجنگ جوانان آمریکائی رفته بود قرار داد.

اجازه دهید عین گفته های «راسل» را برای شما نقل کنم تا ببینید چه اندازه در مورد حقوق بشر و صلح ریاکارانه عمل کرد. «راسل» در اثرش بنام *Impact of science on society* که در سال هزار و نهمصد پنجاه و یک (۱۹۵۱) منتشر کرد میگوید:

«رشد جمعیت جهان در شرایط کنونی ۵۸،۰۰۰ تن در روز است چنانچه ملاحظه میشود جنگ تاثیر آنچنان مهمی در این افزایش روزانه نداشته و در سراسر دنیا این حرکت درحال رشد است، جنگ برای این فرایند متاسفانه نا امیدکننده بوده شاید جنگ بیولوژی بتواند بطور موثری درکاستن این رشد تاثیر

³⁹ - R.W.S Coffin

^{۴۰} - احسان نراقی و هرمز فکرت، در کنار اینان حسین نصر و کومونیست مشهور رضا قطبی در مسیر همین آموزش در امور ایران دوران شاهنشاهی دخالت هایی به سود کلاب رم و بنیاد راسل میکردند. ح-ک

گذار باشد. اگر مرگ سیاه (طاعون گاوی) هر سال یکبار بین نسل ها منتشر شود باقیماندگان میتوانند براحتی به تولید مثل ادامه داده بدون آنکه دنیا را از جمعیت پر کنند».

بیان اینگونه مسائل ممکن است ناخوشایند باشد... اما چه میتوان کرد؟ افراد اصول گرا نسبت به این مسئله بی تفاوتند خصوصاً نسبت به انسانهای دیگر.

شهر نشینی فعلی ومراکز صنعتی ویران خواهند شد حتا اگر جمعیت آنان زنده بوده وروش زندگی خود را ترک نمایند وبه روش کارگری قرون وسطا نظیر زندگانی پدرانشان برگردند. هیچ بیانیه ای میتواند تا این حد بی رحمانه باشد؟ اما بطور خلاصه بگویم، این نقشه وطرح بندیش توسط «پچی» صورت گرفته و در گزارش جهانی ۲۰۰۰ در ارتباط با «شورای روابط خارجی» پروژه ۸۰ مندرج گردیده است. حالا خواهش میکنم فراموش نکنید این همان آقای «راسل» است که کمپین خلع سلاح اتمی (سی-ان-دی) را در ایستر سال گذشته با حضور هزاران انسان فریب خورده انگلیسی که دست دردست هم داده و زنجیره انسانی که حدود ۱۲ مایل بود برای اعتراض به استقرار موشک های آمریکائی در انگلستان برپا کردند.

«راسل» انسانی فریب کار بود او هیچ توجهی به شادی انسانها نداشت او میخواست انسانها را بدوره فنودالیته وقرون وسطائی ویرده داری برگرداند. بهر تقدیر «سازمان عفو بین المللی» شاه را بدلیل نقض حقوق بشرو خشونت در سراسر ایران محکوم کرد و صدای آنرا توسط روزنامه نگاران طرفدارش به گوش جهانیان رسانید.

آیت الله خمینی انقلاب را بوجود نیاورد او فقط آلت دست وانتخاب شده توطئه گران بود او از ۱۲ سال پیش از انقلاب (شورش) برگزیده شده وبرای این نقش آماده اش کرده بودند. توطئه علیه شاه توسط دولت «کارتر، بنجامین سی ولتی، سایروس ونس، هنری کسینجر، جرج بال» و موسسه «آسپین» پایه ریزی شده و در این توطئه دانشگاه «جورج تان» واعضای «فراماسون» هم دخالت داشتند. پشت سر همه این توطئه گران حمایت گروه «تینک تانکس» وابسته به موسسه «تاویستاک» قرار داشت.

آیت الله خمینی کی بود؟

برای رسیدن به این پرسش بایستی به زمان گذشته برگردیم؛ زمانی که «مصدق» با خلع ید از شرکت نفت انگلیسی، نفت را ملی اعلام کرد. شاه برای صف آرائی و مقابله با مصدق قدرت چندان را دارا نبود، آنها (کودتاجیان) شاه و سلطنت او را شعله خشم علیه مصدق قرار دادند، «کرمیت روزولت» ترتیب تظاهرات خیابانی را داد که مردم فریاد میزدند زنده باد شاه و در این راه پول زیادی بین مردم تقسیم کرد.^{۴۱}

در بین تظاهر کنندگان آخوندی گمنام هم بنام «روح الله خمینی» بود که به طرفداری از شاه در این تظاهرات هم صدائی داشت. اسم واقعی او خمینی نبود بلکه این اسم را در اثنای سال ۱۹۳۰ انتخاب کرد، پدرش یا افغانی و یا کشمیری بود و کلیه خانواده او از مسلمانان هندوستان بودند. خمینی در ابتدای سن بیست سالگی از هندوستان به ایران مهاجرت کرد و در قم مشغول تحصیل و سپس مآل شد. هنگامیکه پدرش در شورش های زمان رضا شاه کشته شد خمینی رضا شاه را مقصر دانست. در آن زمان انگلستان کلیه ملاها را تحت کنترل داشت و این موضوعی بود که کلیه ایرانیان در مورد ملاها می گفتند، زمانی هم شوخی خاصی بود که گفته میشد همه ملاها مهر «ساخت انگلستان» خورده اند. دیر زمانی نگذشت که اظهار تنفر خمینی از شاه بگوش سرویس مخفی انگلستان در تهران رسید و از آن به بعد از این تنفر خوبی استفاده کردند.

انگلیسی ها سرخ چاقوکش ها و سنت گرایانی که میتوانند به اجتماع شوک وارد کنند را در دست داشتند، مامور امنیتی سرویس مخفی اسرائیل «شین بت»^{۴۲} هم با آنها همکاری میکرد و مسئول آموزش افراد ساواک بود خصوصاً «ژنرال فردوست».

انگلستان سیاست خارجی دولت آمریکا را تحت کنترل داشت و این حقیقت زمانی آشکار میشود که به رئیس جمهور «جان اف کندی» گفته میشود تا رژیم شاه که عدم همکاری را با شرکت های نفتی هفت خواهران اعلام نموده بی ثبات نماید که «کندی» هم نمایش بزرگ سال ۱۹۶۱ را برپا کرد. هم زمان با قسم خوردن «کندی» در تهران شورش بزرگی برپا شد و کوتاه زمانی بعد از آن رئیس شرکت (ای - ان - آی) کمپانی انرژی ایتالیایی که شاه از قبل با او در مورد صنعت نفت مذاکره کرده بود تا بتواند از جنگال انگلستان و اسرائیل خارج شود به نحو وحشیانه ای کشته شد.

«آوریل هرین» سرپرست هیئت دیپلماتیک آمریکا با پیام خصوصی «کندی» به ایران رهسپار میشود که:

فرمانبرداری کن یا سرنوشتی نظیر سرنوشت رئیس کمپانی نفتی (ائی - ان - آی) خواهی داشت.

^{۴۱} - این مورد نادرست است و در جهت سیاست انگلیس قلمفرسایی شده است. کرمیت روزولت یک خودبزرگ بین بود. سیا یک بنیاد امنیتی تازه و کوچک بود، کودتایی روی نداد، چرا که قانون و مجلس و نماینده و روش اداری تغییر نکرد تنها حقی که شاه در خلع مصدق داشت با به تعطیلی کشاندن مجلس به دست خود محمد مصدق با فرمانده مسخره و غیرقانونی به اجرا در آمد. پس از آن احمد شاه در دوران قاجار ۱۴ بار نخست وزیر خلع کرده بود و کودتا نشده بود!! ح-ک

در بین افراد شورشی که در خیابانهای تهران وجود داشتند یک ملا هم بود بنام «روح الله خمینی» با این تفاوت که این بار او علیه شاه شورش کرده بود نه له او.

بخاطر این که شاه پیام آمریکا را بخوبی دریافت کرده باشد اعتصاب معلمین توسط «ریچارد گوت رام»^۳ پروفیسور دانشگاه (پیت برگ) ترتیب داده شد، بدین طریق آمریکا در امور کشور ایران دخالت وحشیانه ای کرد که مغایر با قانون اساسی آمریکا بود. در پاسخ به این نمایش عریان دولت آمریکا امپریالیست توانمند، شاه به «کندی» تلفن میزند و «کندی» از او در سال ۱۹۶۲ جهت بازدید از آمریکا دعوت بعمل میآورد، بین شاه و «کندی» توافق صورت میگیرد که ایران به مذاکرات مستقلش با شرکت های نفتی خاتمه داده و فقط با شرکت (بی پی) و (فیلیپ رو) مذاکره و همکاری بعمل آورد در عوض به شاه اجازه داده میشود تا عروسک خیمه شب بازی آمریکا به نام «امینی» را نخست وزیر کند. اما وقتی که شاه به ایران بازگشت به توافقش عمل نکرد و «امینی» را برکنار کرد و مستقیماً به سراغ شرکت نفتی (ای-ان-آی) رفت و بطور فعالانه ای نیز با سایر کشورهای وارد معاملات نفتی شد. «کندی» از این که نارو خورده بود بسیار خشمگین شد و به دنبال ژنرال تیمور بختیار که بطور تبعیدی بسر میبرد فرستاد بختیار هم در سال ۱۹۶۲ به واشنگتن و مستقیماً به کاخ سفید میروید اما هیچ یک از روزنامه نگاران جسور آمریکائی نمیپرسند مردی که عامل زجر و شکنجه بود و توسط «راسل» سرپرست حقوق بشر محکوم شده بود در کاخ سفید چه میکند؟ رسانه ها در مورد این ملاقات مهر سکوت بر لب زده بودند. ماحصل این ملاقات انتخاب شدن «خمینی» به رهبری انقلاب توسط تیمور بختیار و بنا بدستور سرویس امنیتی انگلستان که او کارمندش بود، همراه با تانید «کندی» میباشد. خمینی در اثنای اقامتش در قم بیکار نبود تنفر او از شاه مبتنی بر دستور کشتن پدرش بود که از او یک رهبر مذهبی بوجود آورد. خمینی در سال ۱۹۶۳ علم مخالفت با انقلاب سفید شاه را بلند کرد، شاه تمامی سعی اش را در خارج ساختن خود از یوغ انگلیس، آمریکا و اسرائیل بعمل آورد (در آن زمان ۱۹۶۳ در حدود ۵۰۰ تن مامور امنیتی موساد در تهران بودند) بموجب اخبار رادیوی صدای آزاد ایران در سال ۱۹۸۰ دشمنان شاه را چهار طبقه تشکیل میداند:

۱- سیاستمداران ایرانی حقوق بگیر «شن بت»

۲- کار گزاران سراسری «سی-آی-ای»

۳- فنودالها و صاحبان املاک

۴- فراماسون ها و اخوان المسلمین

رادیوی صدای آزاد ایران گفت: خمینی در سالهای اقامت در قم همه ماهه از طرف دولت انگلستان مقرر دریافت میکرد و پیوسته با اربابش انگلستان در تماس بود. ده سال پس از اغتشاشات خیابانی به نفع شاه، حالا خمینی در اغتشاشات علیه شاه شرکت میکند. خمینی در سال ۱۹۶۳ دوبار بخاطر اینگونه فعالیت ها توقیف میشود.

شاه دقیقاً قلب فنودالها و صاحبان املاک را با ملی کردن زمین هایشان به نفع رعایا و تحویل آن به تعاون و امور روستائی هدف قرارداد. در همین زمان هم خمینی رهبری مذهبی خود را وسعت بخشیده و پیروان زیادتری پیدا کرده بود. او در سال ۱۹۶۴ دستگیر و سپس به خارج از ایران تبعید شد. بعد از توقف کوتاهی

در ترکیه خمینی به عراق رفت با این شهرت که او آدمی شر در ایران بوده است. حکومت بعثی عراق هم ناظر بر فعالیت های او بود.

اما در مورد تیمسار بختیار، بعد از ملاقات با «کندی» در کاخ سفید «کندی» از او میخواست که از «ژنو» به عراق رفته و به نیروی خمینی بپیوندد.

«خمینی» از طریق ارتباط مستقیم با سفارت انگلیس در تهران راهنمایی های لازم را از بختیار دریافت میکرد. شاه فئودالها و دولت انگلیس را تقبح کرد و گفت: آنها میخواهند ایران را به قرون وسطا رجعت دهند. حدود ۵،۰۰۰ ایرانی بر اثر این شورش که توسط «کندی، ام - آی - ۶» و خمینی برپا شده بود کشته شدند. در سال ۱۹۷۰ بخت از «بختیار» رخت بر بست او که در نزدیکی کامل به مرز ایران بود توسط یک تیرانداز به هلاکت رسید. حالا خمینی بدون راهنمائی و لی



تیمور بختیار نشسته. دستگیری وزیر خارجه دوران مصدق با ریش و دستبند

بدون کمک دولت انگلستان نماند.

روزنامه های جهان مرگ «بختیار» را یک حادثه در شکار قلمداد کردند تا فعالیت های او را علیه شاه در پرده استتار قرار دهند.

دولت عراق خمینی را توقیف کرد؛ در این زمان فشارهای بسیار زیادی از طرف انگلستان و آمریکا به دولت عراق وارد آمد تا او را نکشد ولی تبعیدش نماید.

همزمان به رئیس جمهور فرانسه آقای «ژیسکار دیستن» فشار وارد آوردند تا به خمینی پناهندگی داده و اجازه دهد مطالعات مذهبی خودش را در فرانسه ادامه دهد. رئیس جمهور فرانسه به این فشارها سر تعظیم فرود آورد و خمینی را به «نوفل لوشاتو» نزدیک پاریس اعزام کرد تا در آنجا به کارهای مذهبیش بپردازد.

اجازه دهید کمی به عقب برگردیم تا درباره شخصیت خمینی صحبت کنیم و ببینیم که چگونه دولت انگلیس چنین چنگکی را به حلقوم خاورمیانه فروکرد.

خمینی یک مسلمان واقعی نبود و او عادت به امر دغلبازی داشت و یکی از این افراد بنام «صادق قطب زاده» با او در پاریس بود.

خمینی لیست بلندبالایی از مواد ناپاک (حرام) را که عنوان کردن بعضی از آنها برای این مقاله وقت گیر است در اختیار قطب زاده قرارداد بود در این لیست شراب، آجود و دخانیات را نیز مشمول می‌شد اما تاکید شده بود که حشیش و تریاک جزء حرامی‌ها نیستند رویهمرفته لیست خمینی شامل یازده نوع مورد حرام بود؛ لیکن زن نامسلمان در آن وجود نداشت. نوشته او در مورد اینکه چه چیزی باید خورده شود خیلی کثیف است و نشان دهنده بی سوادی او که منبعث از ریشه کژباوریها و بی اطلاعی او بطور کامل از آنچه قانون آنرا مناسب داشته است بود.

بعد از بازگشت به ایران و به قدرت رسیدن کامل، «احمد» پسرش در مصاحبه با روزنامه «فیگارو» اظهار داشت که پدرش معمولاً در عالم دیگر لیست و اصولاً توجهی به اطرافیان خود ندارد. این چنین مردی را «کندی» برای سقوط شاه انتخاب کرده بود.

دولت انگلیس پس از کوشش‌های ناموفق برای کشتن «جمال عبدالناصر» رئیس جمهور مصر اجازه داد عاملین ارتکاب جرم در انگلستان (لندن) مغازه‌ای برای خود دست و پا کنند و بالاخره آن عده ای که از ترور «ناصر» شانه خالی کرده بودند دستگیر شدند و بقیه توسط دولت اعدام شدند. بعضی از گروه «اخوان المسلمین» که نتوانستند به لندن بروند خود را به «سوریه» رساندند.

اجازه دهید این مساله را روشن کنم که «اخوان المسلمین» شعبه‌ای از دین اسلام نیست همانطوریکه «فراماسون»ها شعبه‌ای از دین مسیح نیستند آنها فرقه هستند؛ فرقه‌های پنهانی، شاید هم یکی از مرموزترین فرقه‌ها در دنیا با اسم رمز و کد مخصوص برای ارتباط با یکدیگر ولی هرگز از آنها لیست یاصورت اسامی در دست نیست. پاره‌ای از «اخوان المسلمین» افرادی برای فریادهای خیابانی و عده‌ای هم برای چاقوکشی هستند در حالیکه در خط انتهایی این زنجیره افرادی با لباس فلانل خاکستری جزء هیئت‌های مدیره که با هواپیمای جت خصوصی پرواز می‌کنند وزیرپایشان ماشین «رولزروس» است میباشند. محققاً این سازمان فقط تشکیلات شبه نظامی خواهد بود. مهمترین چیزی که باید به خاطر سپرد این است که آنها فقط بخش کوچکی از صدها میلیون مسلمانان معتقد به دین اسلام هستند.

خمینی از معتقدان پر و پا قرص اسلام نبود و آموزشهای او کاملاً مخالف آنچه که محمد گفته و یا در قرآن مندرج است میباشد. «اخوان المسلمین» یا به کلامی دیگر (برادران اسلامی) خلق شده یکی از نام‌های مشهور بنام (سازمان جاسوسی بریتانیا در خاورمیانه) به رهبری «ئی-جی-براون»، «آرنولد تونین بی»، «سنت جون فیل بای» و بالاخره «راسل» میباشد.

این مردان فقط یک ماموریت عالی در زندگانی‌شان داشتند تا بتوانند از منابع طبیعی نظیر نفت را بنفع «بلاک نوبلیتی»ها و آریستوکرات‌های انگلیسی غارت نمایند. اهداف آنها از آن زمان تاکنون هنوز به قدرت خود باقیست در این میان فقط شخصیت‌ها و بازیکنان این نمایش عوض شده اند؛ بنابراین برای انسان هائیکه در جامعه هوشمند زیست میکردند باعث تعجب نبود تا کشف کنند چگونه دخالت عظیم دولت انگلیس باعث ظهور قدرت خمینی شد. خمینی و آریستوکرات‌های انگلیسی هر دو یک آرزو و هدف را دنبال میکردند، بازگشت ایران به دوران قرون وسطا؛ با استفاده از بنیادگرایان مذهبی در جهت رونق بخشیدن به این پروژه.

تمایلات نا بخردانه «فراماسون» ها بنا به روایت «جون کوئین سی آدامس»^{۴۵} سیاستمدار برجسته آمریکا مناسب حال شخصیت خمینی بود:

در حقیقت انتخاب او (خمینی) بعنوان رهبر انقلاب ضربه سختی بود، همانطوریکه انتخاب سایر مزدوران توسط دولت انگلیس نظیر الغزالی والشهری وکسانیکه هیزم آور شعله انقلاب در ایران بودند.

دولت انگلیس نقشه بسیار ساده ای را ترتیب داد؛ و اساس آن متقاعد کردن ملت ایران بود که اعتقادات مذهبی و فرهنگی آنان توسط غرب و بدست شاه در حال تخریب شدن است و حقیقت امر آن است که سرنوشت ایران بر اساس مدرن شدن نیست بلکه حفظ اصول و پنداشت گذشتگان و آنچه بصورت تعالیم از «محمد» رسیده میباشد (بشرط آنکه آن اصول را بدانند).

حضرت محمد در حقیقت رهبری بزرگ بود و این حقیقتی است انکار ناپذیر و ما آموزه های او را قبول داریم من سخنان بسیاری از سخنرانان مسیحی راشنیده ام که ضد پیروان محمد گفته اند اما زمانیکه سخنان آنان را خوب گوش دادم بسادگی فهمیدم که آنها هرگزحتا یکبارهم قرآن را نخوانده اند من (نویسنده) قرآن را چهار بار خوانده ام و شک ندارم که بارها خواهم خواند. قرآن مرا از مسیحیت جدا نمیکند من روی جهالت پاره ای از آنان صحنه نمیگذارم.

حضرت محمد با اعتقادات عقب افتاده و بدوی مبارزه میکرد عقایدی که اکنون آریستوکراتهای انگلیسی به اعراب تحمیل میکنند. حضرت محمد به اعراب آموخت هرکسی حق دارد که پیشرفت نماید، عقیده ای که متخصصان انگلیسی مربوط به اعراب با آن مخالفند.

محمد از طریق نگارش قرآن مساعی خود را جهت پاک سازی عقاید ابتدائی و خرافی از قلوب و اذهان مردم عرب بکار گرفت. کار محمد بسیار قابل ملاحظه است، هنگامیکه آنرا مورد بررسی قرار میدهیم میبینیم که قبل از محمد اعراب زبان و خط نگارشی نداشتند، بخلاف حضرت محمد انگلیسی ها فرقه شیطان پرستی و مادر فرق را که قبل اسلام عرب را احاطه کرده بودند، نظیر مادرخدایان آلتای و سایر بت های سنگی و حالیه بصورت «اخوان المسلمین» درآمده است را ایجاد کردند. از طریق قرآن میلیون ها مردم عرب توان خواندن و نوشتن زبان عربی را کسب کردند و هیچکس هم شک نخواهد کرد که این عمل باعث تعالی یافتن اعراب شد.

محمد کاری فراتر از دستورات دینی کرد او به انسان ها یک شخصیت واقعی داد و در ارتباط تجاری عمل ربا را قدغن کرد همانطوریکه برای ما مسیحیان قدغن بود که هنوز ما آنرا اجرا میکنیم و پیروان واقعی اسلام نیز اجرا میکنند. مثل حضرت مسیح، محمد معتقد بود که خداوند برای هر فردی سرنوشتی تعیین کرده است.^{۴۶}

همانطوریکه قبلاً گفتیم آریستوکرات های انگلیسی بوجود خداوند اعتقاد ندارند و وجودش را انکار میکنند، همانگونه که تصوف سر از همه جا بلند کرد تا علیه مسیحیت قدعلم کند بهمان طریق هم متخصصان انگلیسی خاورمیانه کوشش کردند تا اسلام واقعی را معدوم نمایند اما نه بخاطر تغافل با دین مسیحیت

⁴⁵ - Quincy Adams

⁴⁶ - آنچه پیشتر از سوی نویسنده در باره اسلام و محمد بیان شده در همین جمله کوتاه که «الله برای هر فردی سرنوشتی تعیین کرده» باطل میشود، زیرا محمد گرچه بت هارا شکست ولی هرگز به مردم کمک نکرد تا خوی بت پرستی را ترک کنند بلکه آنان را به سوی یک بی هویتی کامل پیش برد و هیچ آدمی اراده شخصی در قرآن ندارد. ح-ک

بلکه بخاطر مقاصد آریستوکراتی خود که بشدت به آن وفا دارند آنها بهمین دلیل فرقه انحرافی صوفیه را بوجود آوردند. خمینی از این قشر بود که باعث انهدام اسلام شد نه انسجام آن. صوفیه را میتوان معادل «ایلو میناتی» دانست که اغلب اوقات این کلام در آموزش های آنان بگوش میرسد.

متخصصان انگلیسی بخش خاورمیانه «صوفیزم» را در سراسر کشورهای عربی با استفاده از جبهه ضد مسیحیت بنام «گروه آکسفورد» رایج کردند؛ درحالیکه معترف به مسیحیت بودند. گروه مذکور تحت پوشش «اسکاتیش رایت» که متعلق به (فراماسون) هاست، بفعالیت مشغول هستند و هم پیمانان با «انجمن مسیح»، امروزه مرکز حمایت برای «بلاک نوبلیتی» های اروپا و آریستوکرات های انگلیسی گردیدند. «آنگلو جوزنیت فراماسون» یک قدرت اجتناب ناپذیر درمقابل انسانهای آزاده در همه جهانند آنها یک قدرت تعمیم یافته درارتباط با «صیهونیزم» و «کمونیست» ها بوده و قصدشان انهدام ملت هاست. همانطوریکه تاریخ روسیه و خاورمیانه بخوبی این مساله را به نمایش گذاشته اند ملت جمهوری خواه از این هم پیمانان تنفردارند و بهمین دلیل است که آمریکا شبانه روز تحت هجومی سخت قرار دارد، امید است که ما گوش شنوا و چشم بینا برای این مسائل داشته باشیم.

طی سال ۱۸۲۰ «فرقه انگلیسی» دین واقعی آریستوکرات ها شد و فرمانروائی بر آنها را بعهده گرفت.

خدمت در کلیسا اجباری شد عملی که بوسیله آن مردم را فریب میداند. «رویال فامیلی» هم رئیس و ساختار ساز این فرقه بود، مدت ها یکی از اعضای این فرقه مسئول قتل های بسیار حساس بود نام او «جک سبج»^{۴۷} بود. بسیاری از نخست وزیران نظیر «لرد پال مراستون» و «دیزرائیلی» توسط «رویال فامیلی» انتخاب شدند. «چمبرلین»، «بل گیتون» و «لرد شافت سبری»^{۴۸} از اعضای این فرقه بوده و بمیل خود در این انحطاط که توسط سطوح بالا صورت میگرفت شرکت داشتند. نماد آنها دو حرف (اچ – اس)^{۴۹} که بمعنی هم جنس بازی و عشرت طلبی است میباشد.

«بل ورتون»^{۵۰} برسم آن زمان نام کتابش را (آخرین روزهای پمپی) گذاشت که انگیزه بوجود آوردن فرقه هائی نظیر:

- انجمن عرفانی خانم بالاوواتسکی
- انجمن متافیزیک
- اجتماع شیطان پرستان
- جادوی سیاه
- نظام سحرآمیز معبد آسمانی آیسس

و شش آئین کژراهه گردید. این فرقه مجتمعی از شیطان پرستان، جادوی سیاه و آئین کژراهه ی انحراف جنسی بودند.

47 - Jack the Ripper

48 - Lord Shaftsbury

49 - H.S.

50 - Bulwer Lytton

فرقه بهائی توسط «گروه آکسفورد» بوجود آمد و در سراسر کشورهای عربی توسعه یافت، ارزش زیادی ندارد که این فرقه راداصل عربی بدانیم، بزرگترین معبد (عبادتگاه) آنها در شهر «حیفا» اسرائیل است. بهائیت معتقد به (حکومت واحد جهانی) است و بهمین دلیل مشکل نیست که ردپای «آدام وایزهاپ» را در آن بیابیم.

فرقه بهائی در هر نقطه ای از جهان که بوجود میآید توسط «فراماسون اسکاتلند» کنترل میشود. «لرد کروزون» مساعی خود را بکار بردتا فرقه بهائی رابعنوان یک اسلام واقعی و صوفیانه قلمداد کند، اما این کوشش ناموفق بود او در هیچ جایی به اندازه ترکیه به اسلام ضربه نزده است؛ جانیکه «گرگ های خاکستری» بپا خاستند و علیه کوشش های «آتاترک» که میخواست ترکیه ای مدرن و ملتی متجدد داشته باشد ضربه وارد آورند. «گرگ های خاکستری» هم توسط «فراماسون اسکاتلند» اداره و کنترل میشوند.

در سال ۱۹۱۲ «ابیل اوها» (عبدالبهاء) بنیانگزار و رهبر بهائیان بازدیدی از آمریکا بعمل آورد و جشن و سور مفصلی توسط مسیحیان (مورمون ها - کاتولیک ها و پروتستان ها) و یهودیان برای او برپا داشتند، بدون هیچ گونه تفاوتی با تجاهال گران. پیام او خیلی ساده و بی پیرایه بود (همه ملل و مذاهب فقط جهان برادری رابرای بشر بوجود آورده اند) این پیام در حقیقت صدای «آدام وایزهاپ» است که از قعر گور او بلند شده است. فرقه بهائی بعد از دیدار «عبدالبهاء» از آمریکا نقش عمده ای در رهبری چنین دنیائی بازی کرد که نتیجه آن بوجود آمدن (جامعه ملل)^۱ که متعاقباً به «سازمان ملل متحد» تغییر نام داد.



دیدار عبدالبهاء از آمریکا پارک لینکلن- شیکاگو ۱۹۱۲

حرکت «فدرال جهانی» که سناتور (کاناتیکت) آمریکا عضو آن میباشد وابسته به فرقه بهائیت است و این «فدرالیست های جهانی» بودند که مساله هسته ای را در ماه آوریل سال ۱۹۳۸ به زور متوقف کردند.

در سال ۱۹۱۸ ملکه الیزابت «عبدالبهاء» را به نشان شوالیه مفتخر کرد. جای بسی تعجب بود که رهبر کلیسای آنجلیک چنین کاری را صورت دهد و حالا شما میدانید که ملکه الیزابت مسیحی نیست.



این بهائی‌ها بودند که «خمینی» را اوایل انقلاب کشف کردند و سپس تعداد زیادی از آنها متواری شدند زیرا تشخیص دادند که او یک فرد معتقد نبوده بلکه فئاتیکی نا متعادل که دارای حالت دیوانگی است. هنگامیکه «خمینی» در نوفل لوشاتوی فرانسه مستقر شد بطور مداوم سیلی از ملاقات کنندگان داشت که بسیاری از آنها اعضای (بی-بی-سی)، (سی-آی-ای) و (ام-آی-۶) انگلستان بودند. آنها با خمینی، ابراهیم یزدی، قطب زاده و بنی صدر معتمدان خمینی مشورت میکردند.

دنیای مطبوعات نوکرهای «بلاک نوبلیتی» و «کلوب رُم» همه راه‌ها را برای خمینی هموار و درها را برویش باز مینمودند. حالا خمینی شخصیت مشهوری در سراسر دنیا شده بود مردی که گفته بود همه غیر مسلمانان نجس هستند. (بی-بی-سی) هم همه سخنرانی‌های او را بصورت نوار تهیه میکرد و برای توزیع در سراسر ایران در اختیار آخوندها قرار میداد و همان باعث شعله ور شدن احساسات روستائیان گردید. سپس (بی-بی-سی) آغاز به تبلیغ توسعه شایعه شکنجه توسط ساواک شاه در گوشه و کنار ایران مینماید. دکتر ابراهیم یزدی هم فرصت را غنیمت شمرده توسط شبکه سراسری (بی-بی-سی) رانت جوئی کرده و علیه شاه صحبت میکرد و شاه هم هیچگاه فرصت پاسخگویی بدست نیآورد. در ماه‌های سپتامبر و اکتبر سال ۱۹۷۸ (بی-بی-سی) شروع به ارسال امواج رادیویی آتش افروزی در بخش زبان فارسی خود نمود «واشگتن پست» نوشت:

بی بی سی دشمن شماره یک ملت ایران است.

وقتی «خمینی» بخوبی جاافتاد «کارتر» آخرین دستور سقوط شاه را داد و برای این منظور «جرج بال» را که عضو «گروه سه جانبه» ۵۰ بود بعنوان رئیس (کمسیون خلیج فارس) تعیین نمود. «بال» هم بلافاصله توصیه کرد تا هرگونه حمایت از شاه متوقف شود عملی که شاه در خاطر آتش بعنوان «پاسخ به تاریخ» اذعان داشت:

«من این را نمیدانستم، شاید نمیخواستم بدانم... اما حالا برایم کاملاً روشن است که آمریکاییها میخواستند من بروم. چه عاملی سبب شد که «بال» بطور ناگهانی مشاور کاخ سفید در بخش ایران بشود؟ من میدانستم «بال» دوست ایران نیست.

من میدانستم «بال» مشغول مطالعه گزارشی راجع به ایران است اما هیچکس بمن خبر نداد که این گزارش در چه زمینه است و نتایج حاصله آن چیست. «بال» جزء آن دسته از آمریکائی هائی بود که میخواست من و همچنین کشورم سقوط کند».

شاه خیلی دیر متوجه شد آنهائی که دوستدار و رفیق آمریکا بودند چگونه توسط آمریکا قصابی شدند، همانطوریکه کشورهای:

ویتنام، کره، رودزیا، آنگولا، فلیپین، نیکاراگوئه، آفریقای جنوبی، یوگوسلاوی و بزودی عراق نیز خواهد شد.

میان تمام افراد دستمال قابچی که روی پاهای «خمینی» افتاده بودند شخصیت هائی همچون «رمزی کلارک» که روزگاری دادستان کل آمریکا بود، «جوزف مالونی» رئیس سابق پایگاه (سی-آی-ای) در بیروت دیده میشدند. نخست وزیر فرانسه سعی در خنثی کردن اشتباهاتش نمود زمانیکه دید چه حادثه ای در حال انجام است او همراه با دولت آلمان نخست وزیری آقای دکتر شاپور بختیار را در شش جولای به رسمیت شناختند. «بختیار» از دشمنان قسم خورده ضد اربابان و فنودالهای (بلاک نوبلیتی) و «آریستوکرات» های انگلیسی بود همین طور هم البته علیه «کلوب رُم» که سعی داشتند ایران را به دوره قرون وسطا (عصر تاریکی) سوق دهند. امپریالیست آمریکا اجازه موفقیت به دکتر بختیار را نمیداد و باین خاطر عروسک خیمه شب بازی شان را به ایران وارد کردند و فرش را از زیر پای دکتر بختیار بیرون کشیدند. وقتی که معلوم شد «بختیار» میتواند کار چشمگیری برای ایران انجام دهد و از سوء استفاده از ایران جلوگیری نماید عروسک دست آموز آمریکا «دکتر کریم سنجابی» عضویت بختیار را از جبهه ملی لغو نمود در همان حال «دکتر امینی» به پاریس رفت تا پای قرارداد با خمینی را امضاء کند.



در کوتاه مدت نخست وزیری «بختیار» او توانست ارتش را کنترل و صنایع نفت ملی و (ساواک) را منحل نموده و ملاها را به جهنم واصل نماید. وقتی که دکتر امینی در پاریس بود ملاها با همکاری رادیکال های چپ شورشیهای خیابانی را براه انداختند و مطبوعات دنیا نیز گناه آنرا به گردن بختیار و شاه گذاشتند. در اثنای شورشها بختیار دستور اکید به ارتش علیه شورشیهای خیابانی و اجتماعات را داد ولی ارتش استنکاف کرد.^{۵۲}

ارتشیان میانه رو در انتظار دستور مستقیم از طرف شاه و دستور واشنگتن بمنظور مقابله یا عدم آن بودند.

ارتشیان میانه رو باور نمیکردند که آمریکا از خمینی حمایت کند به ارتشیان توسط فرمانده نیروی هوایی آمریکا وعده داده شده بود که در زمان مناسب آمریکا علائم لازم جهت برخورد با شورش های خیابانی

^{۵۲} - شاپور بختیار ارتش و ساواک را به سفارش ژنرال هایزر منحل کرد ولی نفت را ملی نکرد و ملاها را به جهنم نفرستاد، بلکه ترتیبی فراهم کرد تا خمینی بتواند به کشور بازگردد. در صورتیکه میتوانست جلوی او را بگیرد ولی ماموریتش این بود تا کشور را از شاهنشاهی تحویل گرفته و آنرا به ملاکراسی تحویل بدهد و اینکار را کرد. شاپور بختیار یکی از لو دهنده های کودتای پایگاه شاهرخی بود، بنابراین طرفدار نظام پادشاهی نبود و در جهت تدوام حکومت ملاها تلاش میکرد. ح-ک

را به آنها خواهد داد در این موقع بازگشت خمینی به ایران توسط «دیوید آرون»، «ماروین زوناس» و ریچارد کاترام» و بالاخره با همکاری «وارن کریستوفر» و «رمزی کلارک»^{۵۳} هماهنگ گردید.

«بختیار» بیانه ای بسیار عمیق انتشار داد که در پشت صحنه چه خبر است:

«اگر حکومت بدست مآها افتد ایران به دوره قرون وسطا خواهد افتاد».

خمینی از برخورد با «بختیار» اجتناب میکرد ولی انبوه، انبوه مردم را به خیابانها گسیل میداشت تا از «بختیار» بخواهند که استعفا بدهد. در اول ماه فوریه «خمینی» همراه بامعتمدان خودبه ایران بازگشت. اول ماه فوریه سال ۱۹۷۹ بعنوان یک روز ننگ آور برای ایران و بدنامی برای آمریکا درخاطره ها نقش بست.

دوران تاریک قرون وسطائی که «بختیار» از آن ترس داشت شروع شد. یکی از شعارهاییکه توسط جمعیت انبوه درتهران داده میشد تقبیح آمریکا بود بنابر آنچه که «رمزی کلارک» قبل از رفتن به تهران و مشورت با «خمینی» طی اعلامیه ای که بعداً نشر داد:

«آیت الله خمینی ومن امیدواریم که ملت آمریکا ورئیس جمهور کارتر به خواسته های ما احترام گذاشته و آمریکا از دخالت در امور ارتش ایران از طریق مشاوران (سی-آی-ای) ویا از طریق حامیان بختیار خودداری کرده و اجازه دهد ملت ایران سرنوشت خودش را خود رقم بزند.»

میبینیم که این سخنان پوششی برای پنهان سازی عمل کارتر است هنگامیکه «بال» را بعنوان سرپرست کمیته خلیج فارس منصوب میکند.

اما بختیار تسلیم نمیشود و در تاریخ ۹ فوریه سال ۱۹۷۹ به ارتش دستور میدهد تا بروی شورشیان خیابانی آتش بگشاید. ژنرال های ایرانی حالا این حوادث آرام را اعلام خطر احساس میکنند و شاه را تلفنی در جریان میگذارند شاه میگوید:

نه.

زیرا هنوز تشخیص نداده بود که هم پیمانانش (آمریکا) علیه او توطئه کرده است. اما یکی از افسران بلند پایه ارتش که این تاخیر را خطرناک احساس کرده بود به افرادی که دستور حمله صادر کرده بود ولی قبل از اجرای این دستور ژنرال «بدره ای» و ۳۵۰ تن از افسرانش توسط تیم تعلیم دیده «سی-آی-ای» کشته و تیرباران شده بودند.^{۵۴}

دیگر ارتش توان بدست آوردن فرصت برای مچاله کردن انقلاب «خمینی» را نداشت در اینجا باید از «ژنرال هایزر» یاد کنم او از چهارم ژانویه تا چهارم فوریه درتهران بود، در تهران چه میکرد؟ نقش او در جریان تهران هرگز آشکار نشد چه توسط خودش ویا توسط دولت آمریکا.

⁵³ - David Aaron, Marvin Zonas, Richard Cottram Warren Christopher, Ramsey Clark.

^{۵۴} - این بخش از گزارش بقدری درهم است انگار تیرباران ها در زمان نخست وزیری بختیار روی داده است. در صورتی که بختیار در زمانی که افسران ارتش تیرباران میشود دیگر در ایران نیست و بصورت فراری در فرانسه است. وی ارتش و نظامیان را رسوا کرده ساواک را منحل میکند و اختیار کارها را به خمینی میسپارد. ح-ک

ارتش ایران بدون فرمانده قوا یعنی «شاه» شده بود. بدون فرمانده. آمریکایی ها به شاه توصیه کردند تا به بهانه معالجه از ایران خارج شده تا تب انقلاب و شورشهای خیابانی فرونشیند. شاه آنچه را که بنظرش دوستانه میآمدرا پذیرا بود و تهران را به سوی مصر ترک کرد. از این روز «ژنرال هایزر» مذاکرات روزانه اش را با ژنرالهای ایرانی شروع نمود. او به آنها گفت که نباید به اجتماعات خیابانی حمله کنند در غیر اینصورت دولت آمریکا کمک های نظامی خودرا اعم از قطعات یدکی و اسلحه به ارتش ایران متوقف خواهد کرد. «هایزر» گفته بود دولت آمریکا در زمان مناسب به شاه دستور خواهد تابه اجتماعات حمله کند، دستوریکه هرگز صادرنشده.

در التهاب تهران ژنرالهای ایرانی درکمال یاس و ناامیدی به شاه که درمصر بود تلفن کردند و همانطوریکه قبلا گفته شد شاه از گشودن آتش بروی مردم خوداری کرد، متاسفانه شاه هنوز چشم امید به واشنگتن داشت؛ ژنرال «هایزر» پیوسته رهبران ارتش را از هرگونه عملی منع میکرد و همه مسئولیت ها و بی توجهی را به گردن «بختیار» میانداخت بعدها معلوم شد که «بختیار» گروهی برای ترور خمینی ترتیب داده بود که هم زمان با لحظه ایکه ارتش شروع به حمله به جمعیت نماید وارد عمل شوند.

انقلاب خمینی میتوانست ظرف یک هفته واژگون شود اما ضد حمله توسط «هایزر» بسته بندی شده و آماده بود و ارتش ۳۵۰،۰۰۰ تنی ایران هم بطور موثری درحاشیه قرارگرفته بود و این «هایزر» بود که در کمال تعجب شاهکاری بوجود آورد که کسی اورا اصلا بحساب نمیآورد، حتا مجلس سنای آمریکا. اگر رئیس جمهور «رونالد ریگان» واقعا میخواست که مساله ایران آشکار گردد میتوانست به «هایزر» دستور دهد که برای پاسخگویی در کمیته مجلس سنا حضور یابد و نقش خودش رادرانقلاب ایران توضیح دهد ولی میبینیم که رئیس جمهور محافظه کار چنین عملی را صورت نداد.

قانون اساسی آمریکا میگوید:

آمریکا نمیتواند در امور حاکمیت ملی کشورهای دیگر دخالت کند.

در این فتنه گری «کارتر» هم نقش عمده ای در سقوط شاه داشت. او میدانست در صورتیکه آمریکا شاه را بپذیرد سفارتش در ایران بخطر خواهد افتاد اما او هیچ توجهی به حفاظت و پشتیبانی برای جلوگیری کردن از اشغال سفارت ننمود، ولی درحقیقت بعداز بازگشت خمینی به ایران هواپیمای آمریکایی حامل قطعات یدکی هواپیما پس از پرواز از نیویورک و سوختگیری در (آریزونا) بسوی ایران سرازیر شدند و این حادثه را سخنگوی دولت انگلیس، (وال استریت ژورنال) و (تایمز مالی) مورد تانید قرار دادند.

«دیوید آرن» هم همزمان با سفر «هایزر» به ایران تیمی ۶۰ تنی از اعضای آژانس (سی-ای-ای) را در ژانویه سال ۱۹۷۹ به تهران گسیل داشت. این پرسش نیاز به پاسخ هائی دارد:

طبق قانون اساسی آمریکا یا قوانین بین المللی بچه حقی ما (آمریکا) بخود جرئت تهاجم به ایران را دادیم.

شایعه جالبی نیز شروع ومنتشر گردید:

ابراهیم یزدی معتمد و دستیار خمینی در سوم ماه اکتبرسفری کوتاه به آمریکا نمود، او پشت درهای بسته در نیویورک با «سایروس ونس» دربخش (شورای روابط خارجی) مذاکره بعمل میآورد؛ این ملاقات

دقیقاً چندساعت بعد از تقبیح کردن آمریکا در سازمان ملل متحد و آن را بعنوان «شیطان بزرگ» نامیدن بود.

دکتر یزدی در چه موردی با شخصیت مهم و مرموز آمریکایی مذاکره کرد؟ جواب به پرسش را روزنامه «تایمز مالی» لندن طی یک مقاله ی در پنجم اکتبر داده است:

یزدی و وانس به این توافق رسیده اند که دولت آمریکا پل هوایی خود را برای ارسال اسلحه به ایران در مقیاس زیادی برقرار کند. کوتاه مدتی در همان ماه جلسه مذاکره بین یزدی و رمزی کلارک در نیویورک برگزار شد.

من (نویسنده) به این نتیجه رسیده ام که مساله گروگانگیری از همان زمان و به دنبال ملاقات یزدی با رمزی کلارک شکل گرفت مشارالیه نامه زیر را به دکتر یزدی که وزیر امور خارجه ایران بودند نوشت:

«به نحو بسیار مهم و بحران انگیز باید نشان داده شود که شاه این شخص دیکتاتور نمیتواند با ثروت ملت ایران فرار کرده و زندگی نماید در حالیکه ملت هنوز از تداوم بحران رنج میبرند. من دولت جدید ایران را مجبور میکنم که ادعای خسارت علیه جنایات و اعمال خلافی که شاه سابق کرده است بنماید و اموالی را که شاه، اقوام و هم پیمانانش بطور غیرقانونی از ملت ایران گرفته اند پس بدهد.»

این کار «رمزی کلارک» را میتوان نوعی انگیزه برای ایرانیان دانست تا اقدام به تسخیر سفارت آمریکا بنمایند. یزدی در روز بعد از دریافت نامه عازم پاریس شد. بلافاصله بعد از حضور در پاریس کمپین بزرگی علیه ورود شاه به آمریکا تشکیل داده و اقدام به راهنمایی های لازم مینماید. زمان و مفاد نامه «کلارک» کمی شبیه برانگیزاست که بتواند جرقه ای برای برافروختن خشم ملت ایران علیه شاه و متعاقب آن تسخیر سفارت و گروگانگیری اعضای آن در چهارم نوامبر باشد. دولت آمریکاهم مجبور به سرفروود آوردن مقابل فشارهای «هنری کسینجر» و راکفلر برای پذیرش شاه شد. دولت آمریکا تلگرافی از سفارت خودش در تهران دریافت کرد که در صورت پذیرش شاه نتیجه آن مزاحمت برای سفارتخانه اش خواهد بود، این تلگراف توسط «جورج هانس» نماینده مجلس از ایالت آیداهو در اوایل ماه آگوست و اواخر اکتبر لو رفت و در این نامه مشخص بود که اگر شاه توسط آمریکا پذیرفته شود ایرانی ها توفانی در سفارت آمریکا بر پا خواهند کرد.

روزنامه (نیویورک تایمز) این داستان را در هجدهم نوامبر تائید مینماید روزنامه مذکور میگوید:

«سی-آی-ای» به رئیس جمهور اخطار کرده بود اگر شاه توسط آمریکا پذیرفته شود حادثه ای طوفانی در سفارت آمریکا بر پا خواهد شد.»

تسخیر سفارت آمریکا در تهران با اطلاع و خشنودی دولت کارتر بود با اندکی تردید، اما اطلاعات بیشتر در این زمینه در اول نوامبر درز کرد.

«برژنسکی» °° تئوریسین (قوص بحران) بطور مخفیانه با ابراهیم یزدی در الجزیره ملاقات میکند و در چهارم نوامبر بعد از ملاقات مذکور سفارت آمریکا در تهران تسخیر میشود. بعد از این ملاقات یزدی به

تهران برمیگردد این بار یزدی برای مشاوره ملاقاتی با «بروس لینگن»^{۵۶} شارژدافر سفارت آمریکا در وزارت امور خارجه ایران برگذار میکند درست در همان لحظه ایکه یزدی و بروس لینگن مشغول مذاکره بودند توطئه تسخیر سفارت آمریکا توسط دانش آموزان از قوه به فعل درمیآید. «بروس لینگن» در طول زمان تسخیر سفارت آمریکا و گروگانگیری در وزارت امور خارجه ایران بود. چرا او را پیش دوستانش در سفارتخانه عودت ندادند؟ این خودش یک رمز و ابهامی را ایجاد میکند زیرا «لینگن» از مدت ها پیش بطور طولانی در ارتباط با «اخوان المسلمین» بود خصوصاً از زمانی که کارتر رمزی کلارک را بعنوان نماینده خود در تهران انتخاب کرد و این «کلارک» بود که چندماه قبل راهپیمایی تهران را تحت شعار و اتهام «آمریکا خیانت کار» است آغاز کرد.

میبینید که «شورای روابط خارجی آمریکا» چقدر پر قدرت و توان است زیرا شخصیتی که هیچکس و به هیچوجه به او رای نداده مسئول شغل حساسی در چنین زمان بحث انگیزی در آمریکا میکنند. اینجا ست که من (نویسنده) دوست دارم اندکی در مورد «مدیریت بحران» صحبت کنم، اولین کاری که «کارتر» پس از تصرف سفارتخانه آمریکادر تهران کرد مسدود ساختن تمامی اندوخته های ایران چه در بانکهای آمریکائی و چه در خارج از آمریکا بود. این عمل بر حسب دستور «مدیریت بحران» آمریکاصورت گرفت تیم مدیریتی که عمده کار آنها ایجاد بحران و سپس مدیریت آن است، همانطوریکه ما چنین حالتی را در «تری مایل ایلند» دیدیم و مهمتر از آن تصمیم به اجرای «قانون فوریت اجرای توان اقتصادی» از دو هفته قبل از تصرف سفارتخانه آمریکا اخذ شده بود.

اداره (اف- ائی - ام - ای)^{۵۷} به ریاست «راندی کاو» هم متعاقباً آنرا قبول کرده بود.

تصمیم بلوکه کردن شش میلیون دلار ثروت ملی ایران کاملاً غیرقانونی بود و باعث شد بسیاری از کشورهای که دارای شعبات بانکهای آمریکائی بودند سپرده های ایران را نزد خود مسدود نمایند. این افرادی که چنین خیانت را به آمریکاکردند هرگز مأخذه نشدند فقط عکس العملی به طراحان این سناریو داده شد.

(اوپک) بر اثر این حادثه مبلغ قابل توجهی از دولت آمریکا و بانکهای عربی در سراسر دنیا اخذ کرد خصوصاً از کشورهای اروپائی. طراحان ماجرای فوق امید داشتند که با این عمل ترس و هراس را به سیستم پولی اروپا وارد سازند که این یک برنامه از پیش ساخته بود که بنفع «اریستوکرات»های اروپائی به رهبری «کلوب رم» تهیه و اجرا گردید.

«کارتر» از اول تا آخر عامل اجرای سناریوی «هنری کسینجر» بود. برنامه کوشش برای نجات که در ۲۴ آپریل به اجرا درآمد چیزی جز یک حقه بازی نبود مگر، مدیریت بحران سازی و سوق دادن به سوی یک جنگ تمام عیار. بر حسب آنچه شنیده ام این ماموریت کاملاً بی مورد بود زیرا وقوع حادثه بوسیله هواپیمای روسی بصورت شایعه در سایت ها پراکنده شده بود، عراق ادعان داشت که این ماموریت بازیچه ای بین تهران و واشگتن بود. آیا رادیو عراق درست میگفت؟ چرا «قطب زاده» چند روز قبل از این حادثه کوشش برای نجات در پاریس با «مرفی»^{۵۸} ملاقات کرد و در چه موردی مذاکره کردند؟ تجزیه و تحلیل نظامی اشاره میکند به پنجاه و نهمین فرمان ریاست جمهوری آمریکا بعنوان یک خط و مشی رسمی

56 - B. Laingen

57 - F.E.M.A

58 - Murphy

جهت خاورمیانه که میتواند پاسخی به قسمتی از پرسش بالا باشد. پاسخ را میتوان در معمای زیر بدست آورد:

در (آرلینگتن) ویرجینیا در شماره ۸۰۰ خیابان کونینسی شمالی ساختمانی وجود دارد که ورود به محدوده های آن ممنوع است مگر برای آنهایی که اجازه مخصوص داشته باشند در این ساختمان دو مامور و کاپیتان «منصور» جمعاً با همکاران ایرانیشان شانزده تن میباشند؛ بخاطر بسپارید این درست در زمان اوج گروگانگیری در ایران بود از آنجائی که ساختمان مذکور محل عملیات اداره جاسوسی نیروی دریائی است دلیلی است متقن تا تصور شود رئیس جمهور آمریکا از حضور آنان مطلع بوده باشد. هنگامیکه فعالیت گروه علنی شد آنها اسباب و لوازمشان را جمع کرده و ساختمان مذکور را ترک کردند، کاپیتان «ستوده» به سفارت ایران واقع در خیابان (منچستر) رفت و در آنجا مقیم شد این عمل درست ضد دستور ریاست جمهوری آمریکا مبتنی بر خروج ایرانیان ظرف سی روز بود. به ستوده در سفارت ایران تلفن زده میشود که چرا علیرغم دستور «کارتر» آمریکا را ترک نکرده او جواب میدهد: دستور شامل حال من نیست و ضمناً اظهار میدارد که باید هماهنگی های لازم را برای مهاجرت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را بعمل آورد این جالب توجه است زیرا ستوده هیچ ارتباطی با سازمان دانشجویان که توسط آقای دکتر «ریمان» که توسط شاه تبعید شده بود وزمانی هم عضو امنیتی اسرائیل بود نداشت ما نباید فراموش کنیم که (موساد) برخورد و ارتباط خوبی با «خمینی» داشت.

متخصص فیزیک «مصطفی چمران» رفیق نزدیک و صمیمی «یوآل نی من» بود، نامبرده بعنوان پدر «بمب هیدروژنی» اسرائیل معروف و هم زمان آقای «نی من» رهبر حزب تندروی «تخی یو»^{۹۰} اسرائیل نیز بود. در زمانیکه «نی من» در دانشگاه تکزاس بود ملاقاتی با آقای دکتر «چمران» که در آن موقع در دانشگاه «بای لور» شهر آستین تکزاس بود بعمل میآورد. چمران به ایران برمیگردد و رهبر سازمان مسلمانان تندرو بنام «أمل» میشود.

بعد از آغاز انقلاب «چمران» مجدداً چندین سفر به پاریس میکند و با خمینی به تهران بازمیگردد. این چمران، فردوس و یزدی هستند که تشکیلات ساواک سابق را از توان میاندازند و آنچه ماحصل آن پدید میاید بشرح زیر است:

انقلاب اسلامی ایران اسلامی نبود بدلیل آنکه آموزشهای خمینی مغایر با آموزشهای قرآنی است و از طرف دیگر آقایان «فیل برو»، «بی پی»، «ژنرال هایزر» و شماری دیگر از بلند پایگان شورای ارتباطات خارجی آمریکا عواملی بودند که ترتیب بوجود آمدن انقلاب فوریه سال ۱۹۷۹ را تدارک دیدند و هنوز ایران اسلحه هایش را توسط پل هوایی از آمریکا دریافت میکرد. معروف است که انگلیسی ها «ملا» ها را کنترل میکردند بنا بقول والا حضرت اشرف پهلوی خواهر شاه شواهد بسیاری وجود دارد که «موساد» حلقه کادر درونی «خمینی» را که بسیار افراط گرا بودند را کنترل میکرد.

این کاملاً مشخص است که اخوان المسلمین جزئی از صیهونیست ها که توطئه علیه کشورهای عربی را تهیه میکنند هستند و مطلقاً آشکار است که آمریکا از طریق افراد نامبرده در زیر، درگیر این حوادث میشوند؛ این آقایان: «ریچارد فالک، ژرژ بال، برنارد لونیز، رمزی کلارک و ژنرال هایزر» میباشند.

اخوان المسلمین مخلوطی از عوامل چپ و راست است که نماد تجاری موسسه «تاویستاک» لندن میباشند این موسسه درگیر سقوط شاه ایران بود.

بعد از کوشش نافرجام سوء قصد به «جمال عبدالناصر» اخوان المسلمین از مصر فرار کرده در لندن و سوریه پنهان شدند و ۲۵ سال بعد از آن با کشتن جوانان ارتشی سوری در (آل پو = حلب) ظاهر شدند اهداف «اخوان المسلمین» دقیقاً با اهداف «کلوب رُم» مطابقت دارد اهدافی که شعارشان از بین بردن ملت عرب و کشورهای عربی است این مطلب هم توسط آقای دکتر «بنی صدر» مورد تأیید قرار گرفته است. هنگامیکه از او در مورد مرزهای مشترک ایران و عراق پرسش کردند او گفت:

«هیچ مرز ملی مشترک بین کشورهای مسلمان وجود ندارد، هیچ مرزی موجودیت ندارد».

یکی از اعضای رادیکال «برادری» بنام «راشادان» گفت: سازمان برادری، ایران و پاکستان را در تسلط خود دارد. «بوتو» در مقابل دخالت در جهان اسلام ایستادگی میکرد «بوتو» همه چیز بود ولی پاکستان نبود، بهمین دلیل ما او را کشتیم و با کشتن او به سایرین هشدار دادیم.

افرادیکه مقالات و خصوصاً گزارشات مخصوص مرا (نویسنده) میخوانند بیاد خواهند آورد که «بوتو» بر حسب فتوای «شورای ارتباطات خارجی آمریکا» توسط دلک دستشان «ضیاء الحق» که عضو این شورا بود کشته شد، «ذوالفقار علی بوتو» میخواست پاکستان را صنعتی کند و برنامه ریزی انرژی اتمی را به پاکستانیها معرفی نماید کلوب «رُم» نتوانست او را تحمل کند بنابراین «بوتو» باید کشته میشد آنهم خیلی باظرافت از طریق محکومیت توسط دادگاه.

«برادران اسلامی» ممکن است خود را به غفلت زده باشند که هر چه بسر «بوتو» آمد نتیجه اعمال خودش بود، اما حقیقت غیر از این است «برادران اسلامی» از سالیان قبل کلیه دستورهایشان را از بخش «عملیات سری اداره جاسوسی انگلستان» دریافت میکردند خصوصاً از زمانی که لرد «کرومر» هدایت آنها را بدست «راید» سپرد و دستورات را از همان روزهای اولیه به او دیکته میکرد.

امروز در سال ۲۰۰۱ در انگلستان تمامی کنترل خاورمیانه را از طریق پایگاهش بنام «دفتر عرب» و «شورای تفاهم عرب - انگلیس»^{۶۰} بدست دارد این دفتر شامل:

۱- دانشگاه مک گیل در مونترال کانادا (مرکز آموزش عیسویان).

۲- دانشگاه پرینستون آمریکا.

۳- دانشگاه لووان بلژیک (مرکز آموزش مسیحیت)

۴- مدرسه اورینتال اکسفورد و دانشگاه کمبریج.

این یک شبکه سراسری است که «اخوان المسلمین» را گرد هم نگه میدارد. برنامه «دکتر برنارد لونیز» را «اخوان المسلمین» جنگ «مقدس» نام نهاده اند.

^{۶۰} Council on Arab - British Understanding کسانی مانند؛ علیرضا نوریزاده، مهرداد خوانساری عضو و کارمند این سامانه انگلیسی هستند و در درازای مبارزه ۴۰ ساله ایران همواره در جهت امیال این سامانه انگلیسی رفتار کرده و مزاحم بازگرداندن ایران به دوران شکوه بوده اند. ح-ک

دکتر «لونیز» در سال ۱۹۷۹ در جلسه «بیلدبرگ» که در اطریش منعقد شد شرکت کرد اساس مذاکره این اجلاس موضوعش «مسلمانان قشری» بود که چگونه از وجود آنان استفاده نمایند، دقیقاً همین مساله در «بلاژیوی» ایتالیا اتفاق افتاد و فقط موضوع بحث در آن جلسه عیسویان «قشری» و تحت پوشش آوردن سایر مسلمانان بود. مابسیار مطمئن هستیم که اساس انقلاب «خمینی» در ایران پایه گذاری نشده بود بلکه در «شورای روابط خارجی آمریکا» در تالارهای مجلل آموزشی داده شده بود.

برنامه دکتر «لونیز» جهت «مسلمانان قشری» مبتنی بر این آموزش بود که تکنولوژی اشتباه است، انرژی اتمی نا ثواب و پسرگرائی قرین افتخار و پیشرفت میباشد و این نسبت را به شاه ایران میدادند که او میخواست ایران را مدرن کند. دکتر «لونیز» تاکید برنقیضه ای در ایدئولوژی «قوص بحران» «برژنسکی» داشت که اینگونه طراحی شده بود تا آشفتگی بین کشورهای عربی خصوصاً پیروان فرق آن بوجود آورد یعنی دقیقاً همانگونه ای که برای بخش عیسویان پیاده کردند تا اینکه زمان مناسب فرا رسد و از قشریون عیسوی بعنوان یک نیروی ثبات کردن آمریکا استفاده نمایند.

دکتر «لونیز» تمام وقت با سرویس مخفی اسرائیل همکاری میکرد. «کابو» فقط به این خاطر آنجا بود که حافظ منافع:

بانک بارکلی، شرکت هواپیمائی بریتیش خاورمیانه، بی پی، لازار فریزر، لون هو، بانک ملی وست مینستر و یونی لیور باشد، تمامی این شرکت ها از نزدیک با خانواده سلطنتی درارتباط هستند و شکی نیست که «الیزابت گولف» ملکه انگلستان ثروتمندترین زن دنیا است.

تا قبل از بسته شدن «مرکز خاورمیانه برای مطالعات عربی» فعالیت‌های اخوان المسلمین در خارج از بیروت و در منطقه هم سطح آن بعهده مرکز مزبور بود اعضای آن عبارتند از:

آبا ابان، متولد آفریقای جنوبی و صیهونیست، ژنرال ایل واید کلایون، لرد کی ارن، سر والتر اسمارت، مانین چانرز رئیس سرویس مخفی مخصوص انگلیسی برای عملیات جیمزباندی و سر هارولد بیزلی منشی مخصوص ملکه انگلستان.

با این اسامی که دیدید و خواندید شماتصور میکنید که اخوان المسلمین مسلمان هستند؟ سازمان فوق که بعنوان (ام-ئی-سی-ای-مeca) خوانده میشد گروه آموزش دهنده صدها سرویس دهنده انگلیسی نظیر «سر جان کلوب پاشا، ژرژکیک (شخصیت بسیار مهم که عضوانجمن سلطنتی روابط بین المللی)، اچ جی ویلتون که یک بار سفیر انگلستان در عربستان سعودی بود، کیم فیلیبی جاسوس مشهور و حالا شاغل در سرویس سه جانبه برای بخش سرویس مخفی انگلستان، سردونالد میت لند و برترام توماس بودند این عمل نشان میدهد که چقدر خاورمیانه از نظر استراتژیکی برای طرحهای انگلستان مهم است.

وقتی طرح ترور «ناصر» با همکاری اخوان المسلمین با ناکامی مواجه شد رهبر گروه ترور «سعید رامادان» دکانی در لندن وژنو درست کرد و مشغول به فعالیت شد.

در اروپا این فعالیت را بنام (اسلام در شرق) نام نهادند این گروه از نزدیک با «اورلیو پچی»^{۶۱} رئیس کلوب رُم همکاری مینمودند گروه مذکور در سال ۱۹۹۷ درژنو تشکیل شد مهمترین شاخه این گروه

ارتباط بین کلوب رُم و انقلاب اسلامی ایران را از طریق «اسلام در شرق بخش بین المللی» که تاسیس آن توسط «بنیاد بین المللی توسعه مطالعات» که رئیس آن «پچی» است برقرار نمود عضو هیئت مدیره این بنیاد «پرنس برن هات»^{۶۲} از سوئیس و «ربرت و- اندرسون» از موسسه اسپن که نقش بسیار عمده در سقوط شاه ایران داشته و مبلغ ده میلیون دلار بودجه برای سقوط شاه تخصیص داده بودند.

امیدوارم تا الان انقلاب ایرانیان رنگ و روی دیگری بخود گرفته باشد تا آنچه که در جراید به آن داده اند.

شکوفایی و احیای اسلام حرکتی است اسلامی که تاثیر مهمی در ملل مختلف خصوصاً کشورهای ترکیه، مصر و الجزیره که اخوان المسلمین در آنجا قوی هستند دارد. حالا اگر در برنامه ها تغییری داده نشده باشد و بازی دیگری پیش نیاید این حادثه چنان شفاف است که هرکسی میداند که «خمینی» طراح، برنامه ریز و مجری انقلاب (شورش) اسلامی ایران نبوده است بلکه این فتنه های پنهانی متعلق به سرویس های مخفی انجمن های اروپائی و آمریکائی که توطئه بزرگی برای دگرگون کردن حکومتها، مذاهب و تجدد خواهی بعمل میآورند میباشد و این خود ارثیه ای است از دکتترین «ایلو میناتی» ها، کلوب رُم، شورای روابط خارجی آمریکا، گروه سه جانبه و سایر گروههای وابسته به آنها.

اینان خائن به ایران هستند

درست مثل آنکه قصد داشتند روزی چنین خیانتی را به ایالات متحده آمریکا بکنند که ما بموقع جلوی آنرا گرفتیم.

اخوان المسلمین یک گروه سیاسی اند بنا براین مثل یک مافیا عمل میکنند آنهاپول های زیادی از طریق فروش اسلحه و موادمخدر حاصل میکنند. «کارتر» به اخوان المسلمین اجازه دادتا جبهه ای در آمریکا بنام «انجمن اسلامی دانش آموزان» بگشایند که در (پالین فیلد) نیوجرسی مستقر است. حکومت «کارتر» میدانست که این محل مرکز آموزش تروریست است.

یکی از همآهنگ کنندگان آن «بهریم ندیم»^{۶۳} که با تلفن دانش آموزان را گرد همآی میکرد و آمریکانیان را در تهران به گروگان گرفتند و اوهرروز اینکار را دنبال میکرد. روزنامه (واشگتن پست) این حکایت را تائید میکند. بانکی که در آمریکا این گروه را تغذیه میکرد «فرست گلف بانک اند تراست» بود با کارمندان آمریکائی و تسهیلات لازم در باهاماس و هنوز این بانک به حمایت مالی از دانشجویان ایرانی که در آمریکا باقی مانده اند شهرت دارد. علیرغم دستوری که «کارتر» به مسدودکردن حسابها و اخراج ایرانیان داد اجازه داده شد که تسهیلات عملیاتی برای آنان در آمریکا فراهم آید بدون آنکه الزامی به داشتن اجازه رسمی از ایالات متحده داشته باشند بنابراین دستور «کارتر» مبنی برمسدود کردن حسابها مشمول حال بانک فوق نمیشد. حالا میبینید چطور این قطعات معما باهم دیگر مطابقت میکند.

در زیر قسمتی از لیست جبهه تشکیلاتی «اخوان المسلمین» که آشکارا عهده دار بحران و گروگانگیری در سفارت آمریکا بودند آورده میشود:

- ۱- «اسلامیست تراست» آمریکای شمالی
- ۲- سرویس کتاب اسلامی
- ۳- مرکز آموزش اسلامی (ایندیاناپولیس دراین تشکیلات حدود دومیلیون دلار کامپیوتر وجوددارد).
- ۴- مرکز اسناد اسلامی (این مرکزمتصل ودرارتباط با مرکز اسناد «آرچ دیوک اتو ون هابس برگ» که در مادرید است و خود آن هم از «بلاک نوبلیتی» هاست وتخصص آنها در ترورهای جهانی است بنام «دای اسپاین»^{۶۴}
- ۵- شرکت کشاورزی اسلام واقع در (منسفلید میسوری آمریکا).
- ۶- شرکت سان سیستم واقع در اورکا ایالت ایلنویز آمریکا.
- ۷- خدمات کتاب اسلامی واقع در پلین فیلد نیوجرسی آمریکا.
- ۸- سرویس خدماتی بین المللی چاپ وگرافیک. واقع در برنت وود مرینند آمریکا.
- ۹- انجمن فرهنگی واقع در ایندیانا پلیس آمریکا
- ۱۰- خدمات تعاونی دانشجویان مسلمان واقع در تورنتو کانادا.

⁶³ - Bahreem Nadeem (I could not find this name any where)

⁶⁴ - Die Spinne

درسوئیس اخوان المسلمین شرکتی دارند بنام (مگال واچ کمپانی) که در شهر بی نین محله پلاس دو لا گار واقع است. شما تعجب خواهید کرد که چطور دانشجویان دارای چنین تشکیلاتی هستند و از چه رشد سریعی برخوردارند، پاسخ این است، بهمان طریقی که «سام میونگ مون»^{۶۵} قادر بود ارتباطش را با مقامات بالا گسترش دهد. در این مساله ارتباط از طریق سناتور «توماس اگلتون»^{۶۶} با دادستان «رمزی کلارک» صورت گرفت. همانطوریکه بخاطر دارید بعد از برخورد بین «خمینی» و «کارتر» رفتن اتباع آمریکائی به ایران قدغن شد اما «رمزی کلارک» این قانون را زیر پا گذاشت و آشکارا آنرا به چالش کشید.

او هرگز بخاطر زیرپا گذاشتن قانون در این مملکت محاکمه نشد و این به شما نشان میدهد که چقدر «دولت پنهان» ما (منظور نویسنده دولت پنهان کشورش «انگلستان» میباشد) دارای قدرت میباشد. از مقامات بالای دیگر که از دوستان نزدیک (انجمن دانشجویان مسلمان) محسوب میشود یکی آقای «سن مک برد» عضو امنیت بین المللی و دیگری «ریچارد فالک» از دانشگاه پرینستون آمریکا میباشد.

شما باید خوب بخاطر داشته باشید اولین تیرهای پرتاب شده بسوی شاه از طرف سازمان عقوبین المللی بود. «کارتر» برای دوره دوم ریاست جمهوری فعالیت میکرد بهمین دلیل دار و دسته او مورد تائید و مساعدت «نیوهمب شایر» قرار گرفت.

کمکی که «کارتر» میخواست؛ خلاصی بموقع گروگان ها بمنظور تحصیل حاصل و رسیدن به ریاست جمهوری دوره دوم بود. دار و دسته آقایان «کلارک، مک برد و فالک» موافقت کردند که او را کمک نمایند اما به یک شرط که «کارتر» آمریکا را در تریبون بین المللی به محاکمه نشانده به چه جرمی؟ به جرم مدرن شدن ایران و خصوصاً فروش تکنولوژی اتمی به شاه. آنها نیکه مقالات من «نویسنده» را تعقیب میکنند حتماً میدانند که انرژی هسته ای یکی از منفورترین تکنولوژیهای مدرن از دیدگاه «کلوب رُم» است آنها تمامی مساعی خود را بکار میبرند تا از استقرار آن در هر جای دنیا جلوگیری بعمل آورند حتا آگر به جنگ بیانجامد چنانچه چنین عملی را در آرژانتین شاهد آن بودیم.

کلوب رُم به آقای «پچی» دستور میدهد کلیه برنامه های صنعتی را متوقف سازد چون تجدید مدرنیزه کردن ایران خود جنایتی بود، «فالک» میگوید:

«رمزی کلارک» و من با تعداد زیادی صحبت کردیم و این دلیل راپیش آوردیم که تکنولوژی انرژی هسته ای برای کشورهای در حال رشد موجب پیدایش روش های پلیسی میگردد که طبیعت این تکنولوژی است.

«کلارک» و «فالک» در پاریس با یک ایرانی بنام «نور ال بالا»^{۶۷} تلفن میزنند که او را وادار به این کار نمایند او به خبرنگاران گفت:

من میدانم یکی از عمده ترین دغدغه خاطر های ایرانیان که به کمیسیون ارائه خواهد شد موضوع فروش طرح انرژی هسته ای است، که ایرانیان آنرا کاری بس بزرگ میدانند. ببینید که چگونه افکار و عقاید کلوب «رُم» در افرادی مثل «کلارک» و «فالک» و یک ایرانی فریب خورده کاشته شده است. کلوب

65 - Sum Myung Moon

66 - Thomas Eagleton

67 - Nour Al Bala (I could not find this name any where)

«رُم» میگوید ایران باید برنامه های هسته اش را متوقف و هرگونه صنعتی شدن را قطع نماید. با عدم تمکین از این دستور شاه سند مرگ خودش را امضاء کرد همانطوریکه:

علی بوتو و آلدومورو ایتالیایی به چنین سرنوشتی مبتلا شدند. کمیسون یکی از اعضای کلوب «رُم» بنام دکتر «فورر»^{۶۸} که اسرائیلی است را مخصوصاً انتخاب کردتا دارای ارتباط باتروریست هاباشد او از اعضای مخفی زیرزمینی تروریست های فلسطینی بنام «هاگانا» بود او درسال ۱۹۷۰ همانگ کننده جنبشی بنام «کمیته آمریکائی برای حقوق ایرانیان» میباشد یکی دیگر از اعضای این کمیته استاد دانشگاه کانزاس بنام «دُن براون اِشتین»^{۶۹} است. درسال ۱۹۷۷ «اِشتین، فورر و نانسی هرناندز» سفرهای متعددی به تهران کردند قصد آنان اینطور که گفته شده تحقیق درمورد نویسندگانی بود که مفقود شده بودند. سازمان عفو بین المللی مدعی بود که مشغول تحقیق درمورد ناپدید شدن مرموز این نویسندگان است وقتی که این سه نفر به ایران رسیدند هیچگونه اسناد ومدارکی که دال برناپدید شدن آنها باشد پیدا نکردند و بعد از مدت کوتاهی تهران رابسوی پاریس ترک میکنند در آنجا با آقای «یزدی» و «بنی صدر» ملاقات میکنند. سفر به تهران یک سفر پوششی بودتا آنها بتوانندبا یاران صمیمی «خمینی» ملاقات داشته باشند.

درپنجم دسامبردرست یک ماه بعداز آنکه دانشجویان سفارت را اشغال وکارمندان راگروگان گرفتند همان دانشجویان شبیهه نظامی که شدیداً توسط «کارتر» محکوم شده بودند از «فورر» برای بازدید از تهران دعوت بعمل آوردند در تهران «فورر» با شورای انقلاب ایران ملاقات بعمل آورد ازگفتگوی آنان تاکنون کسی خبر ندارد؛ اما آنچه که به بیرون درز کرد خبر دعوت از سه کشیش برای بازدید از ایران بود این سه تن «ویلیام اسلون کافین، ویلیام هوآرد و اسقف کام بلتون»^{۷۰} از ایالت دیترویت آمریکا بودند. این افراد از سال ۱۹۷۷ جزء حامیان خمینی بودند. چندزمانی بعد «فورر» به ایران بازگشت این بار با گروهی حدود پنجاه تن که جزء افراد رادیکال گروه چپ «نهضت هندوآمریکائی» بودند ودولت آمریکا هم جلوی این سفررا نگرفت. درمصاحبه ایکه متعاقباً صورت گرفت «کلارک» اطمینان داد که کلوب «رُم» از انرژی هسته ای وتکنولوژی متنفر است. اوبه گروهی از خبرنگاران گفت:

انرژی هسته ای خیالبافی شاه است زیرا دراین رویا هیچ حقیقت ملی وجود ندارد.

تنها مساله انرژی هسته ای نبود که توسط «خمینی» مضمحل شد کارخانجات، کارخانجات مبل وصندلی و سایر کارخانجات نیز بدستور اوبسته شدند.

«ریچارد فالک» به کمیته شان گفت:

آمریکا را باید بخاطر جنایات فرهنگی وبدلیل مدرن کردن ایران ورساندن ایران به قرن بیستم محاکمه کرد.

قبل از رسیدن خمینی به قدرت ایران به رهبری شاه بخوبی درجاده صنعتی شدن وخودکفائی پیش میرفت. کلوب «رُم» همه اینها را واژگون کرد همان طوریکه در آپریل سال ۲۰۰۱ در مکزیک، عراق، یوگسلاوی، جنوب آفریقا، آرژانتین، برزیل و ونزوئلا واژگون نمود. به وضوح گفته شده بود که هدف اول مکزیک

68 - Dr. Forer

69 - Don Brownstien

70 - William Sloan Coffin

است که مثل ایران بشود و بعدنوبت سایرکشورها است. جنایاتی که در ایران شد بهمان نسب در مکزیک شد زیرا مکزیک میخواست از ذخایر زیرزمینی خودجهت استفاده از انرژی هسته ای سود ببرد، از دیدگاه کلوب «رُم» این بزرگترین گناهی است که یک ملت برای پیشرفت خود مرتکب میشود و از آن استفاده میکند همان طوریکه «کسینجر» گفت:

«اندرومالرو» و «بوتو» سزای اعمالشان را خواهند دید.

ایران هزینه ای حدود ۹۰ بلیون دلار برای انرژی هسته ایش برنامه ریزی کرده بود که خمینی روی کار آمد، توسعه و دستیابی به انرژی اتمی از آرزوهای ایران بود؛ من (نویسنده) شاهد ماجرای زیرهستم که درگیر آن بودم. در عرض چند ماه افراد دیوانه ای که «خمینی» را تحت کنترل داشتند دستور دادند تا کلیه اهداف نوین سازی ایران را منهدم نمایند در نتیجه تمام برنامه های اتمی متوقف شد و برنامه های پتروشیمی بندرشاهپور، فولاد بندرعباس و مس سرچشمه رو به تخریب گذاشت.^{۷۱}

از ۱۲۵ کارخانه فعال در مجتمع صنعتی پارک قزوین فقط ۱۵ کارخانه بکار خود ادامه داد. برج خنک کننده انرژی هسته ای تبدیل به سیلوی گندم شد و میلیونها تن نیروی انسانی بیکار گشتند و در عوض شادی و خوشحالی برای آنهایکه «خمینی» را روی کار آوردند بهمراه داشت خصوصاً اینکه آقای «برترانرسل» در سال ۱۹۵۱ مطلب را اینگونه عنوان و تصریح کرده بود:

آنچه که در حقیقت مهم است بازگشت منابع طبیعی ایران بدست دولت انگلیس و «بلاک نوبلیتی»ها و همچنین آن گروه که از تکنولوژی اتمی بیزارند و ایرانیان را از همبستگی جدا کرده و ایران را تخریب نمودند.

در اینجا (آمریکا) کسانی هستند که باورشان نخواهد شد که چنین حادثه ای هم برای آمریکا رخ خواهد داد و این آن چیز است که ما آمریکائیان به آن عکس العمل شدید نشان خواهیم داد. برداشت بسیار خطرناکیست، ما آمریکائیا باید خود را از آن خلاص کنیم هر چند این حادثه در آمریکا اتفاق افتاده است. صنایع فولاد، ماشین سازی و خانه سازی ماهمه بدست کلوب «رُم» که طراح فروپاشی اقتصاد ماست قربانی خواهد شد این طرح جهت اجرا توسط «کمیته روابط خارجی» و بدست «سایروس ونس» سپرده شده و هرگز هم آشکار نمیشود، برنامه بزرگ از زمان رئیس جمهور «آیزنهاور» آغاز شد، اتم برای صلح از بین رفت و صنایع پرتوان ما دچار آشوب شد. هنوز هم ما درکمال حماقت میگوئیم:

هرگز چنین چیزی در آمریکا اتفاق نخواهد افتاد.

این هم اکنون در آمریکا اتفاق افتاده است. روش ممکن است متغیر باشد، ممکن است جبهه ای برای حمله آنچنانی که به ایران و مکزیک شد وجود نداشته باشد اما آنچه که مهم است نتیجه آن است که دقیقاً شبیه اتفاقات ایران است. در ایران قشر بیکاره معتاد به مواد رو به فزونی و یا از طریق مواد ارتزاق میکنند که این عمل در دوران شاه وجود نداشت بخاطر بسپرید «خمینی» در کتاب سبزش (رساله) از

^{۷۱} - کلاب رُم را منوچهر گنجی که عامل سیا و دوره دیده در آمریکا بود به ایران آورد و عوامل آنرا به شهپانو و سپس شاهنشاه معرفی کرد. شاهدهایی هنوز زنده هستند که میگویند؛ تا خمینی و دارودسته اش بر سرکار آمدند؛ بسیاری از قطعات پتروشیمی بندرشاهپور قطعات راکتور هایی که در حال ساخت بود را که برخی از کامیون های بزرگ پیاده شده بودند برخی هنوز روی تریلی ها بودند را چنان در کشور پراکنده کردند که نتوان دوباره پیدا کرد برخی از خراسان شمالی یا آذربایجان سردرآورد و برخی در کوره های ذوب فلز از بین برده شدند. در حالیکه پتروشیمی بندرشاهپور که از پروژه های مشترک ایران و ژاپن بود تا نزدیک به ۷۵-۸۰ درصد آماده بهره برداری بود. اینان بدستور بیگانه برای فصل کرده آمده بودند. ح-ک

نجاسات صحبت کرده است؛ در مورد مواد مخدر میگوید؛ حشیش و تریاک کاملاً رواست. همانطوریکه من (نویسنده) در کتابم در مورد «جنگ علیه مکزیک» گزارش کردم ملت مکزیک هم پس از بستن کارخانجات روبسوی فروش مواد مخدر آوردند. یکی از زیردستان دیوانه آیت الله خمینی بنام «آیت الله خلخالی» که سالیان دراز مبتلا به دیوانگی و مشهور به آزار و اذیت کننده حیوانات خصوصاً گربه بود که به او لقب آیت الله گربه کش داده بودند. او سرپرست «اخوان المسلمین» ایران است او بهرکجا که میرود بستنی وانیلی میخورد خصوصاً زمانی که افراد را توقیف و آنها را تاسرحدمرگ زجر میداد.

ولی ماتاکون هیچ صدائی از «سازمان عفو بین المللی» در این زمینه نمیشنویم آنچنانچه آنهادر زمان شاه در میآوردند. این «خلخالی» بود که قطعات بدن سربازان آمریکائی را برای نجات گروگانها به آنجا رفته و کشته شده بودند به نمایش گذاشت و این «خلخالی» بود که اجساد آنها را به معرض تماشای جهانیان قرارداد. این مرد انسانی دیوانه است، اما کلوب «رُم» در فکر ملت ایران یا آمریکا نمیباشد آنها شیفته آن هستند که هرچه بیشتر در خدمت و بهره رسانی به آریستوکراتهای انگلیسی و «بلاک نوبلیتی» باشند. یکی دیگر از اعضای متعصب که میراث دار این دیوانگی است و امور ایران را رسیدگی میکند «هاشمی رفسجانی» سخنگوی مجلس است و دیگری «شیخ جعفر سبحانی» و بالاخره «آیت الله مشکینی» است. تمام این ها از نزدیکان خمینی هستند اما ممکن است گاهی از مواقع هم موضعشان عوض شود همان طوریکه در قضیه «قطب زاده» و «بنی صدر» پیش آمد.

هادی غفاری و محمد ری شهری هردو آنها عضو «اخوان المسلمین» هستند. «احمد خمینی» که ملقب به (شازده احمد) است رابط بین «خمینی» و سایر اعضای انقلاب اسلامی است اعضائی که اسامی آنان را در بالا ذکر کردم. «خمینی» همراه با سی تن از اعضای کلوب خودش بهر طریقی که دلش میخواست کشور را اداره میکرد البته به طریقی که به او دیکته و یا دستور داده میشد. (دستوری که از طرف خداوند است!!). در حقیقت در این بین خدائی وجود نداشت مگر کلوب «رُم». این مردان در کارهای روزانه کشور دخالتی نداشتند بلکه تصور میشد که آنها دخالت روحانی در امور کشور دارند چنانچه پیرمرد دیوانه «خمینی» که توسط «جان اف کندی» انتخاب شده بود تا جانشین مرد روشنفکری مثل شاه شود.

صدها ملا اداره کننده مملکت هستند و بیشتر آنها مغزو افکار (سدومی)^{۷۲} و بزچرانی دارند آنها از پیروان (رساله سبز) خمینی هستند که در آن رساله جز از نجاسات و امور جنسی و چشم پوشی از کاربرد حشیش و تریاک سخنی دیگر بمیان نیامده، این ها همه دوران تعلیمات حضرت «محمد» هستند بنابراین نمیتوان انقلاب ایران را انقلاب مسلمانان متعصب لقب داد بلکه میتوان آنرا انقلاب متعصبان گفت ولی نه انقلاب حقیقی اسلامی. برای شما

مثالی میآورم، یکی از قوانینی که در رساله خمینی وجود دارد میگوید:

وقتی وارد مستراح میشوید باید اول با پای چپ وارد شوید و هنگام خروج با پای راست. و این قانون مسخره را مردم باید رعایت کنند که این خود نشان دهنده رشدهمافت و مغز معلول این پیرمرد است.^{۷۳}

بقیه مسائل دیگر در مورد نجاسات است. مشکلی نیست تا به این نتیجه برسیم که ملاهای بی مغز که توسط این پیرمرد احق رهبری میشوند بار انقلاب را بدوش خود بکشند. البته شما خوب میدانید آنها نیستند

^{۷۲} - منظور نویسنده «لواط گری» و بچه بازی است. ح-ک

^{۷۳} - درست به این مضمون نیست ولی بهر حال نشانه تهنی مغزی این پیرمرد خرفت است. ح-ک

که این بار را میکشند این رئیس جمهور «کندی» بود که این قدرت را به آنها تفویض کرد. «برنارد لوئیز»، «ریچارد فالک»، «دانشگاه پیرینستن»، دانشگاه «جوج تاون»، «موسسه اسپین»، «هنری کسینجر»، «بنجامین سیولتی»، «جیمز اِرل»، «کارتر»، «کلوب رُم»، «دیوید راکفلر» و (شورای روابط خارجی آمریکا) مآها را در ایران صاحب قدرت کردند خصوصاً (موسسه اسپین) که از شاه چاپلوسی مینمود و او را رهبر مدرن میگفت و درحقیقت پای اشیل شاه همین چاپلوسی پذیری او بود و بخاطر این تملقات بود که شاه میلیونها دلار به این موسسه کمک مالی کرد و آنها هم به شاه قول دادند که یک سمپوزیومی در تهران تحت عنوان ایران در گذشته، حال و آینده برپاکنند (اسپین) به قولش وفا کرد و در تخت جمشید این سمپوزیوم را علم کرد، کار فقط جشن و سور بود تا شاه و همسرش شامی بخورند و شرابی بنوشند و با افراد سرشناسی که در جشن شرکت کرده بودند خوش بگذرانند.^{۷۴}

۷۴ - منوچهر گنجی و هرمز حکمت، حسین نصر، احسان نراقی ... از جمله دست نشاندگانی بوده اند که با همکاری انیستیتو اسپین و کلاب روم **The Club of Rome** و **Aspen Institute** و با یاری آقای ابوالحسن بنی صدر با همکاری آقای **Marvin Zonis** تیشه به بنیان ایرانی که میرفت آباد شود و در زمره پنج کشور اول دنیا قرار گیرد زدند. آقای گنجی (این همان گنجی است که امروز از امضا کنندگان بیانیته ای است که عده ای در حمایت از برقراری رابطه میان جمهوری اسلامی و آمریکا شده اند و همنشینی او با جدایی طلبان در جلسه معروف واشنگتن بیاد ماندنی است اینان مار خوردگان افعی پرور و از باتیان جمهوری اسلامی بوده اند) انیستیتو اسپین را به ایران و شاه و شهبانو فرح معرفی کرد. ایشان در راس وزارت آموزش با خانمی بنام **Chatherine Bateson** که بعد ها در کالج دماوند (مدرسه عالی) به تدریس مشغول شد در ارتباط بوده. منوچهر گنجی در نقش وزیر آموزش و پرورش کمک نمود تا خاتم باتسن در اجرای نیات شوم خود (استراتژی برقراری تماس و منحرف کردن فکر جوانان ایرانی به سوی تفکر "ضدی ماتریالیستی") به مقصود برسد.

این گروه با الهام از گفتار آقای احسان نراقی و بر اساس تاکید هرمز فکر و با یاری علی شریعتی جوانان و روشنفکران ما را منحرف و آنان را با استفاده از احساسات مذهبی تحریک نمودند تا بر ضد کشور قیام کنند.

بخوبی بیاد دارم؛ در آن ایام تازه فارغ التحصیلی را در ادارات دولتی استخدام کردند که بیشتر افکار علی شریعتی را پیروی میکردند و در صحبت هایشان بحث های ضد ماتریالیستی را بمیان میکشیدند. اغلب آنها در جلساتی که در حسینیه ارشاد تشکیل میشد شرکت میکردند. همین گروه بعد ها در وقت مناسب رنگ عوض کردند و در روز های اول فتنه خمینی به اسناد و مدارک قفل و کلید زدند و اتاق ها را لاک و مهر کردند و عده ای از کارمندان صمیمی و میهن پرست را در مستراح ها و در زیر زمین ادارات زندانی کردند.

این گروه با همکاری علی شریعتی جوانان و باصطلاح روشنفکران آن زمان را به سوی "انقلاب اخوان المسلمین **Muslim Brotherhood Revolution** سوق دادند و مغز آنان را شستشو دادند. همین گروه با گول زدن تمام رده های بالای کشور حتا شهبانو فرح پهلوی و شاهنشاه میلیون ها دلار از آنان پول گرفتند و بر علیه مصالح کشور بخرج رساندند بدون اینکه شاهنشاه متوجه شوند و یا علیاحضرت بویی ببرند. جوانان ما بدون کمک این گروه هرگز به سوی خمینی کشیده نمیشدند؛ اصلا کسی در آن زمان خمینی را نمیشناخت. توجه دارند که این درست سه سال پیش از پیدایش خمینی است؛ آقای "هرمزفکرت" با اشاره به پانزده سال «پانزده سال تبعید خمینی» را برخ میکشد. علی شریعتی با بهره برداری از اصول صوفیگری و الهام از دکترین مارکسیسم بنیان گزار مارکسیست اسلامی شد که بعد ها ریشه تروریستی را بنیان نهاد که مجاهد خلق از درون آن رشد کرد.

شریعتی که در مکتب اگزیستانسیالیست هانی چون ژان پال سارتر، فرانتس فانون، آلبرت کامو، ژاک برک، و زیر نفوذ کلاب رم و سایرین که در بالا نام برده شد تعلیم دیده بود به یاری دوستانش آنقدر افکار ضد سرمایه داری را تشویق کرد تا جوانان ساده اندیش ما در آنزمان آماده شدند هرگونه ضدیتی با کشورشان و شاه را بپذیرند. تعلق خاطر به ضد سرمایه داری ایشان را واداشت تا بگوید:

«آرزوی در آغوش کشیدن مرگ در راستای «رهانی» حاصل دوری جستن از جهان مادی بسیار مجلل است؛» وی به شاگردانش میگفت؛ «نمی بینید که چه شیرین است بصورت شهید مردن؟» او میگفت؛ مرگ یک تراژدی خارق العاده است و پایان بخش بی انتهای برای گم شدن در هیچ بودن؛ چه زیباست آرزوی آن مردان و زنانی که مردن را قبل از مردن با آغوش میکشند....»

تمام این حيله گری ها را آقای منوچهر گنجی در نقش وزیر آموزش و پرورش، با همراهی علی شریعتی، عباس میلانی، چریک، و دیگران توسط ایادی مستقر در دانشگاه ها و موسسات آموزشی بر اساس سفارش و دستور العمل کلاب رم و انستیتو اسپین در کشور ما بکار کشیدند و جوانان و روشنفکران را به راهی هدایت کردند که نتیجه آن خمینی و بازماندگانش بود.

سمپوزیومی که زیر عنوان "گذشته، امروز و آینده" در سپتامبر ۱۹۷۵ در شیراز (تخت جمشید) بر گزار شد در اصل پوششی برای گول زدن شاهنشاه و همسرش بود تا فتنه آمدن خمینی را پنهان سازند. آن همه نیرنگ بدست ایرانیان از همه جا بیخبر با الهام از گفته های احسان نراقی و با تاکید شدید هرمز فکر و علی شریعتی و از راه های فرستادن ایادی نفوذی به دانشگاه ها و موسسات آموزشی به اجرا در آمد. ح-ک

اگر شاه مشاوره مثل من (نویسنده) می‌داشت بلافاصله می‌گفت که کاسه و کوزه تان را جمع کنید و بروید لیکن افرادی که حقایق را بیان می‌کنند همیشه مورد مواخذه می‌باشند ما هرگز نمیتوانیم جانشین دانشگاه‌های معروف بشویم. به شاه تصویری از روشنفکریش را در رهبری نشان داده بودند اما پشت این صحنه نمونه های گوناگون دیگری بود. در جشن های تخت جمشید ده عضو بلند پایه کلوب «رُم» حضور داشتند که یکی از اعضای بلند پایه آن «اورلیوچی» بود از کسانی دیگری که در جشن حضور داشتند «سُل لینیوس» عضو رسمی «برادران کادت» که کانال پانامارابه ما اهداء نمود (نامبرده عضو کمیته ۳۰۰ بخش المپین است)، «هارلن کلیوند» (کسی که امروز مشغول نگارش نحوه ایرانیزه کردن مکزیک است)، «روبرت -ا- اندرسون» که هردوی این آقایان عضو برجسته «موسسه اسپین» هستند، «چارلز یوست»، «کاترین باتسون»، «ریچارد گاردنر»، «تنو سومر»، «جان اک» و «دانیل یان کولویچ» مردی که عقاید مردم را با فعالیت‌های آماری تطبیق میدهد بودند.

من از شما می‌خواهم روی اسامی افراد فوق دقت کنید این ها کسانی هستند که سرنوشت آمریکا بدست آنهاست.

این افراد بهمان نسبت مهم هستند که افراد دیگری نظیر «هنری کسینجر» و «راکفلر» و یا آن عده دیگری که چنان ناشناس هستند که شما اسم آنها را هرگز نشنیده اید.

تعدادی کمتر از سی عضو (سی-آی - ای) و سازمان مخفی بریتانیا که در سمپوزیوم فوق فعال بودند و به وضوح در رویدادهای بعدی بر ایران مسلط شدند و در حقیقت باید گفت آنان «ناظر مرگ» بودند تا شرکت کننده در سمپوزیوم. در میان افراد (سی-آی - ای) شخصیت هائی بنام «ماروین زونیس، چارلز عیاوی، جیمز بیبل، لئونارد باینر و روح الله رضائی» بودند.

آمریکائی زشت رو؛ چهره زشت خود را در تخت جمشید به نمایش گذاشت. نقطه حساس در اینجا بود که انقلاب ایران زمانی آشکار شد که ملاقات «احسان نراقی» صورت گرفت او بیانیه ای را سه سال قبل از خمینی به جهان اعلام کرده بود:

حالا زمانی رسیده که ما باید توجه خود را معطوف به آن اتفاقی که در ایران رخ میدهد بیاندازیم، جامعه ایران بطرف یک آشوب بزرگ پیش میرود.

این گفتار تحت تاثیر «فراماسون» انگلیس بیان شد. (سی-آی - ای) و سایر توطئه چینان شروع به پائین آوردن شاه از قدرت رانمودند در سال ۱۹۷۵ بود که موسسه (آسپین) از طریق وزیر آموزش و پرورش وقت «منوچهر گنجی» و خانم «کاترین باتسون» مدیر کالج دماوند آغاز به نفوذ به داخل ایران نمودند نماینده «فراماسون انگلیس» در این سمپوزیوم بنام «دکتر علی شریعتی» بود که خط اول جبهه (اخوان المسلمین) را در ایران بوجود آورد. دکتر «شریعتی» یک صوفی متخصص، یک عارف باتوان بسیار بالائی در تشویق و تحریک جوانان بمنظور قبولاندن به آنها که مزخرفات من بر اساس اصول علمی است بود. او یک خطابه گر دینی مخالف با ماتریالیستی بود یکبار به گروهی از شاگردانش گفته بود: مرگ فقط گذر از ماده است.

بهمین دلیل است که میبینیم بسیاری از ایرانیان برای مرگ اهمیتی قایل نیستند. پدر شریعتی در تمام طول عمرش (فراماسون) و افسر شاغل در سازمان مخفی انگلیس در خاورمیانه بود.

کلام «شریعتی» پیشران و بحرکت آورنده انقلاب خمینی، «ماروین زونیس»، «کاترین باتسون» به تحرک آوردن آن و بالاخره «گنجی» و «شریعتی» قادر بودند صدها هزار تن دانش آموز و دانشجو را برای پیروی از انقلاب تحریک و تشویق نمایند که تقلید از غرب را متوقف نمایند. بدون «شریعتی» هیچ دانشجو و دانش آموزی در این انقلاب شرکت نمیکرد. وقتی تصمیم به استقرار «خمینی» گرفته شد این انتخاب توسط (عملیات اجرائی مخصوص سازمان مخفی انگلیس) که نطفه اصل آن توسط «کندی» و بوسیله «تیمور بختیار» بسته شده بود صورت گرفت. موسسه «آسپین» هم که کارش توطئه علیه شاه بود به انقلاب سرعت بخشید. در سال ۱۹۷۷ «پچی» و «ژاک فری موند» شروع به تماس با (اخوان المسلمین) اروپا کردند. در دانشگاه کمبریج به رهبری «پچی» و «لرد کارادن» (اسلام در غرب) نهادینه شد و موسس آن کسی بنام «معروف دوالیبی»^{۷۵} بود (اسلام در غرب) به پشتیبانی کامل کلوب «رُم» و همیاری دکتر «الکساندر کینگ» بوجود آمد، پاره ای از آمریکانیان درباره «کینگ» اطلاعاتی دارند، من (نویسنده) ارتباط او را با تخریب کنندگان کیفیت آموزش در انقلاب «خمینی» با اطلاع هستم کلوب «رُم» دستورات داد تا «سُل لینو وتیس، فلیپ کلوتس نیک»^{۷۶} و سایر روس و نس» آماده باشند تا در جلسه ای که بعنوان (گردهمائی صلح جویانه بین مذاهب) شرکت نمایند این جلسه در سال ۱۹۷۲ در (بلاژیو) ایتالیا منعقد شد موضوع جلسه استفاده بهینه از خدمات متعصبین قشری بمنظور کسب نتایج بهتر که آرزوی کلوب «رُم» بود عنوان گردید.

اکثریت شرکت کنندگان در اجلاس به اتفاق، «دکتر بنی صدر» را انتخاب کردند که فعال و منقد شاه بود این عمل توسط موسسه «تاویستاک» که مادر «تینک - تانکس» ها و همه کسانی که شستشوی مغزی میشدند صورت گرفت. «موسسه تاویستاک» در آمریکا (عصر جدید) و «عصر اکواریوس» را که اعضای آن کارشان توطئه گری است را پدید آورد آنها به مردم میآموختند که توسعه صنعتی زیان بخش بوده و آنان را از ارتباط با خداوند محروم مینماید در عوض بهتر است که پرستش طبیعت را در پیش گیرند. همین ایده احمقانه بود که باعث پدیدار شدن جنبش «نهضت های محیط زیست» که سازمان هائی نظیر (سییرا کلوب) و «بنیاد دنیای وحوش» را بوجود آورد که بهترین و شناخته شده ترین اند. آنچه که «بنی صدر» در شستشوی مغزی پذیرا شد این بود که غرب و تکنولوژی شیطانی هستند و تا زمانی که شاه هم درگیر این تکنولوژیست شیطان است.

این همان عقیده سخیفی است که با آن «پُل پُت، لینگ ساری قصاب و خصوصاً کیوم سان فام»^{۷۷} شستشوی مغزی شدند همه این ها همدرسان «بنی صدر» در دانشگاه سوربن فرانسه بودند. بعد از سالیان دیگر هنگامیکه از «بنی صدر» سوال میشود راه حل «پُل پُت» را برای تهران مناسب میداند جواب میدهد:

بله اما نه با جنگ بلکه با تحریک و تحریض^{۷۸} کردن مردم.

75 - Maarouf Dawalibi

76 - Philip Klutznick

77 - Pol Pot, Leng Sarry, M. K. Sampham

۷۸ - برانگیختن؛ به شوق آوردن؛ بر سر میل و رغبت آوردن؛ وادار کردن.

«کلوب رُم» بخش (ائی- پی-اچ-ائی) دانشگاه سورین را که وابسته بخود داشت بطور بسیار موفقیت آمیزی جهت شستشوی مغزی «بنی صدر» تعقیب میکرد، افراد ذیل تاثیر و نفوذ زیادی در آینده «بنی صدر» داشتند:

«مالکل کر وزیر تنوریست (موسسه تاویستاک) کسی که رهبری بی ثبات کردن رژیم ژنرال «دوگل» را در سال ۱۹۶۸ بعهدہ داشت، ژاک سوستل، چارلز بندهایم، مایکل فوکالت و بالآخره کلود لووی استراس»^{۷۹}. در یک زمان ویا در زمانهای مختلف هرکدام از افراد فوق علیه «دوگل» در سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ فعالیت میکردند واین فعالیت ها همراه با مساعدت های (موساد) اسرائیل و یا سرویس مخفی بریتانیا بود.

قشریون مذهبی با عقیده بازگشت به طبیعت نقش بسیار مهمی در ایران بازی کردند و همین نقش را اکنون در آمریکا بازی میکنند بعضی از مردم بسادگی نمیدانند چه چیزی در حال رُخ دادن است و فکر میکنند که اگر نام بعضی از این مبلغین مسیحی تلویزیون نظیر «اوانجلیک» را که از نظر کیفیت مرامی نظیر قشریون مسلمان هستند ببرند بد میشود و یا از آنچه که در ایران اتفاق افتاده ویا میافتد سخن بگویند.

در آمریکا کلوب «سیرا» عهده دار رهبری طرفداران طبیعت است، این گروه مخالف تکنولوژی وانرژی هسته ای هستند. کلوب «رُم» خوب میداند که آمریکا ایران نیست که آنها بتوانند فردی مجنون رامسئول کار در آمریکا نمایند زیرا ملت آمریکا چنین امری را نمیپذیرد بنابراین بدنبال راه پیچیده ای رفتند، از پرنس «فیلپ» خواهش کردند که در مورد ایده «دنیای حیات وحش»^{۸۰} در طبیعت سخنرانی نماید که البته عده کثیری هم سخنان ایشان را پذیرا خواهند بود درحالیکه اگر همین سخنان از دهان آدم احمقی مثل «خمینی» بیرون آید هرگز کسی آنرا نمیپذیرد ولی در نهایت نتایج آن یکسان است.

ما گول خوردیم و سخنرانان مذهبی «اوانجلیکا» هم اذعان نکردند که جاده صاف کن صدور این نهضت از انگلیس بودند. بمراتب زیر توجه کنید:

قشریون مذهبی در (بلاژیو) ایتالیا توطئه ای را بنا نهادند این توطئه به رهبری «فلیپ کلود زنیگ»، «سُل لینوویتس» و «سایروس ونس»^{۸۱} به سرزمین انگستان کشانیده شد و ملکه الیزابت رانیز در این توطئه داخل کردند.

تنوریسین ملکه الیزابت آقای «هربت وادامز»^{۸۲} کسی که با قدرت رهبری (شورای جهانی کلیسا ها) را عهده دار است بود، در یک مقطع «وادامز» خود را محصور در پیروان «کمبریج، برگس، مک لین، فلی بای و آنتونی بلانت»^{۸۳} میبیند این میتواند بشما نشانگر آن باشد که «وادامز» از چه قماش است و آبشخورش از کجاست. وقتی پاره ای افراد از طرح و نقشه قشریون آگاه شدند خدمت ملکه الیزابت رفتند و به او اعتراض کردند یکی از این افراد لرد «مونت باتن» بود که بلافاصله بعد از اعتراض او را کشته یافتند. شخص دیگر «اسقف اعظم کلیسای کانتربری» بود که او بطور ناگهانی سرانجامش مرگ شد و تنوریسین مذهبی که بشدت با شاخه عیسویان کلیسای کاتولیک رُم ارتباط داشت جانشینش گردید من

79 - J. Soustell, Charles Bendheim, Michael Foucalt, C. L. Strass

80 - World Wild Life

81 - - Philp Claud Zenich

82 - H. Waddams,

83 -Burgess, A .Blunt

(نویسنده) بعلت کمبودجا و کمی زمان وارد جزئیات این برنامه نمیشوم اما باور کنید کارهای احمقانه ای که «ملاها» در ایران انجام دادند و خواهند داد از هر لحاظ پیچیده تراز راه قشریون مذهبی مسیحی در غرب مییاشد.

من (نویسنده) هرگز به اعتقاد و مرام کسی توهین نمیکنم شغل من فقط گزارش حقایق است. در آمریکا مسایل از قبل توسط گروه مذهبی «میزگرد» اداره و مدیریت میشد و میشود این گروه توسط بنیاد (هری تج) و آنها هم توسط (تاویستاک) خلق شده اند. آیا این یک غفلت نخواهد بود اگر من این مطلب را به اطلاع همگان نرسانم؟ که چه حوادثی اتفاق افتاده است؟ خمینی مرد مذهبی آلت دست «کلوب رُم» بود که به مقام بالای رهبری ایران رسید، جز این بود؟ «این دوران قرون وسطاست».

برنامه ریزی این است که عراق، مکزیک، آرژانتین، برزیل، آفریقای جنوبی، یوگسلاوی و ونزوئلا هم بهمین راه تاریک کشانده شوند، خود آمریکا مورد تهاجم است همانطوریکه میبینید صنایع شمال آمریکا، ماشین سازی آمریکا، صنایع فولاد و ساختمان سازی ما مورد تهاجم قرار گرفته است فقط ما باید بسرعت درمقابل این تهاجم ضد حمله ای را آغاز نمائیم و نشان دهیم که چه نقشه ای کلوب رُم، کمیته روابط خارجی آمریکا، کمیته سه جانبه، بلاک نوبلیتی و سایر اریستوکرات ها برای کشور ما دارند که متاسفانه تا آن زمان فاصله چندانی نداریم.

ما بخوبی شاهد به ثمر رسیدن گزارش جهانی سال ۲۰۰۰ و همچنین پروژه «هشتاد» قبل از شروع سال ۲۰۰۵ هستیم، همانطوریکه من (نویسنده) در گزارش خود اعلام داشتم آمریکا درلیست «بالکانیزه» شدن قرار داشت سرنوشت ایران و جنگ در آرژانتین میتواند زنگ خطری برای آمریکا باشد که ما را از جلوی تلویزیون هایمان به پا داشته و برنامه ورزشی پایان هفته را فراموش کنیم و کمر همت را ببندیم تا کشورمان را از سقوط به دوران تاریک قرون وسطایی نجات دهیم.

ایران در سال ۲۰۰۵

در اعلامیه «کنفرانس تهران» که در سال ۱۹۴۳ با حضور روسای دول آمریکا، انگلیس و روسیه در تهران برگزار شد استقلال تمامیت ارضی ایران مورد تأیید و امضاء قرار گرفت هرچند که روسیه ناخشنود از عدم دریافت امتیاز نفت شمال از دولت ایران گردیده بود اقدام به ایجاد بلوا و انقلاب در شمال ایران کرد این عمل منتج به ایجاد حکومت جمهوری خلق آذربایجان بسال ۱۹۴۵ و خلق کردستان به رهبری روسیه در همان سال گردید. هنگامیکه ارتش روسیه در ایران باقی ماند و توجهی به پایان اشغال که در ژانویه سال ۱۹۴۶ بود نکرد حضور ارتش کشورهای آمریکا و انگلیس نیز الزامی شد. ایران به سازمان ملل از روسیه شکایت کرد و کشور مذکور مجبور شد در ماه می ۱۹۴۶ از ایران خارج شود و دولت ایران هم قول بهره برداری نفت شمال را به آنها داده بود، دولت روسیه حکومتی در شمال ایران بوجود آورد که با اقبال شمالی های ایران مواجه نشد و در پایان همان سال (۱۹۴۶) سرکوب گردیده و پارلمان ایران هم با اعطای امتیاز نفت به دولت روسیه مخالفت بعمل آورد.

تهدیدات علیه ایران خلاف «اعلامیه کنفرانس تهران» است بهمان طریق تهاجم هوایی هواپیماهای جاسوسی آمریکا در فضای هوایی ایران.

ایران: دشمن تازه

کوتاه زمانی پس از سپری شدن ۱۱-۹ جنگ با تروریست آغاز شد و در نتیجه «پاتریوت اکت» به امضاء رسید و سپس «سرویس امنیتی کشور»^۴ خلق شد در کمال تاسف این فقط آغازی بود و تا امروز هیچ آمریکائی نفهمید در ۱۱-۹ چه حادثه ای اتفاق افتاده است، آنچه به ما آمریکائی ها گفته شده این است که تروریست جهانی برای ما تهدیدی بحساب میآید زیرا ما را «دشمن آشکار» آزادی جهان میبینند و به تهدیدشان علیه ما (آمریکائی ها) ادامه میدهند شاید هم این تهدیدات تا یک دهه هم ادامه یابد در نتیجه قانون جدیدی باید بتصویب برسد و بدون هیچ شک و ابهامی حکومت بزرگتر شده و قدرت عملی بیشتر از قبل بخود خواهد گرفت.

این قوانین ما را از حقوق آزادی دور ساخت و حکومت را در ادامه «حفظ از خطر بزرگ» ما را در حالت «جنگ دائم برای صلح» بدون دیدگاه پایان پذیری قرارداد. ایران با منابع زیرزمینی زیادش، نفت (که در سال ۱۹۰۸ در خوزستان کشف شد) و گاز طبیعی منطقه بسیار مهمی تشخیص داده شده. منابع نفتی و گازی بیشتر در منطقه جنوب شرقی کوه های زاگروس در غرب ایران قرار دارند در داخل خلیج فارس هم منابع نفتی و گازی نیز کشف و حتا تسهیلات نیروی هیدروالکتریکی برای برق رسانی به کشور در شرف انجام بود.

منبع اقتصادی ایران صنایع نفت است، نفت هشتاد درصد از سرمایه صادراتی ایران را تشکیل میدهد و ایران هم عضو کشورهای اوپک است. مهمترین تصفیه خانه های ایران در آبادان (اولین پایگاه تصفیه نفت ساخت آن بسال ۱۹۱۳ است)، کرمانشاه و تهران اند.

خطوط لوله های نفتی از محل استخراج برای تصفیه و صادرات به بنادر آبادان، معشور و خارک ارسال میشوند. در پایان سال ۱۹۹۰ ایران اعلام کرد که موافقتنامه ای جهت کاوش بسیار بزرگی را امضاء نموده است. ایران کشوری بزرگ با جمعیتی حدود ۶۹ میلیون میباشد تا سال ۱۹۳۵ بعنوان «پرشیا» نامیده میشد و پس از روی کار آمدن «مُلاها» توسط «سی-آی-آی» به رهبری ژنرال هایزر و اخراج شاه از ایران جمهوری اسلامی نامیده شد.^{۸۵} در سال ۱۹۷۹ یک گروه از دانشجویان ایرانی سفارت آمریکا را در پایتخت ایران اشغال نمودند و ۶۶ تن آمریکایی را به گروگان گرفتند این عمل اعتراض به سیاست دولت آمریکا و اسرائیل بود. بحران گروگانگیری طولی نکشید «رونالد ریگان» در سال ۱۹۸۱ که قسم ریاست جمهوری را یاد کرد به آن پایان داد. دولت ایالت متحده آمریکا از ایران دولتی حمایتگر تروریست ها ساخت و سپس اقدام به محاصره اقتصادی او نمود.

همزمان آقای «محمد خاتمی» ریاست جمهوری ایران را بعهده داشت درحالی که بیشتر قدرت در اختیار شورای نگهبان و یک گروه از مُلاها که عضو گروه مشترکی بودند قرار داشت. ایران در نوامبر همان سال غنی سازی اورانیوم را متوقف میکند، در اجلاس (ژنو) ایران از درخواست اروپایی هادرمورد توقف کامل یا قسمتی از غنی سازی را که برحسب گزارشات رسیده بود نمی پذیرد، معلوم نیست به چه مجوزی و طبق کدام قوانین بین المللی آمریکا و سایر کشورهای اروپایی حق قضاوت درمورد ایران را دارند و یا دخالت در حاکمیت ملی او.

«دو حالت نمی تواند وجود داشته باشد» یکی از دیپلمات هائی که در اجلاس حضور داشت اظهار میدارد: اگر بن بست نتواند حل ماجرا باشد دیگر امیدی به حل مشکل نمیرود. کدام مشکل؟ هیچ کس حق دخالت در امور داخلی و حاکمیت ملی دیگران را ندارد این در قانون ملل تصریح شده است اما حالا دولت آمریکا و سایر کشورهای اروپایی ایران را متهم به توسعه ی اسلحه کشتار جمعی میکنند که خلاف معاهده «ان پی - تی» مبنی بر محدود کردن سلاح های هسته ای است که در سال ۱۹۷۰ تصویب شده میباشد.

به دنبال سوگند ریاست جمهوری «بوش» که در ۲۰ ژانویه انجام شد معاونش «دیک چینی» گفت: ایران در راس کشورهای مشکل ساز قرار دارد. کلام و سخن «چینی» چنان بی محتوا بود که گویی هم اکنون ملت آمریکا را تهدید به یک داستان دنباله دار انفجار اتمی کرده و میخواهند آمریکا را منفجر نمایند. اخیرا هم اینگونه سخنان بی محتوا از کاخ سفید با طمطراق خارج شد که درست شبیه تهدید ایران به جنگی نظیر جنگ عراق بود به بهانه اینکه ایران دارای سلاح کشتار جمعی است و ثابت شد که این دلایل همه بر اساس اطلاعات قلبی بوده مضاف بر اینکه در مقاله مندرج در روزنامه «نیویورکر» در ماه ژانویه به قلم برنده جایزه پولیتزر روزنامه نگار مشهور «سایمون هرش»^{۸۶} اعلام کرد که کاخ سفید اخیرا اجازه داده است که نیروی مخصوصی ماموریت خاصی را در ایران مبتنی بر اینکه میتوان در آنجا اهداف نظامی را پیاده کرد محول نموده، کاخ سفید هم اعلامیه ای داد که مقاله «هرش» پراز اغلاط است اما داستان را رد نکرد و انکار ننمود و ایران هم مسئله هر گونه حمله نظامی را منتفی دانست:

«ما درکمال اشتیاق منتظر حمله کوماندوهای آمریکایی به ایران هستیم زیرا این جوجه مرغ هاشکار خوبی برای شاهین های ما هستند»؛ این جواب وزیر اطلاعات و امنیت ایران بود که درواشنگتن پست مندرج

^{۸۵} - نام ایران همواره «ایر» یا «نجیب» و یا ایران بوده است و در شاهنامه فردوسی ۷۵۰ بار ایران آمده است. به اشتباه یونانی ها اروپایی ها ایران را پرشیا میشناختند که رضا شاه بزرگ نام اصلی ایران را به «ایران» برگرداند و همواره ایران یا دولت شاهنشاهی ایران نامیده میشد. ح-ک

گردیده بود. از آنجائی که نیروی امنیتی سپاه از استقرار محکمی برخوردار است هرگونه حمله به ایران حماقت محض است.

شخصیتی رسمی در کاخ سفید گفت:

بهبتر است از راه دیپلماتیک با ایران وارد مذاکره شوند، آقای «جک استرا» نخست وزیر انگلستان هم در همین زمینه برای مذاکره در مورد تهدید ایران به آمریکا پرواز نموده بود.

ما اصطلاح «گفتگو» را با احتیاط بکار میبریم زیرا به «استرا» نقشه ای برای حمله به ایران داده شده بود هم زمان هم وزیر دفاع اسرائیل که کشورش در ۸۰۰ مایلی ایران قرار گرفته اظهار میدارد:

اسرائیل تحت هیچ شرایطی ایران اتمی را نمیتواند تحمل نماید.

بعضی از تندرهای آمریکائی میدیدند که عملکرد روس هاباعت ازدیادبحران میشود، اسرائیلی هاهم اخطار کردند چنانچه اسلحه روسی توسط روس هابه ایران ارسال شود آنها هم اهداف دشمن را مورد حمله قرار میدهند چنانچه در زمان «صدام» که پیشرفت اتمی آن بحدی رسید که دولت اسرائیل آن اهداف را مورد حمله قرار داد؛ این نکته را باید بخاطر داشته باشید که هوایما های اسرائیلی برای حمله به عراق نیاز به سوختگیری در هوا دارند که این عمل فقط توسط نیروی هوائی آمریکا انجام پذیر است زیرا هوایماهای اسرائیلی برای پرواز های طولانی مجهز نمیباشند.

سفر خانم «رایس» به این نیت بود تا روابط بین ملت ها را نزدیک تر و محکم تر نماید نظیر روس هاکه در روابطشان با آمریکادر حال خراب شدن بود زیرا آمریکا درسال گذشته به عراق حمله کرده بودواین عمل نه تنها خشم نهضت میهن پرستان روسیه رادربرداشت بلکه سران طراز اول ارتش روسیه از اسرائیل بخاطر مسئولیتشان درقبال جنگ «صربستان» در خشم بودند.

«رایس» به آلمان میرود (آلمان ها مخالف جنگ بودند) و سپس به لهستان تا از دولت ورشو بخاطر اعزام نیرو به عراق تشکر کند، دولت ورشو ناراحتی ملت لهستان را از اعزام گروه ارتشی به عراق به اطلاع «رایس» رسانید زیرا آنها درخواست خروج فوری نیروهایشان را از عراق کرده بودند. «رایس» با «لاوروف» وزیر دفاع روسیه مذاکره میکند، فعالان (جبهه دمکراسی کرملین) مورد شکایت واشنگتن قرار گرفتند لیکن «لاوروف» کمترین اعتنائی وحتا کمترین کلامی که خطاب به آمریکادر موردحمله به عراق باشد نکرد این نکته تلخی برای روسای ارتش روسیه بود. وزیر دفاع روسیه دریک بیانیه ای گفت که آماده برپائی یک جلسه مذاکره بین رئیس جمهور آمریکا «بوش» و «پوتین» رئیس جمهور روسیه در ۲۴ فوریه در (اسلواک) پایتخت (براتسلاوا) است. «رایس» به مسکو اخطار داد که باید به رفرم دمکراسی شتاب بیشتری دهند اگر واقعا میخواهند امید به ارتباط با آمریکا را داشته باشند. او گفت واشنگتن مجبور است تعادلی در همکاری با مسکو در مورد مسایل مختلف که از آن جمله چیزی را که او «رایس» حرکت عاری از حادثه بسوی دمکراسی، میخواند ایجاد کند. روابط آمریکا و روسیه بر اثر شکایت طرفداران فعال روسیه علیه «پوتین» رو به سردی نهاده بود خصوصا عملکرد «پوتین» نسبت به «برزوفسکی»^{۸۷} وگروه مافیائی جنایت کارش که تولیدات نفت شرکت غول پیکر (یاکوس) را

اداره می‌کردند. «لاوروف» هم به «پوتین» توجه داده بود که او میتواند مسئله عمده دخالت آمریکا را در اوکراین و همینطور دخالت آنها را در مسائل ملی عراق مطرح کند.

دولت آلمان روز (کیوان شید) شنبه از آمریکا و اروپا خواست تا توأمأ به انزوای ایران خاتمه دهند؛ زیرا مشکلات اقتصادی و امنیتی باعث میشود که ایران از غنی‌سازی دست بردارد. دولت های آلمان، فرانسه و انگلستان بعنوان رهبران اروپایی کوشش میکنند تا ایران را به غنی‌سازی فقط برای کارهای تکنیکی تشویق نمایند ولی غنی‌سازی برای اسلحه را متوقف نماید و درمورد معاملات تجاری هم دقیقاً مذاکره نمایند.

در یک کنفرانس امنیتی وزیر دفاع آلمان آقای «پیتر استراک» گفت: من مکرراً دولت آمریکا را تحریض به حمایت فعال از دیپلماسی اروپا نموده‌ام.

دولت آمریکا که باعث نگرانی اروپایی ها شده گفت:

در صورت شکست مذاکرات دیپلماسی از نیروهای جنگی استفاده خواهد کرد.

بدین طریق آمریکا اروپا را مجبور به اخذ تصمیمی سخت درمورد تهدید تهران به محاصره اقتصادی که سازمان ملل هم با آن موافق بود کرد در ادامه سخن گفت: ما باید بر انزوای ایران غلبه کنیم برای اینکه ایران فقط جاه طلبی برای انرژی اتمی دارد تا آنرا در مسیر معقول اقتصادی بکاربرد و همچنین قانوناً میخواهد که منافعش در حاشیه امن قرار گیرد. بعداً آقای «دونالد رامزفیلد» معاون وزیر دفاع آمریکا گفت:

جلسه بین آمریکا و اروپا محققاً دوران مسئله ایران نخواهد بود. هر حمله ای که توسط آمریکا یا نیروهای کشورهای متحد صورت گیرد محققاً با مقاومت مواجه خواهد شد، ایران دارای اسلحه و ارتش جایگزین است که خیلی خوب آموزش دیده و طرفدار اسلام بوده حتماً بیشتر از عراقی ها.

وزیر امور خارجه ایران تاکید بر این دارد که برنامه های اتمی ایران صلح جویانه است و ایران آماده هرگونه همکاری با ناظران بین المللی است. «غلامعلی خوشرو» در یک ملاقات گفت: برنامه های اتمی ایران کاملاً شفاف است. هر چه بیشتر در این برنامه هاتفحص و جستجو شود کمتر چیز ممنوعه ای خواهند یافت.

ایران غنی سازی اتمی خود را در اثنای این گفتگوها متوقف کرده بود اما کنار گذاشتن برنامه ای را که دولت آمریکا و سایر کشورهای اروپایی از آن بعنوان ساختن بمب اتم واهمه داشتند رد کرده بود. «رامزفیلد» گفت: اروپا و آمریکا دارای هدفی مشترکند، ایران باید آنها را از متوقف ساختن غنی سازی که منجر به ساختن بمب اتمی است مطمئن سازد. یک توافق کلی و جامعی وجود دارد که برای دنیا جالب نیست که ایران دارای برنامه اتمی باشد؛ همچنین اوضاعه کرد، زیادهم روشن نیست که بین آمریکا و کشورهای اروپایی در این زمینه نزدیکی فکری برقرار شود. من «نویسنده» متعجبم که چه کسی به «رامزفیلد» این حق را اعطاء کرده تا ایران را مورد تهدید قرار دهد اما سناتور «جان مک کین» که عضو کمیته نیروهای مسلح آمریکا است جوابی بسیار محتاطانه به آلمان هادر زمینه پیشنهاد اقتصادی و سرمایه گذاری در ایران را داد. نماینده جمهوریخواهان در کنفرانسی به خبرنگاران گفت: شما باید خیلی مواظب باشید که با این عمل پاداشی به ایران ندهید که باعث هموار شدن بی ثباتی در منطقه گردد.

رئیس شورای سیاست گذاری خارجی اروپا «خاویرسولانا» از آنچه که منجر به نتایج نامعقول و حل نشدنی انرژی اتمی است به ایران اخطار داد:

در صورت عدم تمکین، ایران در پیچ راهه ظن و سقوط، فقر و شاید هم مواجهه با خطر شود و این برای ما خیلی بد خواهد شد همینطور هم برای خاورمیانه و خود ایران.

موضوع تندر وها

وزیر امور خارجه آمریکا از دولت روسیه خواست که آن دولت بطور کامل ایران را از تولید اسلحه اتمی که تحت پوشش آنهاست جلوگیری نموده و از فروش راکتورهای اتمی به ایران خوداری نماید. خانم «رایس» وزیر امور خارجه آمریکا موضع تندر وهای ایران را در جهت دستیابی به انرژی هسته ای، دولت روسیه را مقصر دانست و گفت: آمریکا نقشه ای برای حمله قریب الوقوع برای ایران ندارد.

من (نویسنده) میدانم بر اساس کدام قانون اساسی یا تحت کدام قانون بین المللی یا «پروتوکل نورمبرگ» دولت آمریکا بخود اجازه چنین حرفی را میدهد که ما به کشوری حمله بکنیم یا نکنیم؟

بطور مطلق هیچکدام از آن قوانین اجازه چنین کاری را نمیدهد. در اولین سفر خارجی خانم «رایس» به روسیه به عنوان متخصص و کارشناس روسیه با وزیر امور خارجه آن آقای «سرگنی لاوروف» ملاقات میکند. من (نویسنده) میدانم ایشان چگونه متخصص و کارشناس روسیه است؟

من فقط میدانم ایشان برای اخذ دکترای خود مطالعاتی در زمینه روسیه و چک بعمل آورده و هرگز هم این کشورها را در انشای نگارش ندیده است. من میدانم که ادعا و تجربه ایشان از روسیه امروزی چیست؟

در حالیکه دولت جماهیر شوروی مدتهاست از هم فروپاشیده شده است. خانم «رایس» در مسافرتی که به خاورمیانه و اروپا داشت گفت:

البته که ما با روس ها همکاریهای لازم را کرده ایم و آنها هم کوشش های خود را برای همکاری با ایرانیان در جهت استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای بعمل آورده اند تا از ازدیاد خطر جلوگیری بعمل آید و تا زمانی که ازدیاد خطر کاسته نشود محققاً میتوان کمی به کاهش تحریم ها کرد.

واشنگتن از این وحشت دارد که آماده سازی و سوخت رسانی به راکتوری که توسط روسها در بندر بوشهر واقع در جنوب ایران ساخته شده ایران را از استفاده صلح جویانه بسوی بمب اتم هدایت کند. ایران استفاده از انرژی هسته ای را برای مصارف غیر صنعتی رد میکند و میگوید برنامه هسته ای آنان فقط برای استفاده صلح جویانه است تا احتیاجات نسل آینده را که روبه رشد است فراهم آورد. «رایس» در پایان سعی در فروکش کردن احتمال حمله نظامی به ایران را داشت و گفت:

تصمیم سوخت رسانی به ایران توسط روسیه مخالف تصمیمات متخذه دیپلوماسی بین المللی است. در لندن از «رایس» پرسیده شد آیا آمریکا قصد انجام عملیات نظامی علیه ایران را دارد؟ «رایس» گفت: فعلاً چنین قصدی در برنامه آمریکا نیست. قصد ما حل مسئله از طریق دیپلوماسی است.

جواب خانم «رایس» فقط برای فرونشاندن تنش های بین المللی بود.

رئیس جمهور «بوش» گفت ایران (محور شیطنی) است. همانطوریکه قبل از جنگ کره شمالی و عراق چنین مطلبی نیز اظهار شده بود. اروپا با اتکاء به پشتیبانی آمریکا پیشنهاد اقتصادی گسترده ای به ایران میدهد مشروط به اینکه ایران از قصد ساختن بمب اتمی دست بردارد و در صورتیکه پیشنهاد با شکست مواجه شد که سال گذشته آمریکا از ایران میخواهد که در این زمینه گزارشی به شورای امنیت سازمان ملل بدهد در غیر این صورت پس از موافقت دولت روسیه محاصره اقتصادی شروع خواهد شد.

این اطمینان خاطر هست که چنین پیشنهادی توسط دولت های چین و روسیه و توخواهد شد و نقشه «نئو بلشویک» های واشنگتن نقش بر آب خواهد گردید.

در اجلاس سازمان ملل در سوم فوریه رئیس جمهور «بوش» گفت:

امروز ایران بصورت یک تهدید درآمده و حامی تروریست است و سعی در ساختن بمب اتمی دارد در حالیکه ملتش از آزادی محروم هستند ولی استحقاق آزادی را دارند. او گفت رژیم ایران باید غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد و برنامه های توسعه پلوتونیوم را پایان دهد؛ ایران باید دست از حمایت تروریست ها بردارد.

در تهران رئیس جمهور «خاتمی» گفت:

هیچ حکومتی در ایران اقدام به متوقف کردن برنامه های استفاده صلح آمیز از نیروی هسته ای رانخواهد کرد ایران برنامه غنی سازی را در طول مذاکرات با اروپا متوقف ساخته بود. رئیس جمهور «خاتمی» تاکید کرد این عمل موقتی است، سپس اظهار داشت هرگونه حمله نظامی به ایران مهاجم با آتش جهنمی مواجه خواهد شد.

ایران وعده داد در صورت حمله به ایران، با آتش سوزان مواجه خواهند شد.

رئیس جمهور ایران آقای «خاتمی» به آمریکا اخطار کرد در صورت حمله، ایران بصورت یک پارچه و متحد آتش جهنمی برای آنان خواهد شد. این سخنان را آقای «خاتمی» روز بزرگداشت انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۹۷۹ اتفاق افتاد در جشنی که توام با سرمای بسیار شدید بود ایراد کرد. مبادله این سخنان افزایش روز افزون اختلاف بین آمریکا و ایران رانشان میدهد.

دولت آمریکا ایران را متهم به ادامه توسعه برنامه اتمی کرد در حالیکه ایران اظهار میدارد ما انرژی اتمی را برای مصارف صلح جویانه میخواستیم. آیا این ملت اجازه میدهد که پاهای خشمناک به سر زمین آنها برسد؟

این سنوالی بود که «خاتمی» در یک حمایت از ملت ایران کرد و او گفت:

اگر خدای ناکرده چنین واقعه ای رخ دهد تجاوزگران با آتش سوزان مواجه خواهند شد. در همین حال ملت فریاد (مرگ بر آمریکا) سر دادند.

این سخنان از زبان شخصیتی شنوده میشود که اوبعنوان انسانئ میانه رومعروف است.

بموجب موافقتی که بین دولت انگلیس، فرانسه و آلمان بنمایندهای از طرف اتحادیه اروپا بعمل آمد مقرر گردید در طول مدت مذاکره در مورد کمکهای اقتصادی، فنی و سیاسی دولت ایران غنی سازی اورانیوم را متوقف کند ایران هم اظهار داشت که ظرف مدت سه ماه تصمیم خود را مبنی بر ادامه یا متوقف کردن غنی سازی اعلام خواهد کرد تا زمان بیانات «خاتمی» بعضی ها اشاره کرده بودند که ممکن است وضعیت اخیر در مورد مذاکرات اتمی، ایران رو به نرمش و انعطاف پذیری بگذارد.

«حسن روحانی» گفت:

ایران در صدد حل اختلافات با دولت آمریکاست.

اما «خاتمی» مصرأ درنطقش گفت:

ایران خدشه ای به برنامه های فنی هسته ای خود وارد نمی آورد و آنرا برحسب درخواست غیر منطقی متوقف نخواهد کرد ماتصمیم به جهش بسوی پیشرفت های فنی که مشتمل بر تکنولوژی صلح جویانه و تداوم آن هستیم ملت ایران به دنبال جنگ، خشونت و مجادله نیست اما دنیا باید بداند که ایران هرگز تهاجم را نمی پذیرد و بطور متحدباقیست و درمقابل هرگونه مهاجمی باهر اختلاف درونی که داشته باشد ایستادگی میکند.

این اختلاف اشاره ای به مشکل بین اصلاح طلبان و تندروهاکه در بین آنهاشکافی ایجادشده میباشد نمیکند.

هزاران تن در سرمای سخت و بارش برف در میدان آزادی مشغول گوش دادن به سخنان رئیس جمهور «خاتمی» در مراسم سالروز بزرگداشت انقلاب که باعث اخراج محمد رضا پهلوی و روی کار آمدن مآلهای تندرو به قدرت شده، بودند. سخنان اخیر «خاتمی» یک جنگ لفظی بین آمریکا و مقامات رسمی دولت ایران بود که بعدازسخنرانی خانم «رایس» که گزینه حمله نظامی به ایران را درصورت عدم پذیرش مطرح کرده دست از موضع خودشان برنداشته بودند. خاتمی گفت:

تصمیم ماه نوامبر ایران به تعلیق غنی سازی اورانیوم بصورت داوطلبانه و بمنظور نشان دادن حسن نیت و قبول به سازمان بین المللی انرژی اتمی و مذاکره کنندگان اروپائی که ایران راتحت فشارقرار داده بودند بود و تصمیم سیاست تعلیق براساس سیاست (آی- ای- نی- ای I.A.E.A) باهدف اطمینان دادن به سازمان ملل ودبیر کل آن بخاطر محاصره اقتصادی.

پاسخ ایران به سخنان جنگ طلبانه سیاستمداران آمریکائی

«محمد خاتمی» رئیس جمهور ایران گفت:

هیچ حکومت ایرانی دست از دستیابی به تکنولوژی هسته ای صلح آمیز برنخواهد داشت حتا غنی سازی اورانیوم.

«خاتمی» در سخنان تندی در حضور سفرای کشورهای خارجی اخطار کرد که اگر ایران از نتایج کلی مذاکرات کشورهای اروپائی در مورد انرژی هسته ای راضی نباشد سیاست جدیدی اتخاذ خواهد کرد. ما ضمانت می‌دهیم که از انرژی هسته ای برای مصارف نظامی استفاده نکنیم چون ما مخالف آن هستیم زیرا معتقدیم که آن نمیتواند پایگاه قدرت باشد اما از استفاده صلح آمیز تکنولوژی هسته ای دست برنخواهیم داشت. نه حکومت من و نه سایر حکومت های دیگر نمیتوانند مسئولیت جبران ناپذیرا در مقابل ملت ایران جهت متوقف ساختن این تکنولوژی بعهده بگیرند.

ایران اتهامات دولت آمریکا رامبنی بر توسعه سلاحهای اتمی در پوشش برنامه های هسته ای غیرنظامی را انکار و رد میکند. تهران در اثنای مذاکرات هسته ای با اروپا کلیه فعالیتهای انرژی هسته ای که مربوط به غنی سازی بود را بحالت تعلیق درآورد و پیشنهاد شد در صورتی که ایران بطور دائم دست از فعالیت هسته ای جهت ساختن اسلحه اتمی بردارد روابط تجاری را برقرار خواهند کرد ولی «خاتمی» گفت:

ایران هرگز دست از غنی سازی جهت سوخت نود درسد بر نخواهد داشت. وی خاطرنشان کرد که صبرایران در مورد اروپا رو به گاهش است. غنی سازی حق مسلم ماست و از آن دست برنخواهیم داشت ما بطور دلخواه غنی سازی را متوقف کردیم تا حسن نیت خود را نشان دهیم اما مکررا تاکید میکنیم با توجه به صبوری ما اگر احساس کنیم که دیگران وفای بعهده نکنند تحت هیچ شرایطی ما را از ادامه دادن و رسیدن به اهدافمان متوقف نخواهند کرد. ما سیاست تازه ای اتخاذ خواهیم کرد که نتایج آن بسیار بزرگ و مسئولیتش بعده آنانی خواهد بود که پیشنهادات ما را رد کردند. اگر آمریکابه ایران حمله کند نیروی نظامی آن مواجه به اسلحه ای خواهد شد بنام «اسکندر» که یک موشک میان برد قاره پیماست.

فروش موشک اسکندر به ایران و سوریه

خبرگزاری آژانس (آر-آی-ای R.I.A) نووستی اعلام کرد که آزمایش موشک جدید بنام (اسکندر) تکمیل گردیده است. رئیس جمهور «پوتین» به وزیردفاع روسیه «سرگئی ایوانف» گفت:

میشود (اسکندر) را سریعاً مستقر و استفاده نمود؟ وزیرپاسخ دادامکانش میسر است.

سایر خبرگزاریها هم همین نوع خبر را که امکان استفاده نظامی از (اسکندر) در سال ۲۰۰۴ میسر است را تأیید کردند. ارتباط موشک جدید که غیراتمی است با سایر موشکهای قدیمی تر نظیر (اس اس - ایکس - ۲۶) که به عناوین استون،^{۸۸} تندر و اسکندر-ئی (این نسل از موشکها قبلاً به بازارهای ایران و سوریه صادر شده اند) شناخته شده اند وجود دارد. همان طوریکه در گزارش محاسبات امنیت ملی سال ۲۰۰۱ در مورد موشک های تهدیدی بالستیکی (اس-اس-۲۱) توشکا و (اس-اس-۲۶) اسکندر آمده هر دو آنها پیشتر در خدمت ارتش روسیه بوده و بصورت موشک اتمی برد کوتاه کاربرد داشته اند.



موشکهای (اس-اس-۲۱ و اس-اس-۲۶) اس-آر-بی-ام-اس) نیروی زمینی ارتش روسیه را برای مقاصد کلی نظامی با سرعتی دقیق و کامل و توان اصابت عمیق به هدف تجهیز نموده است. گزارشی در سال ۲۰۰۳ وجود دارد که موشک (اس-اس-۲۶) اسکندر تحت اصلاحات دیگری قرار گرفته و خبرهای آن نیز تاکنون دال بردقت عمل این موشکها میباشد که اسلحه ایست بسیار دقیق و حساس که تاکنون توسط دولت

روسیه ساخته شده و حالا هم در خدمت ارتش جمهوری اسلامی ایران است. گفته میشود موشک جدید اسکندر توان حمل بمب اتمی و کلاهک اتمی را دارد و همچنین گفته شده است که این موشک جانشین بسیار شایسته و خوبی بجای (اس-اس-۲۱ ب) توشکا یو، میباشد بدون آن که شباهتی به توشکا داشته باشد. گفته میشود که (اسکندر) موشکی است که جای هر دو موشک عمل میکند و به راحتی میتوان آنرا مجهز نمود. (اسکندر اس-اس-۲۶) موشک بالستیکی با برد کوتاه است و طوری طراحی شده که میتواند بادقت به اهداف داخلی دشمن اصابت نموده و آنرا متلاشی نماید. موشکی است اتمی با ضربات نوترونی الکترومغناطیس و کلاهک اتمی رخنه گر.

این موشک به نحوی طراحی شده که از نظر جمع بندی زمانی و استفاده از آن قابل مقایسه با موشکهای نظیر (اسکاد) ویا توپ های (ام-ام-۱۵۵) آمریکا نمیشود. (اسکندر) قابلیت و توان ضدحمله بسیاری را

داراست و تواماً سهولت در حرکت، (اسکندر) ثابت کرده است که میتواند اهداف نظامی را در هوا و حتا بمشکل تراز آن هم بخوبی ضربه وارد آورد.

در ارتش روسیه (تی-بی-ام) جایگزین (اسکاد) شد این موشک ها دارای ارزش فوق العاده ای هستند زیرا قابل حمل، دوربرد و شامل سیستم (تی-ئی-ال)^{۸۹} بوده و هروسیله نقلیه هم میتواند حامل دو (اسکندر تی-بی-ام)^{۹۰} باشد هروسیله ای که موشک (اسکندر) را حمل میکند در همان وسیله باطریهای مخصوص اسکندر نیز جایگزین میگردد این نسل موشک، موشک های ۱۵۵ میلیمتری آمریکائی را اسلحه ای قدیمی و منسوخ شده بحساب میآورد.

تلویزیون کانال یک مسکوقسمتی از مشخصات فنی این موشک ها را به معرض تماشای عموم قرار داده بود و آنرا نسل جدیدی از سلاح نظامی روسیه معرفی کرد. از نکات جالب این موشک آن است که میتواند لیستی از اهداف اضافی را به آن داده و این اهداف میتواند شامل سیستم موشکی دوربرد، از هواپیما به زمین، دفاع هوایی، ضد موشک دفاعی و مرکز کنترل ارتباطات باشد. این خبرگزاری همچنین اضافه کرد خصوصیات فنی این سیستم نشان میدهد که موشک های دفاعی آمریکا سیستم (پاتریوت) قادر به مقایسه و مقابله با آن نیست.

موشک (اسکندر) بصورت (تی-بی-ام) از نوع موشک های بی نظیری است که با دقت بالائی توسط روس ها ساخته شده در این موشک ها از سیستم (تی-بی-ام) استفاده شده که دارای سیستم ردیابی بسیار دقیق (آی-ان-اس) (گلوناس، جی-پی-اس) و سیستم رادار با امواج میلیمتری که دارای دقت و عملکرد در هر شرایط جوی است. موشک (اسکندر) قادر به ضربه وارد آوردن به اهداف در منطقه و در هر محل کوچک خصوصاً سیستم دفاعی هوایی است این موشک میتواند تهدید جدی برای پایگاه های آمریکائی مستقر در عراق و یا هر وسیله حمل کننده ای از طرف اسرائیل باشد. روسیه این سیستم را در دسامبر سال ۲۰۰۴ جایگزین کرد. از این نوع موشک ها نیز در ایران نصب شده است.

(اسکندر) میتواند (پاتریوت) را از رده رزمی خارج کرده و جانشین آن گردد، تجهیز ایران و سوریه به این سلاح بنظر میرسد که برای آمریکا بطور انکار ناپذیری روشن است تجهیز این کشورها به سلاحهای بالستیکی که جزئیات آن در بالا شرح داده شد میتواند برای سایر کشورها خطرناک باشد. مجله (جنز) که مرجع اصلی گزارشات تسلیحاتی است لیستی از خصوصیات این موشک ها را بچاپ رسانده است این خصوصیات فنی عبارتند:

برد پروازی ۲۸۰ کیلومتر، وزن موشک ۳۸۰۰ کیلوگرم، وزن کلاهک ۴۸۰ کیلوگرم نوع کلاهک کلاستر Sub-munition 54 با قدرت انفجار بسیار شدید و پُر نفوذ. تعداد موشکهای مستقر در سکو: دو عدد.

اسرائیل بسیاریانگران استقرار موشک های (اسکندر) در خط جبهه های بلندی های جولان است زیرا در چنین موقعیتی تمام خاک اسرائیل مورد اصابت موشک های (اسکندر) خواهد بود. این موشک ها قادر هستند تمام اهداف خود را در اسرائیل با احتساب ۲۰ متر اختلاف مورد اصابت قرار دهند. گفتگو در مورد تحویل این موشک ها به سوریه در ۲۴ ژانویه بین «بشار اسد» که در حال بازدید از روسیه بود

⁸⁹ - Transport Erector Launcher

⁹⁰ - Tactical Ballestic Missile

صورت گرفت. در اوایل فوریه سال ۲۰۰۵ دولت سوریه علاقه خود را بخريد (اسکندر اس ۳۰۰ و پی - ام - یو ۲) که بسیار مورد علاقه سازمان دفاع هوایی سوریه بود و همچنین مجموعه (تاپ ام- آی) اعلام داشت علاوه بر مسایل فوق سوریه درخواست دیگری برای (کرنیت) و موشک های ضد تانک (متیس) که از بهترین های دنیا است به روسیه اعلام داشت.

این اسلحه ی ضد تانک بسیار قوی میتواند ویرانی و تخریب عظیمی برای تانک های آمریکائی ببار آورند چنانچه اسلحه (ابراهام) که بالیزر هدایت میشود میتواند ضد موشک برای (تی - اُ - دبلیو) آمریکائی که صدا را تعقیب میکند کاربرد داشته باشد. ایران پیشتر به این اسلحه مجهز بود و سیستم تدافعی هوایی آن ضد هر موشک با هرگونه سرعتی که بطرف اهدافش شلیک شود عمل میکند. (اس ۳۰۰) دفاع هوایی میتواند صدها هدف هوایی را در یک زمان در هوا هدف قرار دهد.

نخست وزیر اسرائیل «ارنیل شارون» در هنگام بحران روابط بین روسیه و اسرائیل از آمریکا خواست که از نظر سیاسی فشار به روسیه وارد آورد تا این مشکلات را حل و فصل نماید.

بیانیه مربوط به امکان تیره شدن روابط روسیه و اسرائیل در اوایل سال بود.

در چهارم ژانویه آقای «شارون» یک گردهمایی در هئیت دولت خود جهت رسیدگی به روابط دولت روسیه و اسرائیل برگزار کرد جراید اسرائیل در آن زمان اعلان داشتند که در این اجلاس بحث در مورد ارتباط غیر دوستانه ایست که دولت روسیه علیه دولت اسرائیل اعمال نموده و چگونه اسرائیل باید پاسخگوی این عمل باشد؟ هر چند که جراید مشخص نکردند که علل گسستگی روابط دوجانبه مبنی بر چه عواملی بوده است. چندی بعد هم سفیر دولت اسرائیل در مسکو آقای «آرکادی میلن» باشتاب به اسرائیل فراخوانده شد و برنامه ملاقات وزیر امور خارجه روسیه آقای «الکساندر سال تانوف» از اسرائیل که در آن وقت بعنوان ناظر انتخابات ملی فلسطین حضور داشت بدون هر گونه توضیحی متوقف شد.

اسلحه های تهاجمی دیگری توسط دولتهای روسیه و چین به ایران تحویل داده شده تادرسورت حمله نظامی آمریکا به ایران مورد استفاده قرار گیرند. این اسلحه ها شامل (سانبرن) موشک سوپر سونیک هوشمند است که وقتی شلیک میشود به هیچ طریقی نمیتوان آنرا متوقف کرد. این اسلحه میتواند نقش موثری در تهدید علیه ناوگان دریائی آمریکا مستقر در خلیج فارس، دریای مدیترانه ویا دریای سرخ باشد علاوه بر آن ایران موشک بسیار خطرناک (گرانیت) که ۱۵ سال از هر گونه موشک آمریکائی



پیش افتاده تراست را دارامیباشد.

شهرهای ایران توسط مدرن ترین وسایل ضد هوایی و تدافعی حمایت میشوند این وسایل شامل (آی - جی - ال - ای - اس ۱۸) که از روی شانه شلیک میشوند مثل موشک سام که برای انهدام (رویال انر فورس) (سی ۱۳۰) در دسامبر گذشته در عراق بکار گرفته شده بود میباشد. این یک موشک بسیار مدرن زمین به هواست که نمیتوان آنرا بعد از شلیک متوقف یا فریب داد زیرا این موشک مجهز به هدایت کننده لیزری است.

ارتش ایران میتواند با یک اشاره دومیلیون تن را بلافاصله احضار نماید این رقم میتواند تا هفده میلیون تن نیز بالغ شود مدت زمان این احضار بین دو الی سه هفته خواهد بود.

حمله به ایران پراز پیچ و خم و کاری بس دشوار است و ادامه آن مشکلات فراوانی را دامن گیر میشود.

ایران در سال ۲۰۱۱

فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ژنرال «حسن شاه صفی» اعلام کرد که (فدائیان حرم ولایت سه) تمرین های هوایی خود را ناحیه شمال شرقی ایران به نحو بسیار خوبی به پایان رسانیده اند. «شاه صفی» به خبرنگاران گفت:

به اقرار تمام ناظران و متخصصین، تمرین یا رزمایش نیروی هوایی بزرگترین رزمایشی از ابتدای انقلاب (سال ۱۹۷۹) است که در این رزمایش عملیات جمعی درست مشابه با شرایط جنگ سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۸ با عراق بود. این رزمایش نشان داد که توان دفاعی ارتش و ابعاد آن بخلاف آنچه که بداندیشان جمهوری اسلامی میگویند گسترش زیادی یافته و ملت ایران را به امنیت رسانده است.

در جریان تمرین هایی که در ششم سپتامبر شروع شد جنگ های الکترونیکی توسط جنگنده های جت به اجرا گذاشته شد این تمرین ها توسط جت های ساخته شده توسط ایران بنام های (سائقه و آدرخش) ضمن بمب باران کردن موفقیت آمیز اهدافشان باروش کامل (سکوت رادیویی) صورت پذیرفت.

(سائقه و آدرخش) بین اسکادران های مختلف نیروی هوایی ایران تنها جنگنده هائی هستند که میتوانند در شب اهداف ثابت و متحرک خود را در سکوت کامل رادیویی تعقیب و مورد اصابت قرار دهند.

وسایل مختلف، تاکتیک های متعدد و وسایل رزمی گوناگون در چهار رزمایش مورد استفاده قرار گرفت.

صفی از جت های جنگنده، جنگنده های بمب افکن، هواپیماهای باری و حمل و نقل همچنین (اف ۵، اف ۴، سوخوی ۲۴) و بمب افکنهای (میگ ۲۹) و هواپیماهای لوجستیکی (سی - ۱۳۰) در کلیه تمرین ها و رزمایش ها بکار گرفته شدند.

سخنگوی رزمایش های نیروی هوایی ژنرال «حسین چیت فروش» قبلاً هم اعلام کرده بود که ایران فرماندهی و کنترل جدیدی را در این رزمایش به نمایش خواهد گذاشت. همچنین درگیرودار رزمایش، نیروی هوایی اقدام به آزمون شلیک بمب های هوشمند (قاصد) خود کرد. بمب ۲۰۰۰ پوندی قادر هستند تا ۵۵ مایل فاصله را طی کرده و هدف ناوبری و یا کنترل را مورد اصابت قرار دهند در مرحله آخرین رزمایش ژنرال «محمد علوی» اعلام داشت که ایران بطور موفقیت آمیزی موشک هوشمند مجهز به رادار خود را نیز به آزمون گذاشت این موشک قادر است اهداف متحرک را با صد در صد دقت مورد اصابت قرار دهد.

«علوی» گفت: موشک هوا به زمین از جت جنگنده (سوخوی ۲۴) در اثنای تمرین در شمال شرق ایران شلیک شد و توانست هدف متحرک خود را صد درصد تخریب نماید. نیروی هوایی ایران همچنین شلیک لیزری، ترمینال و تلویزیونی که موشک ها را راهنمایی میکرد در مقیاس درجات مختلفی در اثنای رزمایش مورد آزمون قرار داد؛ ایران در سالهای اخیر در صنایع هوایی موفقیت شایانی کسب نموده و همچنین توانسته است در زمینه تکنولوژی ساخت هواپیماهای نهانکار بدون صدا دست یابد. در سال ۲۰۰۸ صنایع دفاعی ایران توانست خط تولیدی هواپیماهای جنگنده جت را بنام های (سائقه و آدرخش) را راه اندازی نماید.

ایران در ماه جون رادار پوششی (یو-ای-وئی) ساخت خود را همراه بمب افکنش به نحو موفقیت آمیزی آزمایش نمود. ایران ساخت اسلحه را درگیرودار جنگ ۱۹۸۰-۱۹۸۸ جنگ تحمیلی عراق توسعه داد تا محاصره اقتصادی آمریکا را جبران نماید.

از سال ۱۹۹۲ ایران تانکها، اسلحه نفر بر، موشک ها و جنگندهائی را تولید کرد و اظهار داشت که ساخت این اسلحه ها فقط بمنظور خدمت در امر تدافعی است نه بمنظور عمل تهاجمی به سایر کشورها.

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران به دولت ترکیه در مورد دخالت در امور سوریه اخطار داد، دریک مقاله مندرج شده در نشریه هفتگی (صبح صادق) از زبان شخصیتی بلند پایه از سپاه پاسداران نقل میکند که ترکیه نیروهای نظامی خود را در جهت تامین نظرات کمپین شرقی ها بمنظور بی ثبات کردن رژیم «بشار اسد» وارد سوریه کرده اند. همین منبع گفت: ترکیه سعی در ایجاد بلوایی در سوریه دارد که هم مرز با آن کشور است در آن نوشته آمده است که به ترکیه اخطار شده است که ایران دخالت ترکیه را در سوریه تحمل نخواهد کرد.

همان مقاله میگوید: همه دنیا از ارتباط بین سوریه و ایران مطلع هستند و ایران هم کتمان نمیکند اگر ترکیه در رفتارش تاکید بر دخالت و قصد به ادامه این حرکت را داشته باشد مطمئناً حوادثی را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه ما را در شرایطی قرار میدهند که بین سوریه و ترکیه یکی را انتخاب کنیم.

وقتی سوریه را در ترازوی قضاوت قرار دهیم می بینیم که سوریه از نظر ایده لوژی هم سنگ ایران است و ایران هم سوریه را ترجیح خواهد داد. این مقاله زمانی بچاپ رسید که «علی خامنه ای» رهبر جمهوری اسلامی رئیس جمهور آمریکا «اوباما» را از دخالت در سوریه منع میکرد و به ترکیه نیز اخطار داد تا از همکاری با واشنگتن در امر استقرار موشک های دفاعی «ناتو» که میتواند توان موشک پرانی ایران را بسوی اروپا متوقف کند خودداری نماید. همچنین «خامنه ای» تهدید کرد که ترکیه میتواند هدف بسیار مناسب برای موشک های ایرانی باشد. در مقاله سپاه آمده است که: از دیدگاه ایران این رهبر سوریه است که مسائل مربوط به خودشان را حل و فصل نماید، اگر هرچه زودتر دخالت بیگانگان در آنجا متوقف شود سوریه بلافاصله به حالت اولیه خود باز خواهد گشت.

«ادواردو دل بویی»^{۹۱} سخنگوی سازمان ملل و منشی آقای «بان کیمون» روز جمعه گفت:

(بر اساس خبرگزاری ایرنا) سازمان ملل نیاز به دستیابی و تصدیق صداقت خبری که آقای «سارکوزی» به آن اشاره کرده است دارد. او ضمناً اضافه کرد که هرگونه تائید و اظهار نظری در مورد این مسائل نیاز به بررسی بیشتر دارد.

«سارکوزی» روز ۳۱ آگوست ادعا کرده بود که ایران مساعی خود را برای ساخت موشکهای بابر بال و اسلحه اتمی برای حملات پیش فرضی به کشورهای فرضی آماده کرده است. اتهام آقای «سارکوزی» علیه ایران دقیقاً مقارن با زمانی بود که بازرسان سازمان ملل مشغول بازرسی تاسیسات اتمی ایران بودند و هرگز چنین حادثه ای را گزارش نکردند که ایران مشغول تغیر دادن برنامه استفاده از انرژی اتمی

برای ساختن اسلحه اتمی است. در همین هنگام «جراد آران»^{۹۲} نماینده دائم دولت فرانسه در سازمان ملل مسائله تهدید «سارکوزی» علیه ایران را رد کرده و آنرا اشتباه در گزارش خبرگزاری (ایرنا) عنوان کرد.

آقای محمود خزائی سفیر ایران در سازمان ملل متحد اخطار کرد هرگونه خشنونت علیه جمهوری اسلامی مواجهه با عکس العمل ایران خواهد شد و ایران بدون هیچگونه شک و شبهه ای عکس العمل دفاعی از خود نشان داده و هرگونه حمله به سرزمینش را بدون جواب نخواهد گذاشت. خبرگزاری (ایرنا) هم از شکوائیه ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد آقای «بان کی مون» خبر میدهد.

خزائی آتش افروزی و اتهام بدون پایه و اساس «سارکوزی» را که اخیراً درباره ایران گفته بود مورد نکوهش قرار داد و متذکر شد جمهوری اسلامی فقط موضع دفاعی دارد. یکی از دیپلمات های ارشد جمهوری اسلامی ایران اعلام داشت که اینگونه سخنان ناحق و غیر مسئولانه را محکوم مینماید. «سارکوزی» در ۳۱ اگوست اخطار کرد که ایران مشغول ساخت موشک دوربرد بلند و اسلحه های اتمی است که میتواند برای همسایگان خطر حمله پیشتازانه داشته باشد. اتهام رئیس جمهور فرانسه علیه ایران همزمان با هنگامه ای بود که نمایندگان سازمان ملل مشغول بازرسی تاسیسات اتمی ایران بودند و هرگز هم به عواملی دست نیافتند که ایران انرژی اتمی صلحجویانه را تبدیل به سلاح هسته ای کرده باشد.

ایران شروع به تغییر دادن سانتریفیوژهای خود در جهت تسویه اورانیوم نمود این عمل در محلی مخفی بنام «فردو» صورت میگرفت، این خبر را رئیس بخش اتمی (فردو) اعلام داشت. (فردو) آماده شده است تا تعدادی ماشینهای سانتریفیوژ در آنجا مستقر شود این موضوع را آقای «فریدون عباس دوانی» که عضو کابینه است به خبرنگاران متذکر شد: جابجائی سانتریفیوژها از نطنز به پایگاه (فردو) در حال انجام است و با دقت زیاد و بر اساس استانداردها صورت میگیرد آقای دوانی افزود:

برای این مرحله کار هیچ عجله ای نداشتیم. سایت (فردو) بطور خیلی محرمانه ای در اعماق کوههای نزدیک شهر قم در نود مایلی جنوب شهر تهران ساخته شده. علنی شدن موضوع فوق توسط قدرت های جهانی در سال ۲۰۰۹ مبنی بر وجود تاسیسات (فردو) که پی آمد آن صدور قطعنامه محاصره اقتصادی از طرف سازمان ملل علیه رژیم جمهوری اسلامی شد. آقای عباس دوانی نگفت چه نوع سانتریفیوژ به پایگاه (فردو) منتقل گردیده یا اینکه دستگاههای مذکور قادر به غنی سازی بیست درصدی اورانیوم هستند یا نه.

در ماه فوریه همان سال ایران بخش اتمی سازمان ملل را مطلع گردانید که پایگاه (فردو) آماده نصب سانتریفیوژ میباشد و احتمالاً در تابستان همان سال عملیاتی میشود.

ایران غنی سازی اورانیوم که قسمت حساس و بحث برانگیز برنامه اتمیش است را اخیراً در نطنز، شهری که در مرکز ایران است بمرحله اجرا درآورد که این پایگاه مکرراً توسط دیده بانهای انرژی اتمی سازمان ملل مورد بازرسی قرار گرفته است. در هشتم ماه ژوئن آقای عباس دوانی اعلام داشت که ایران میزان غنی سازی اورانیوم خود را از بیست درصد بیشتر خواهد کرد و محققاً عمل غنی سازی را از (نطنز) به (فردو) منتقل خواهد نمود. ایران تحت چهار مرحله محاصره اقتصادی توسط سازمان ملل قرار گرفت و

آنهم بخاطر عدم توقف برنامه های غنی سازی بود. در تهران یک مقام رسمی گفت: ما مصرانه بر سر ادامه برنامه غنی سازی خواهیم بود. در ماه جولای ایران اعلام داشت که بحد کافی سانتریفیوژ هائیکه بتوانند غنی سازی اورانیوم را ۵ یا ۶ مرتبه سریع تر از ماشین های قدیمی انجام دهد نصب کرده اند.

غنی سازی اورانیوم میتواند کاربردی برای تولید سوخت و هم کاوشی برای کلاهدک های اتمی باشد. ایران مدعی است که استفاده انبوه از این مواد سوختی فقط برای آینده نگری در طرح های انرژی اتمی و همچنین تحقیقات راکتور هائیکه قصد ساخت آنها را دارد میباشد برخلاف آنچه که غرب میاندیشد؛ «تهران قصدش ساخت اسلحه اتمی است». جمهوری اسلامی اورانیوم را فقط تا حد سه الی پنج درصد غنی سازی میکند و این آخرین خبری است که بازرسان انرژی سازمان ملل در ماه (می) گزارش کردند.

هیئت دولت «اوباما» به آرامی مشغول تدارک طرح و اجرای طرح کلیدی برای ارسال بمب های موثر در اهداف عمیق و سایر وسائل جنگی به خلیج فارس است. دولت آمریکا کوشش میکند اتحادی با هم پیمانانش در خلیج فارس علیه ایران بوجود آورد این اولین قدم و کوشش در اجرای هدف فوق میباشد. این خبر از طریق روزنامه (وال استریت) نشر گردید. هدف فروش وسائل جنگی بطور گسترده به کشورهای امارات عربی آنست که قابلیت هوانی آنان را برای هدف قراردادن اهداف ثابت تقویت کنند این وسائل جنگی شامل بانکرها، استقرار نوعی تونل هائی است که ایران باور دارد آنها سلاحهای بسیار پیشرفته هستند. انتظار میرود پیشنهادهای فروش اینگونه وسائل جنگی به کشورهای امارات عربی بطور رسمی به گنگره آمریکا ارائه شود تا دولت آمریکا سما اجازه فروش حدود ۴،۹۰۰ جنگ افزار برای اهداف ثابت، جی - دی - ای - ام - اس همراه با سایر سیستمهای جنگی را بدهد. دولت «اوباما» سعی در بوجود آوردن شش عضو از کشورهای خلیج فارس برای مشاورت و همکاری میباشد که این کشورها شامل:

عربستان، بحرین، عمان، قطر، امارات عربی و کویت میباشد که جمعا میتوانند هم سنگ ایران بشوند.

در ماه های اخیر دولت آمریکا بطور منظم مذاکرات استراتژیکی با دولت های فوق داشته است و (پنتاگون) سعی در اصلاح و همکاری با بخش امنیتی و ارتشی آنها دارد تا قابلیت کشورهای فوق را بیافزاید. فروش اسلحه به آنها آنطور که ضبط گردیده حدود ۶۰ بلیون دلار هواپیمای پیشرفته به عربستان فروخته شده که شامل (اف ۱۵) که بعضی از آنها مجهز به دوهزار پاند جی - دی - ای - ام و سایر تجهیزات نظامی پرتوان میباشد. اخیرا (پنتاگون) توجه کنگره آمریکا را به طرح های فروش موشکهای (استین گر)، میان برد و هوا به هوا به عمان جلب نمود. آمریکا احتا قصد دارد که ساختن اینگونه موشک های تدافعی را در سراسر منطقه آغاز نماید هدف از ساختن اینگونه موشکها در منطقه این است که کشورهای فوق بتوانند در مقابل موشک های بالستیک، میان برد و برد کوتاه ایران از خود دفاع نمایند. دولت امارات عربی ناوگانی از هواپیما جنگنده اف ۱۶ دارد که میتوانند بمب های سنگین با خود حمل نمایند. کشورهای فوق اخیراً هم صدها بمب سنگین به اسلحه خانه خود اضافه نموده قصد ساخت چهار هزار ونهصد (۴،۹۰۰) بمب جدید را نیز دارند. مطالب فوق همگی برگرفته از گفتار رسمی یک مقام رسمی آمریکائی میباشد.

«آنتونی کوردز من»^{۹۳} گفت: جنگنده های امارات مجهز به سیستم (جی-دی-ای-ام) و سایر وسایل جنگی هستند که میتوانند توفیق بر ناوگان قدیمی ایران داشته باشند اوکه در مرکز استراتژی و مطالعات بین المللی آمریکا شاغل است همچنین افزود که ایران باید امارات را خیلی جدی بگیرد.

(جی-دی-ای-ام-اس) ساخت شرکت (بوئینگ) است و تسهیلات فروش آن از طریق دولت آمریکا صورت میگیرد بیشتر معاملات اسلحه ها در نشریات آمریکا مندرج نمیشوند مگر کنگره بطور رسمی و نوشتاری با آن موافقت کرده باشد، مشروط به اینکه حدود قیمت و نوع سیستمی که بفروش میرسد را شامل گردد، سخنگوی (پنتاگون) از هرگونه اظهار نظری در این مورد خودداری نمود حتا سفیر آمریکا در امارات نیز در این خصوص اظهار نظری بعمل نیاورد. یکبار هیت دولت اعلام داشتند که قصد فروش اسلحه را دارد ولی قانونگذاران لایحه این معامله را غیر قانونی اعلام داشتند. وزیر دفاع آمریکا «لئون پانه تا» گفت: از نظر آمریکا و متحدانش مجهز شدن ایران به انرژی اتمی غیرقابل قبول است اما تاکید کرد استفاده از قدرت نظامی آخرین گزینه است که میتواند بطور ناخواسته ای بر تمایل آمریکادرسورت حمله نظامی به ایران اثر بگذارد. حمله به ایران میتواند بسیار خطر جدی برای منطقه باشد و بهمان طریق برای آمریکا و نیروهای مستقر اودر منطقه.

آخرین خبر از (آی-ای-ئی-ای) در مورد استفاده صلح جویانه ایران از برنامه اتمی آنست که ایران متهم به استفاده از انرژی هسته ای برای مصارف نظامی است. ایران این اتهام را رد کرده و اعلام کرد که این اتهامات نا متعادل، غیر حرفه ای و بر اساس انگیزه های سیاسی تهیه شده آنها تحت فشار های شدید سیاسی که عمداً از طریق آمریکا به آژانس مذکور وارد آمده است. آمریکا و هم پیمانانش ایران را متهم به دنبال کردن برنامه های نظامی اتمی و استفاده نا مطلوب از آن کرد تا سازمان ملل را مجبور به اجرای مرحله چهارم محاصره ی اقتصادی نماید.

(پرس تی وی) مصاحبه ای را با «فیلیپ جی رالدی» تحلیل گر (سی-آی-ای) از واشنگتن بعمل آورده که بحث آن در مورد آخرین گزارش مدیر (آی-ای-ئی-ای) آقای «یوکیا آمانو» میباشد.

پرس تی وی: اولین اتهام زده شده به ایران نقشه قتل سفیر عربستان است سپس نقض حقوق بشر و در پایان استفاده از اسلحه های اتمی است. اینگونه بنظر میرسد که اتهامات وارده به ایران توسط دولت آمریکا پایان ناپذیر است.

«جرالدی»: نه اینطور نیست، من فکر میکنم تمام این اتهامات روزی بطور هماهنگ در شرایط خاص برملا خواهد شد تصور من بر آن است که طرح هیئت دولت آقای رئیس جمهور «اوباما» بر اساس فشار به ایران بنا نهاده شده است؛ من فکر میکنم هدف اصلی احتمالا آن است که با اعمال این فشارها آمریکا ایران را تحت فشار گذاشته تا اسرائیل را از هر گونه حمله به ایران منصرف نماید.

پرس تی وی: این بازی تاکجا پیش خواهد رفت چرا آمریکا میخواهد مسائله آژانس بین المللی انرژی هسته ای را در انحصار خود آورد؟

«جی رالدی»: آمریکا حقیقتاً نمیخواهد که سازمان مذکور را در انحصار خود درآورد حقیقت آن است که آمریکا قادر است از هم پیمانانش به نحو احسن استفاده نماید در این حالت است که من فکر میکنم آمریکا تاثیر گذار روی زمان خروجی این خبر باشد همچنین من باور دارم که بالاخره خواهیم فهمید که تمام این خبر ها که دال به اتهامات است یا از طریق سرویس های امنیتی آمریکا یا اسرائیل ناشی میشوند، بنابراین باید به این خبرها که شایعه آسا درز میکنند بادقت مواجه شد. من فکر میکنم اینگونه خبرها را با شک تلقی نمود.

پرس تی وی: این چه ارتباطی باقول «اوباما» دارد که میخواهد تماس جدیدی با ایران داشته باشد؟

«جی رالدی»: من فکر میکنم که مشکل «اوباما» این است که او واقعا میخواهد به ایران نزدیک شود درحقیقت به جهان مسلمانان، اما سیاست های داخلی ایالات متحده آمریکا را ملحوظ نظر دارد خصوصاً احتیاج او به دوباره انتخاب شدن از یک سو ومواجه او با لابی های اسرائیل ودوستانش ازسوی دیگر او را با روش احتیاط آمیزی روبرو ساخته است، اوفهمیده است که این جنگی است که پیروزی درآن میسر نیست بنابراین من براین اساس فکر میکنم که اوتصمیم گرفته نوعی بازی را شروع کند که مورد علاقه اسرائیل ونیازهای آنان باشد تا در انتخابات آتی پیروز از آب درآید. این برای آمریکا بدبختی است همچنین برای اسرائیل وایران.

چین ازماه گذشته شروع به دادن طرح ساخت موشک به ایران را کرده است حتا باوجود آنکه (پکن) ازطرف متحدانش نظیرآمریکا بافشار مواجه شده بود تادرمورد محاصره اقتصادی ایران به خاطر برنامه های اتمی اش روش سخت تری را اتخاذ کنند. این خبرها را خبرگزاری هفتگی (جنز دیفنس) درج نموده بود.

روابط نظامی ایران وچین به دو دهه قبل برمیگردد زمانی که دولت روسیه از حمایت ایران در زمینه تحویل سیستم موشک های دفاع هوایی که کاربرد علیه موشک های هوایی اسرائیل وآمریکارا دارد آغاز گردید.

«ربرت هیوسن» سردبیر مجله جنز در هفتم مارچ خبر از باز شدن کارخانجات ساخت ومونتاز کردن قطعات موشک های «نصر یک، پیروزی یک وضد موشک کشتی» را داد. خصوصیات فنی (نصر) مثل موشک ضد کشتی (سی - ۷۰۴) چینی هاست.

«هیوسن» گفت: شکوفائی صنایع دفاعی ایران تحت کنترل سپاه پاسداران است که توانست موشک های

ضد کشتی که طرح آن چینی است ومشابه (سی -

۸۰۱) متعلق به سال ۱۹۹۰ است تولید کند. (سی

۷۰۴) که توسط گروه هوا فضای چین که اهداف

آن کشتی هائی به ظرفیت ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ تن

میباشد که معادل موشک های (ای - جی - ام ۱۱۹) موشک ضد موشک دریائی آمریکا است.

AGM-119 Penguin



موشک های مذکور بُرد ۱۰۶ مایل با وزنی در حدود ۲۴۰ پوند با کلاهک میباشد. (سی ۷۰۴) ها احتمالاً ۹۵,۷ درصد قدرت کشندگی دارد ایرانی ها با مساعدت چینی ها نسل جدیدی از آنرا بنام (نصر) تولید کردند.

ایرانی ها با مساعدت چینی ها این نوع موشک هارا تغییر داده و نسل جدیدی از آن بنام (نور) تولید کردند که معادل نسل چینی (سی - ۸۰۲) است با بُرد طولانی تر از موشک اصلی و قابلیت تغییر بیشتر.

در حقیقت «هیوسن» مشاهده کرد که ایرانیان از چینی ها سبقت گرفته اند خصوصاً در ساخت (سی ۸۰۲) که قبلاً فقط اسلحه ای برای شلیک به زمین از طرف کشتی بود ولی حالا این موشک کاربرد شلیک هوایی هم دارد که میتواند از هلی کوپتر شلیک شود و دارای سرعت بسیار زیادی نیز می باشد. طی این سالها ایران در ساخت و تولید موشک های ضد کشتی که سیستم آنها چینی است موفق بوده و با این اسلحه ها نیروی دریایی سپاه قادر خواهند بود که آب های خلیج فارس را تحت کنترل خود بگیرند و این همان منطقه ایست که اگر حادثه ای رخ دهد نیروی دریایی آمریکا بشدت ضربه خواهد خورد. روز شنبه گذشته سپاه پاسداران به تمرینات سه روزه خود بنام «پیامبر بزرگ» که در تنگه هرمز برقرار کرده بود خاتمه داد، تنگه هرمز گلگاه و دروازه خلیج فارس است که محلی استراتژیکی جنگی علیه ایالات متحده آمریکا میباشد.

(نصر) موشک میان بُرد است که میتواند از کشتی های جنگی و همچنین پایگاههای زمینی شلیک شود تولید انبوه آن افتخاری برای ایران محسوب میشود و هر زمان که ارتش ایران اراده کند آماده حمله و جنگ آوری است.

«هیوسن»: چین به تمهیدی زیرکانه و مکارانه ایران را کمک کرد تا عهده دار آب های بین المللی محیط خود باشد و این روش هنوز بین دولت ادامه دارد.

متعاقباً هم تولید نسل جدید موشکهای نصر را توسعه داد که نوعی از موشکهای پرتابی هوایی بود. همکاری های فنی دیگری در برنامه های موشک سازی به سبک و طرح چینی که فقط جنبه اسلحه ی صادراتی داشت و بنظر میرسید که در ایران ساخته خواهد شد بعمل آمد (نظیر سی ۷۰۵ از نوع موشک های سبک) با چنین رابطه محکمی که بین ایران و چین بوجود آمده جای تعجب نیست که چین در مقابل فشارهای غرب برای محاصره اقتصادی ایران مقاومت بخرج بدهد. چین مشتاق منابع نیرو و سوخت برای توسعه اقتصادی است حدود دوازده درصد از واردات نفت چین از ایران است و اوکوشش میکند که خطوط نفت و گاز ایران در حفاظت قرار گیرد و این هم یکی دیگر از عوامل محاصره اقتصادی ایران توسط سازمان ملل متحد است. «هیوسن» میگوید: چینی ها هیچگونه شکی در مورد تولید موشکهای (نصر) در کارخانجات ایران که توسط وزیر دفاع متعصب سرتیپ «احمد وحیدی» بوجود آمده ندارند؛ بلکه این حادثه عامل دیگری در مستحکم کردن ادامه روابط نظامی و صنعتی بین دو کشور میباشد.

«هیوسن» مشاهده کرد برخلاف دولتهای روسیه و چین.... ایران بطور موفقیت آمیزی در پذیرش تکنولوژی قابلیت داشته و محققاً آنرا نیز طالب است که درست در تغافل آن چیزهایی میباشد که داشتن آن خوب است. راهی بین جناحهای مقامات بالای ایران (حتا مقامات ارتشی) گشوده گردیده تا در خرید محصولات ساخت پکن اعتماد نشان دهند و در عوض چین هم در ایران صاحب نفوذ شده و بدین وسیله توانسته است به منابع طبیعی ایران دست یابد. در حالیکه چین بر اساس چنین روشی ایران را برای تهیه

تکنولوژی موشک هاکمایت میکرد که این عمل خیلی کم ویا هیچ تاثیری درتوان ایران روی ساخت موشکهای بالستیکی نداشت.

«هیوسن» نتیجه گیری میکند که سلاحهای استراتژیکی ایران درنهایت درجنگ با آمریکا ازبین خواهد رفت اما بهر صورت سلاحهای جنگی میتواندخطری برای برهم زدن توازن منطقه باشد.

دولت «اوباما» با طرح ساختگی برنامه ریزی ترورتوسط ایران چراغ سبزی به دولت اسرائیل بمنظور حمله به ایران ظرف دو هفته آینده نشان داد این گزارش براساس منبع موثق ارتشی افشاء گردیده است.

اسرائیل معتقد است که کشورهای بزرگی مثل آلمان بطور خیلی آرام وبانرمش با دولت ایران ارتباط برقرارمیکنند واجازه میدهند که ایران به غنی سازی اورانیوم برای برنامه های اتمیش ادامه دهد.

یک روزنامه دو ماهه ای اعلام داشت اسرائیل فرصت داشت تاحملات نظامی راعلیه ایران صورت دهد ولی چون مواجه با زمستان گردیداینگونه حملات نمی توانست انتخاب مناسبی باشد.

در سوم اکتبر وزیر دفاع آمریکا آقای «لئون پانه تا» بازدیدی از تل آویو بعمل آورد در این بازدید اسرائیلی ها سعی در قانع ساختن او در ستیزه جوئی وگرفتن چراغ سبز برای حمله به ایران بودند.

کمتر از ده روز بعد، ترور کاملاً تخیلی را سرهم کردند که ایران یک فروشنده ماشینهای دست دوم را ترور کرده تا بدین بهانه قصد حمله نظامی به ایران را تدارک ببینند.

«پاتریک سیل» ازخبرگزاری خلیج:

هفته های اخیر بحث تنش برانگیزی درون ارتش اسرائیل وجریانات امنیتی در موردحمله یا عدم حمله به تاسیسات اتمی ایران به وقوع پیوست، مسئله کلیدی این بگومگواین بود که چگونه اطمینان حاصل کنند که آمریکا دراین حمله بااسرائیل همکاری خواهدکرد و یا اینکه درصورتی اسرائیل ماشه جنگ تمام عیار را بچکاند آمریکا مداخله خواهد نمود؟

برای اینگونه مداخله نیاز به اعلان یک ترور ساختگی دارد درست ودقیقاً نظیر آنچه که ماه گذشته در جراید اعلام داشتند. هنگامیکه سرویس امنیتی آمریکا مشغول آماده سازی واطلاع رسانی این ادعا علیه ایران بود روزنامه تایمز گزارش کرد که دولت «اوباما» درتدارک اتهامی علیه ایران است که صرفاً ورای روش منزوی کردن ایران میباشد.

«تونی کارون» مینویسد: اگر دولت آمریکا موفق به حمایت چشم گیری دربالا بردن محاصره اقتصادی یا سایر روشهای مجازاتی علیه دولت ایران نشود خصوصاًبعداز تهدیداتی که اخیراً صورت گرفت دراین حالت توپ به زمین «اوباما» خواهد افتاد وچنانچه اگر سببی ایجاد شود که ایران از خط قرمز عبور کند «اوباما» زیر فشار زیادی برای اجرای مقاصد خود یا ریسک بالائی درصورت نشان دادن نرمش سیاسی به ایران درزمان انتخاباتش مواجه خواهد شد. با شتابی که ننوکان ها درحمایت فزاینده علیه ایران بعمل میاورند «اوباما» بخود حق خواهد داد که به دنبال تغییر رژیم نیز باشد همانطوریکه ماه فوریه سال قبل عمل کردیم، ضمن ارباب «اوباما» که ابقاء او در ریاست جمهوری منوط به حمله به ایران خواهد بود.

ما چنین گمانه زدیم هر کوششی در جهت ترور میتواند بهانه خوبی برای درگیری و حمله به ایران باشد.

کارشناسان جغرافیای سیاسی مداوماً اعلام خطر میکردند که اسرائیل در پانیز آماده ضربه زدن به ایران است.

جولای گذشته «روبرت بائر» از پرسنل ۲۱ سال سابقه دار (سی-آی-ای) به (ک-بی-اف-ک) روزنامه لس آنجلس گفت که نخست وزیر اسرائیل آقای «نتان یاهو» طرح حمله ای در ماه سپتامبر به ایران را داشت که مصادف با درخواست عضویت فلسطین از سازمان ملل متحد گردید. مقام رسمی پیشین آمریکا آقای «استیو پازی نیک» که دارای منابع انسانی مختلفی از افرادی که در زمان او شاغل مناسب امنیتی حساس بودند اینگونه خاطر نشان کرد که طرح ترور بطور کلی ساختگی و فقط بهانه ای برای حمله نظامی به ایران بود.

او همچنین خاطر نشان کرد که اسرائیل اخیراً انبوهی از بمب برای اهداف سخت رادریافت داشته است.

همان طوریکه اثبات کردیم اتهام طرح ترور سفیر عربستان «عادل ال جوبیر» که حالا بصورت نقل قول همگانی درآمده اظهارات «جان کری» به «جان مک کین» است که فقط انگیزه ای برای حمله نظامی به ایران بوده و بس، انگیزه ای کاملاً خیالبافانه.

سرهنگ دوم افسر آمریکایی بازنشسته «انتونی شافر» اظهار داشت که شخصیتی از درون (اف-بی-سی-آی) برای او افشاگری کرده است که هیچگونه مدرکی یا اسنادی که بیان کننده جزئیات طرح حمله از کانال (دی-ا-جی) باشد وجود نداشته و تمامی این رخدادها ساختگی است و درپس این رخدادها سلسله جنباتش انسانی مست و کله پوک که هر از گاهی با فواحش محشور بوده و افرادی که او را میشناسند به او لقب «جوک» داده اند.

بدون شک این آخرین کوششهای مداوم آنهاست که میخواهند چنین رخدادی را برای ایران بوجود بیاورند چرخندگان ایران بحد کافی تجربه دارند که در چنین دامی نیافتند.

اگر حمله نظامی مستقیمی صورت گیرد حتماً ایران در فرصت های مناسب جبران خواهد کرد. سهل اندیشی است باور کنیم که کنشهای منفی در آینده قابل استفاده خواهد بود اما اگر آمریکا، بریتانیا و اسرائیل در صدد بمباران کردن ایران باشند عکس العمل ایران بسیار تند و مرگ آسا خواهد بود.

بیانید امیدوار باشیم که چنین حادثه ای رخ ندهد؛ که در آن صورت به جنگ سوم جهانی پایان خواهد شد.

پایان

توضیح های نویسنده و برگردان:

کلوب رم:

این کلوب در سال ۱۹۶۸ در رُم بوجود آمد و اکنون توسط کمیته ۳۰۰ مدیریت میشود. اهداف آنها نظم نوین جهانی است و تقسیم دنیا به ده دین یا ده پادشاهی است.

کلوناس:

یکی از گران ترین پروژه های فضائی روسیه clonass است.

موسسه تاویستاک:

در سال ۱۹۴۶ با سرمایه گزاری راکفلر و یک گروه هشت نفری تاسیس شد.

یادداشت برگردان کننده:

خوانندگان ارجمند، اگر درگفتار آقای دکتر کلنن در بعضی از مقاطع عدم ارتباط هست علت کوتاه

سخن گویی ایشان است بخاطر موقعیت زمانی.